



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

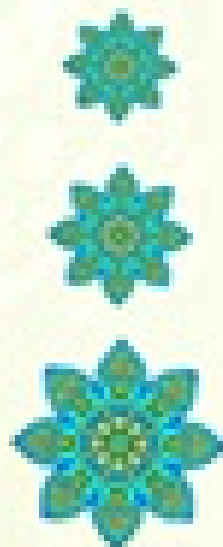
www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

دوازده گفتار محدودی

مرکز تخصصی مهدویت - قم

بصیرت‌العمم من بصیرت‌الخصم

گردآوری و تنظیم: رحیم کارگر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوازده گفتار مهدوی

نویسنده:

رحیم کارگر

ناشر چاپی:

مرکز تخصصی مهدویت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	دوازده گفتار مهدوی
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۱۹	فهرست مطالب
۳۵	مقدمه
۳۷	فصل اول: ضرورت وجود امام
۳۷	اشاره
۳۸	ضرورت وجود امام
۳۸	اشاره
۳۹	قاعده لطف
۴۰	تبیین قاعده
۴۰	پیش فرض های مهم برهان لطف
۴۱	بایستگی کارشناس دین
۴۲	اوصاف امام
۴۳	علم الهی
۴۴	نصب الهی امام
۴۵	معرفی امام
۴۷	فصل دوم: مهدویت در قرآن
۴۷	اشاره
۴۸	الف. جامعیت قرآن
۴۹	ب. تأویل و تفسیر
۵۰	ج. جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه (علیهم السلام)
۵۱	د. شیوه های معرفی در قرآن

۵۴	برخی از آیات مهدویت
۵۴	یک. غلبه اسلام بر جمیع ادیان
۵۶	دو. خلافت مؤمنان، وعده الهی
۵۸	سه. بندگان صالح وارثان زمین
۵۹	چهار. وراثت و پیشوایی مستضعفان
۶۰	پنج. حیات دوباره
۶۱	شش. امام، نعمت الهی
۶۱	اشاره
۶۲	تأویل آیه
۶۳	هفت. ذخیره الهی
۶۴	هشت. غیبت
۶۹	فصل سوم: امام مهدی در روایات
۶۹	اشاره
۷۱	منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام
۷۱	اشاره
۷۱	الف. منابع شیعه
۷۳	ب. منابع عامه
۷۴	معرفی مهدی موعود
۷۴	نتیجه
۷۵	امام مهدی در پرتو احادیث
۷۵	اشاره
۷۵	احادیث عام
۷۵	اشاره
۷۵	۱. حدیث ثقلین
۷۷	۲. حدیث «من مات»
۷۹	۳. حدیث «اثنا عشر خلیفه»

۸۱	احادیث خاص
۸۱	عرصه های مشترک
۸۱	اشاره
۸۱	۱- اصل مهدویت
۸۲	۲- وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام
۸۳	۳- جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام
۸۳	۴- نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام
۸۴	۵- خسف بیداء
۸۴	۶- اتفاق بر لقب «مهدی» علیه السلام
۸۴	۷- مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام
۸۵	۸- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۸۵	۹- بیعت بین رکن و مقام
۸۵	عرصه های اختلافی
۸۷	فصل چهارم: غیبت
۸۷	اشاره
۸۸	غیبت
۸۸	مفهوم غیبت
۸۹	پیشینه غیبت
۹۰	حکمت ها و فلسفه غیبت
۹۰	اشاره
۹۱	یک. اراده و خواست خداوند
۹۱	اشاره
۹۱	۱-۱. آزمون و امتحان مردم
۹۲	۱-۲. اتمام حجت
۹۳	۱-۳. تطابق و همسانی با پیامبران
۹۴	۱-۴. هدایت بخشی مداوم

- ۹۴ ۵-۱. ظهور نسل مؤمن از صلب کافر و منافق
- ۹۵ دو. نقش و تأثیر مردم
- ۹۵ اشاره
- ۹۵ ۱-۲. تأدیب و منتبه شدن
- ۹۶ ۲-۲. ستمکاری و نادانی مردم
- ۹۶ ۳-۲. جلوگیری از کشته شدن
- ۹۸ ۴-۲. بیعت نکردن با حاکمان
- ۹۹ ۵-۲. آماده شدن جهان و افکار عمومی
- ۹۹ ۶-۲. آماده سازی و تربیت شیعیان
- ۱۰۱ فصل پنجم: فوائد امام غایب
- ۱۰۱ اشاره
- ۱۰۲ نمونه های روایی
- ۱۰۳ وجوه شباهت امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر
- ۱۰۴ «نعمت در پرده غیبت»
- ۱۱۰ بهره مندی از دعاهای امام
- ۱۱۳ فصل ششم: انتظار
- ۱۱۳ اشاره
- ۱۱۴ معنای انتظار
- ۱۱۵ ابعاد انتظار
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۸ یک. وظایف فردی و اخلاقی
- ۱۱۸ ۱-۱. سنخیت با امام
- ۱۱۹ ۲-۱. پرهیزکاری و تزکیه نفس
- ۱۱۹ ۳-۱. یاد یار
- ۱۲۰ ۴-۱. اظهار محبت و مودت
- ۱۲۰ ۵-۱. حزن و اندوه و ندبه

- ۱۲۱ ۱-۶. اظهار اشتیاق و چشم به راه بودن
- ۱۲۱ ۱-۷. صبر و بردباری
- ۱۲۲ دو. وظایف دینی و اعتقادی
- ۱۲۲ ۱-۲. ثبات قدم در دین داری
- ۱۲۳ ۲-۲. دعا
- ۱۲۳ ۲-۳. شناخت و معرفت امام
- ۱۲۴ ۲-۴. ارتباط و پیوند با ولایت
- ۱۲۴ ۲-۵. توسل و زیارت آن حضرت
- ۱۲۴ ۲-۶. صدقه و زیارت از طرف امام علیه السلام
- ۱۲۵ ۲-۷. تسلیم بودن و عدم تعیین وقت
- ۱۲۵ سه. وظایف سیاسی و اجتماعی منتظران
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۵ ۳-۱. مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۲۶ ۳-۲. حق خواهی و حق مداری
- ۱۲۶ ۳-۳. استقامت و ایستادگی در سختی ها
- ۱۲۷ ۳-۴. کسب آمادگی برای ظهور
- ۱۲۸ ۳-۵. اتحاد و همدلی
- ۱۲۸ ۳-۶. رعایت حقوق دیگران
- ۱۲۹ ۳-۷. اطاعت از نمایان امام علیه السلام
- ۱۲۹ وظایف خاص کارگزاران منتظر
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۳۰ ۱. خلوص اعتقاد و توحیدگرایی
- ۱۳۱ ۲. توانمندی و قدرت اراده
- ۱۳۱ ۳. عشق والا به امام علیه السلام
- ۱۳۱ ۴. از خودگذشتگی و ایثار
- ۱۳۱ ۵. داشتن کفایت کافی و وافی

۱۳۲	۶. شجاعت و دلاوری
۱۳۲	۷. عبادت خالصانه
۱۳۲	۸. فرمانبری و اطاعت محض
۱۳۳	۹. روشنگری و هدایت بخشی
۱۳۳	۱۰. خدمت‌گزاری
۱۳۳	پاداش منتظران
۱۳۷	فصل هفتم: تعلیم و تربیت
۱۳۷	اشاره
۱۳۸	تعلیم و تربیت
۱۳۸	اشاره
۱۴۱	۱. شکوفاسازی عقول انسانی
۱۴۴	۲. فرهنگ‌سازی جامع
۱۴۴	۳. تأثیرگذاری معنوی (ولایت تکوینی)
۱۴۵	۴. تزکیه و تهذیب نفوس
۱۴۷	۵. مانع‌زدایی و تغییر ساختارهای فرهنگی
۱۴۹	۶. شکوفایی فطرت انسانی
۱۴۹	۸. کنترل و نظارت فراگیر
۱۵۰	۹. درمان بیماری‌های روحی
۱۵۱	۱۰. تقویت آموزه‌های اعتقادی
۱۵۲	۱۱. بازسازی هویت و منزلت انسانی
۱۵۳	۱۲. تطهیر و نورانی کردن جامعه
۱۵۴	۱۳. برپاداشت سیاست فاضله (حکومت قدسی)
۱۵۵	۱۴. نقش اثرگذار صالحان و پاکان
۱۵۶	۱۵. غنای واقعی بشر
۱۵۷	۱۶. بهسازی اخلاقی کارگزاران
۱۵۹	۱۷. حاکمیت اندیشه قرآنی

۱۸. پر رنگ کردن ماهیت «عبادی» انسان ۱۶۰
۱۹. رفع نیازهای مادی و تعدیل خواسته ها ۱۶۱
۲۰. وحدت و الفت انسان ها ۱۶۲
۲۱. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت ۱۶۳
۲۲. ارشاد و نصیحت گری ۱۶۴
۲۳. اجرای تعالیم و قوانین الهی ۱۶۶
- فصل هشت: شرایط و نشانه های ظهور ۱۶۷
- اشاره ۱۶۷
- شرایط و مقدمات ظهور ۱۶۸
- ضرورت زمینه سازی ۱۷۰
- شرایط ظهور و قیام ۱۷۲
- یک. قانون و برنامه کامل و جامع ۱۷۲
- دو. رهبری مقتدر و توانمند ۱۷۳
- سه. یاران ایثارگر و مجریان توانمند ۱۷۳
- چهار. آمادگی عمومی و بالارفتن سطح رشد و فهم مردم ۱۷۴
- عوامل مهم زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۷۵
- اشاره ۱۷۵
- ۱_ جاذبه قرآن و حقانیت اسلام ۱۷۵
- ۲_ علم و اندیشه و به کار انداختن آن ۱۷۵
- ۳_ استقامت و پایداری و شجاعت ۱۷۵
- ۴_ زهد و رعایت اخلاق و حقوق ۱۷۵
- ۵_ ایمان و توکل به خدا ۱۷۶
- ۶_ تعاون و همکاری ۱۷۶
- ۷_ برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر ۱۷۶
- ۸_ توجه به طبقه و قشر مستضعف ۱۷۶
- ۹_ اتحاد و انسجام مسلمانان ۱۷۶

۱۷۶ ۱۰_ رهبر شایسته
۱۷۶ ۱۱_ لزوم برنامه ریزی
۱۷۶ گروه «زمینه سازان» در منابع اسلامی
۱۷۸ برنامه زمینه سازی
۱۷۹ علایم و نشانه های ظهور امام مهدی علیه السلام
۱۸۰ زمان ظهور
۱۸۱ بررسی نشانه های ظهور
۱۸۲ آخر الزمان و نشانه های آن
۱۸۴ نشانه های ظهور
۱۸۴ الف) نشانه های عام و خاص
۱۸۴ ۱. نشانه های عام
۱۸۵ ۲. نشانه های خاص
۱۸۵ اشاره
۱۸۵ ۱. نشانه های حتمی
۱۸۵ ۲. نشانه های غیر حتمی
۱۸۵ اشاره
۱۸۵ ۱. خروج سفیانی
۱۸۶ ۲. خروج یمانی
۱۸۶ ۳. خسف به بیداء
۱۸۶ ۴. قتل نفس زکیه
۱۸۶ ۵. ندای آسمانی
۱۸۷ دیگر نشانه ها
۱۸۷ خروج دجال
۱۸۹ خسوف و کسوف غیر عادی
۱۸۹ جمع بندی
۱۹۱ فصل نهم: حکومت جهانی امام زمان

- ۱۹۱ اشاره
- ۱۹۲ ۱. یاری امام حق
- ۱۹۲ اشاره
- ۱۹۲ سیمای حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۹۶ پیروزی حق بر باطل با انقلاب جهانی مهدوی
- ۱۹۷ شکل گیری انقلاب جهانی
- ۲۰۰ ویژگی های حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۰ ۱. جهان شمولی
- ۲۰۰ ۲. عدالت گرایی
- ۲۰۱ ۳. معنویت گرایی و کمال بخشی
- ۲۰۲ ۴. حق گرایی (و ریشه کنی نمودهای باطل)
- ۲۰۳ ۵. تحقق عبودیت و یکتاپرستی
- ۲۰۴ ۶. خشونت ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و ...)
- ۲۰۴ ۷. تأمین رضامندی و خشنودی مردم
- ۲۰۵ ۸. شایسته سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان)
- ۲۰۶ ۹. دگرگونی های مثبت و سازنده
- ۲۰۷ ۱۰. ایجاد انسجام و همدلی
- ۲۰۷ برنامه های حکومت
- ۲۰۹ ابعاد مختلف اصلاحات مهدی علیه السلام
- ۲۰۹ اشاره
- ۲۰۹ الف. اصلاحات اقتصادی
- ۲۱۰ ب. اصلاحات دینی و فرهنگی
- ۲۱۰ اشاره
- ۲۱۰ ۱. اصلاح انحراف های فکری
- ۲۱۰ ۲. اصلاحات دینی

- ۲۱۰ ۳. اصلاحات علمی فکری
- ۲۱۱ ج. اصلاحات اجتماعی
- ۲۱۳ فصل دهم: مدیریت مهدوی
- ۲۱۳ اشاره
- ۲۱۴ ۱. ایجاد وفاق بین امت
- ۲۱۵ ۲. پناه مردم بودن
- ۲۱۵ ۳. جاذبه داشتن
- ۲۱۵ ۴. سبقت گرفتن در کارهای نیک
- ۲۱۶ ۵. کوشش برای گسترش عدالت
- ۲۱۶ ۶. بی نیاز کردن مردم با معنویات
- ۲۱۶ ۷. جلب رضایت مردم
- ۲۱۷ ۸. حفظ ارتباط مردمی
- ۲۱۸ ۹. معیار اخلاص در انتخاب وزیران
- ۲۱۸ ۱۰. دستور به عمران و نیکی
- ۲۱۸ ۱۱. انتخاب افراد نجیب
- ۲۱۹ ۱۲. سخت گیری بر وزیران و کارگزاران
- ۲۱۹ ۱۳. عدالت در تقسیم بودجه
- ۲۲۰ ۱۴. ایجاد اشتغال
- ۲۲۰ ۱۵. خدمت بی منت
- ۲۲۰ ۱۶. ساده زیستی
- ۲۲۱ ۱۷. دل نبستن به غیر خدا
- ۲۲۱ ۱۸. اطاعت از دستورات رهبر
- ۲۲۲ ۱۹. انتخاب کارگزاران بانگیزه
- ۲۲۳ ۲۰. توجیه مردم در کارها
- ۲۲۳ ۲۱. عمل به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حکومت داری
- ۲۲۴ ۲۲. عقب نشینی از مواضع اصولی ممنوع

- ۲۲۴ ۲۳. ارتباط دائم با وزیران
- ۲۲۴ ۲۴. رحمت، قبل از خشونت
- ۲۲۵ ۲۵. استحکام حکومت با بر طرف کردن ظلم
- ۲۲۶ ۲۶. تشویق کارگزاران مخلص
- ۲۲۶ ۲۷. خبر گرفتن از احوال مردم
- ۲۲۷ ۲۸. اهل کوشش و تلاش
- ۲۲۷ ۲۹. گسترش علم
- ۲۲۸ ۳۰. فروتنی نسبت به برادران دینی
- ۲۲۸ ۳۱. امانت داری
- ۲۲۸ ۳۲. قوت قلب
- ۲۲۹ ۳۳. روحیه شهادت طلبی
- ۲۳۱ فصل یازدهم: آسیب شناسی
- ۲۳۱ اشاره
- ۲۳۲ ۱. برداشت های غلط
- ۲۳۴ ۲. استعجال ظهور
- ۲۳۵ ۳. تعیین زمان ظهور
- ۲۳۵ ۴. تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص
- ۲۳۶ ۵. طرح مباحث غیر ضروری
- ۲۳۶ ۶. مدعیان دروغین
- ۲۳۶ ۷. ملاقات گرایی
- ۲۳۷ مدعیان دروغین مهدویت، نیابت خاصه و عامه
- ۲۴۱ فصل دوازدهم: مهدویت و غرب
- ۲۴۱ اشاره
- ۲۴۲ تبلیغات غرب علیه مهدویت
- ۲۴۴ غرب، سینما و آخرالزمان
- ۲۵۰ اهداف غرب

- ۲۵۲ ----- غرب، یهود و مسیحیت صهیونیستی
- ۲۵۳ ----- مسیحیان و بازگشت مسیح
- ۲۵۶ ----- «مسیحیت صهیونیستی»
- ۲۵۷ ----- منتظران هارمجدون (آرماگدون)
- ۲۶۴ ----- حاصل سخن
- ۲۶۷ ----- درباره مرکز

دوازده گفتار مهدوی

مشخصات کتاب

دوازده گفتار مهدوی

مرکز تخصصی مهدویت - قم

گردآوری و تنظیم: رحیم کارگر

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

فصل اول

ضرورت وجود امام ۱۳

ضرورت وجود امام ۱۴

قاعده لطف ۱۵

تبیین قاعده ۱۶

بایستگی کارشناس دین ۱۷

اوصاف امام ۱۸

علم الهی ۱۹

نصب الهی امام ۲۰

معرفی امام ۲۱

فصل دوم

مهدویت در قرآن ۲۳

الف. جامعیت قرآن ۲۴

ب. تأویل و تفسیر ۲۵

ج. جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه (علیهم السلام) ۲۶

د. شیوه های معرفی در قرآن ۲۷

برخی از آیات مهدویت ۳۰

یک. غلبه اسلام بر جمیع ادیان ۳۰

دو. خلافت مؤمنان، وعده الهی ۳۲

سه. بندگان صالح وارثان زمین ۳۴

پنج. حیات دوباره ۳۶

شش. امام، نعمت الهی ۳۷

تأویل آیه ۳۸

هفت. ذخیره الهی ۳۹

هشت. غیبت ۴۰

ص: ۳

فصل سوم

امام مهدی در روایات ۴۵

منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام ۴۷

الف. منابع شیعه ۴۷

ب. منابع عامه ۴۹

معرفی مهدی موعود ۵۰

نتیجه ۵۰

امام مهدی در پرتو احادیث ۵۱

احادیث عام ۵۱

احادیث خاص ۵۷

عرصه های مشترک ۵۸

۱- اصل مهدویت ۵۸

۲- وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام ۵۸

۳- جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام ۵۹

۴- نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام ۶۰

۵- خسف بیداء ۶۰

۶- اتفاق بر لقب «مهدی» علیه السلام ۶۰

۷- مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام ۶۱

۸- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۶۱

۹- بیعت بین رکن و مقام ۶۱

عرصه های اختلافی ۶۲

فصل چهارم

غیبت ۶۳

غیبت ۶۴

مفهوم غیبت ۶۴

پیشینه غیبت ۶۵

حکمت ها و فلسفه غیبت ۶۶

یک. اراده و خواست خداوند ۶۷

۱-۱. آزمون و امتحان مردم ۶۷

ص: ۴

۱-۲. اتمام حجّت ۶۸

۱-۳. تطابق و همسانی با پیامبران ۶۹

۱-۴. هدایت بخشی مداوم ۷۰

۱-۵. ظهور نسل مؤمن از صلب کافر و منافق ۷۰

دو. نقش و تأثیر مردم ۷۱

۲-۱. تأدیب و متنبه شدن ۷۱

۲-۲. ستمکاری و نادانی مردم ۷۲

۲-۳. جلوگیری از کشته شدن ۷۲

۲-۴. بیعت نکردن با حاکمان ۷۴

۲-۵. آماده شدن جهان و افکار عمومی ۷۵

۲-۶. آماده سازی و تربیت شیعیان ۷۵

فصل پنجم

فوائد امام غایب ۷۷

نمونه های روایی ۷۸

وجوه شباهت امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر ۷۹

«نعمت در پرده غیبت» ۸۰

بهره مندی از دعاهاى امام ۸۶

فصل ششم

انتظار ۸۹

معنای انتظار ۹۰

یک. وظایف فردی و اخلاقی ۹۴

سه. وظایف سیاسی و اجتماعی منتظران ۱۰۱

وظایف خاص کارگزاران منتظر ۱۰۵

۲. توانمندی و قدرت اراده ۱۰۷

۳. عشق والا به امام علیه السلام ۱۰۷

۶. شجاعت و دلاوری ۱۰۸

۷. عبادت خالصانه ۱۰۸

ص: ۵

۸. فرمانبری و اطاعت محض ۱۰۸

۹. روشنگری و هدایت بخشی ۱۰۹

پاداش منتظران ۱۰۹

فصل هفتم

تعلیم و تربیت ۱۱۳

تعلیم و تربیت ۱۱۴

۱. شکوفاسازی عقول انسانی ۱۱۷

۲. فرهنگ سازی جامع ۱۲۰

۳. تأثیر گذاری معنوی (ولایت تکوینی) ۱۲۱

۴. تزکیه و تهذیب نفوس ۱۲۱

۵. مانع زدایی و تغییر ساختارهای فرهنگی ۱۲۳

۶. شکوفایی فطرت انسانی ۱۲۵

۸. کنترل و نظارت فراگیر ۱۲۵

۹. درمان بیماری های روحی ۱۲۶

۱۰. تقویت آموزه های اعتقادی ۱۲۷

۱۱. بازسازی هویت و منزلت انسانی ۱۲۸

۱۲. تطهیر و نورانی کردن جامعه ۱۲۹

۱۳. برپاداشت سیاست فاضله (حکومت قدسی) ۱۳۰

۱۴. نقش اثرگذار صالحان و پاکان ۱۳۱

۱۵. غنای واقعی بشر ۱۳۲

۱۶. بهسازی اخلاق کارگزاران ۱۳۳

۱۷. حاکمیت اندیشه قرآنی ۱۳۵

۱۸. پررنگ کردن ماهیت «عبادی» انسان ۱۳۶

۱۹. رفع نیازهای مادی و تعدیل خواسته ها ۱۳۷

۲۰. وحدت و الفت انسان ها ۱۳۸

۲۱. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت ۱۳۹

۲۲. ارشاد و نصیحت گری ۱۴۰

۲۳. اجرای تعالیم و قوانین الهی ۱۴۲

ص: ۶

فصل هشت

شرایط و نشانه های ظهور ۱۴۳

شرایط و مقدمات ظهور ۱۴۴

ضرورت زمینه سازی ۱۴۶

شرایط ظهور و قیام ۱۴۸

یک. قانون و برنامه کامل و جامع ۱۴۸

دو. رهبری مقتدر و توانمند ۱۴۹

سه. یاران ایثارگر و مجریان توانمند ۱۴۹

چهار. آمادگی عمومی و بالارفتن سطح رشد و فهم مردم ۱۵۰

عوامل مهم زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۱

۱_ جاذبه قرآن و حقانیت اسلام ۱۵۱

۲_ علم و اندیشه و به کار انداختن آن ۱۵۱

۳_ استقامت و پایداری و شجاعت ۱۵۱

۴_ زهد و رعایت اخلاق و حقوق ۱۵۲

۵_ ایمان و توکل به خدا ۱۵۲

۶_ تعاون و همکاری ۱۵۲

۷_ برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر ۱۵۲

۸_ توجه به طبقه و قشر مستضعف ۱۵۲

۹_ اتحاد و انسجام مسلمانان ۱۵۲

۱۰_ رهبر شایسته ۱۵۲

۱۱ _ لزوم برنامه ریزی ۱۵۲

گروه «زمینه سازان» در منابع اسلامی ۱۵۲

برنامه زمینه سازی ۱۵۵

علایم و نشانه های ظهور امام مهدی علیه السلام ۱۵۶

زمان ظهور ۱۵۶

بررسی نشانه های ظهور ۱۵۷

آخر الزمان و نشانه های آن ۱۵۸

نشانه های ظهور ۱۶۰

الف) نشانه های عام و خاص ۱۶۱

دیگر نشانه ها ۱۶۳

ص:۷

خروج دجال ۱۶۳

خسوف و کسوف غیر عادی ۱۶۵

جمع بندی ۱۶۵

فصل نهم

حکومت جهانی امام زمان ۱۶۷

۱. یاری امام حق ۱۶۸

سیمای حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۸

پیروزی حق بر باطل با انقلاب جهانی مهدوی ۱۷۲

شکل گیری انقلاب جهانی ۱۷۳

ویژگی های حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۷۶

۱. جهان شمولی ۱۷۶

۲. عدالت گرایی ۱۷۶

۳. معنویت گرایی و کمال بخشی ۱۷۷

۴. حق گرایی (و ریشه کنی نمودهای باطل) ۱۷۸

۵. تحقیق عبودیت و یکتاپرستی ۱۷۹

۶. خشونت ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و ...) ۱۸۰

۷. تأمین رضامندی و خشودی مردم ۱۸۰

۸. شایسته سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان) ۱۸۱

۹. دگرگونی های مثبت و سازنده ۱۸۲

۱۰. ایجاد انسجام و همدلی ۱۸۳

برنامه های حکومت ۱۸۳

ابعاد مختلف اصلاحات مهدی علیه السلام ۱۸۵

الف. اصلاحات اقتصادی ۱۸۵

ب. اصلاحات دینی و فرهنگی ۱۸۶

ج. اصلاحات اجتماعی ۱۸۷

فصل دهم

مدیریت مهدوی ۱۸۹

۱. ایجاد وفاق بین امت ۱۹۰

ص: ۸

۲. پناه مردم بودن ۱۹۱
۳. جاذبه داشتن ۱۹۱
۴. سبقت گرفتن در کارهای نیک ۱۹۱
۵. کوشش برای گسترش عدالت ۱۹۲
۶. بی نیاز کردن مردم با معنویات ۱۹۲
۷. جلب رضایت مردم ۱۹۲
۸. حفظ ارتباط مردمی ۱۹۳
۹. معیار اخلاص در انتخاب وزیران ۱۹۴
۱۰. دستور به عمران و نیکی ۱۹۴
۱۱. انتخاب افراد نجیب ۱۹۴
۱۲. سخت گیری بر وزیران و کارگزاران ۱۹۵
۱۳. عدالت در تقسیم بودجه ۱۹۵
۱۴. ایجاد اشتغال ۱۹۶
۱۵. خدمت بی منت ۱۹۶
۱۶. ساده زیستی ۱۹۶
۱۷. دل نبستن به غیر خدا ۱۹۷
۱۸. اطاعت از دستورات رهبر ۱۹۷
۱۹. انتخاب کارگزاران با انگیزه ۱۹۸
۲۰. توجیه مردم در کارها ۱۹۹
۲۱. عمل به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حکومت داری ۱۹۹

۲۲. عقب نشینی از مواضع اصولی ممنوع ۲۰۰

۲۳. ارتباط دائم با وزیران ۲۰۰

۲۴. رحمت، قبل از خشونت ۲۰۰

۲۵. استحکام حکومت با بر طرف کردن ظلم ۲۰۱

۲۶. تشویق کارگزاران مخلص ۲۰۲

۲۷. خبر گرفتن از احوال مردم ۲۰۲

۲۸. اهل کوشش و تلاش ۲۰۳

۲۹. گسترش علم ۲۰۳

۳۰. فروتنی نسبت به برادران دینی ۲۰۴

۳۱. امانت داری ۲۰۴

۳۲. قوت قلب ۲۰۴

ص: ۹

۳۳. روحیه شهادت طلبی ۲۰۵

فصل یازدهم

آسیب شناسی ۲۰۷

۱. برداشت های غلط ۲۰۸

۲. استعجال ظهور ۲۱۰

۳. تعیین زمان ظهور ۲۱۱

۴. تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص ۲۱۱

۵. طرح مباحث غیر ضروری ۲۱۲

۶. مدعیان دروغین ۲۱۲

۷. ملاقات گرابی ۲۱۲

مدعیان دروغین مهدویت، نیابت خاصه و عامه ۲۱۳

فصل دوازدهم

مهدویت و غرب ۲۱۷

تبلیغات غرب علیه مهدویت ۲۱۸

غرب، سینما و آخرالزمان ۲۲۰

اهداف غرب ۲۲۶

غرب، یهود و مسیحیت صهیونیستی ۲۲۸

مسیحیان و بازگشت مسیح ۲۲۹

«مسیحیت صهیونیستی» ۲۳۲

منتظران هارمجدون (آرماگدون) ۲۳۳

حاصل سخن ۲۴۰

ص: ۱۰

امامت خورشید زندگی بخشی است که اعتقاد شیعه با آن گره خورده و باعث شده است تا این گروه، راه خویش را در تاریخ اسلام از کج راهه ها و بیراهه ها جدا کند. حیات، بالندگی و بقای شیعه در گرو این حقیقت بزرگ قرآنی و یادگار سترگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

در میان امامان شیعه، امام دوازدهم از ویژگی ها و امتیازهای خاصی برخوردار است. او تنها کسی است که همه جهان را از عدل و داد، سرشار خواهد ساخت؛ همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.

مهدویت، به دلیل دارا بودن ویژگی های منحصر به فرد، یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است؛ از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جامعه، باعث تعالی هرچه بیشتر جامعه و حفظ آن از فرو غلتیدن در ناراستی ها، فسادها و تباهی ها است.

«مهدویت» در اندیشه اسلام و ادیان آسمانی، اندیشه ای فراگیر و پیشینه دار و نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است. توجه جهان به این موضوع مهم در عصر حاضر و مطرح شدن اندیشه های موازی و انحرافی در این زمینه، از سوی قدرت های جهانی و اندیشمندان بشری و برداشت های غیر کارشناسانه از آن، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده است.

در این راستا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز آموزشی تخصصی مهدویت، به منظور ترویج و معرفی بیشتر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناساندن فرهنگ مهدویت و آشنا ساختن جامعه _ مخصوصاً نسل نو _ با نقش آن امام عزیز در عصر غیبت و حکومت واحد جهانی و تحکیم پایه های امامت و ولایت، تأسیس شده و اهداف مختلفی را پیگیری کرده است.

یکی از برنامه های مهم این بنیاد، تألیف و نشر کتاب و نشریه و تدوین آثار فرهنگی، علمی و ادبی درباره شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که تا کنون در بخش کتاب، بیش از چهل عنوان، تدوین و چاپ کرده است.

کتاب حاضر که تحت عنوان «دوازده گفتار مهدوی» تقدیم می شود حاصل تلاش جمعی از محققین و نویسندگان مباحث مهدویت می باشد که توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین «رحیم کارگر» گردآوری و تنظیم شده است.

لازم به ذکر است مجموعه حاضر گامی آغازین در این زمینه به شمار می آید؛ امید است فرهیختگان با تلاش های جدید و ژرف تر، پژوهش های کامل تر و متنوع تری ارائه دهند و اقدامات پر ثمری در ترویج فرهنگ «مهدویت» به عمل آورند.

قم _ مرکز تخصصی مهدویت

مجتبی کلباسی

ص: ۱۲

فصل اول: ضرورت وجود امام

اشاره

ص: ۱۳

وجود امام و خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوای مسلمین، مورد قبول همه مذاهب اسلامی — اعم از شیعه و سنی — است. این انگاره به قدری اهمیت دارد که وقتی به اهل سنت درباره ماجرای سقیفه اعتراض می شود که چرا عده ای از صحابه — از جمله خلیفه اول و دوم — هنوز بدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را غسل و کفن نکرده، به مسأله جانشینی پرداختند، می گویند: امامت و رهبری امت اسلامی، مهم تر از تجهیز و کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله است!

پس مسأله ضرورت وجود امام، نه تنها برای شیعه؛ بلکه حتی برای فرقه های مختلف اهل سنت نیز جدی و پر اهمیت است و آنان نیز در اینکه امامت و خلافت، امری بایسته و ضروری است، تردید ندارند، منتها در کیفیت و وجوب آن، با شیعه اختلاف دارند

یادآوری: فریقین معتقد به وجوب امامت هستند، ولی در اینکه این وجوب بر خدا است یا بر مردم اختلاف نظر دارند. قول به «وجوب بر خدا»، وجوب کلامی است که امامیه بدان معتقد است؛ ولی قول به «وجوب بر مردم»، وجوب فقهی است که فرقه های اهل سنت (از آنجا که به حسن و قبح عقلی معتقد نیستند) بر آن دیدگاه هستند.

«مقصود از وجوب کلامی، این است که فعلی، مقتضای عدل یا حکمت یا جود یا رحمت یا دیگر صفات کمال الهی است و چون ترک چنین فعلی، مستلزم نقص در ساحت خداوند و در نتیجه، محال است؛ پس انجام دادن آن، واجب و ضروری است. البته کسی، آن فعل را بر خداوند واجب نمی کند؛ بلکه او خود، به مقتضای صفات کمال و جمالش، آن را بر خود واجب می کند؛ چنان که فرموده است: (... كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...) و نیز فرموده است:

قاعده لطف

انسان برای داشتن زندگی بهتر و ایده آل، نیازمند الگویی کامل و جامع است که از هر نقص و عیبی به دور بوده و بتواند راهنمای خوبی برای او در همه زمینه ها باشد. در زندگی اجتماعی نیز انسان به رهبری محتاج است که او را به سوی خوبی ها و کمال هدایت کند. پیشوایان معصوم علیهم السلام، بهترین الگو برای رسیدن بشر به سعادت و کمال هستند. در دست داشتن چنین معیار و الگویی، بزرگ ترین لطف و مرحمت الاهی برای جامعه انسانی است.

وجود پیشوایی معصوم به منظور پاسداری از اصالت مکتب و خالص بودن برنامه های دینی همواره ضروری است تا از انحرافات و اندیشه های نادرست و خرافات جلوگیری کند. به یقین اگر مذهب و آیین بدون وجود چنین رهبری بوده یا از رهنمودهای هدایت گرایانه او محروم باشد، در مدت بسیار کوتاهی اصالت و خلوص خود را از دست خواهد داد. امام، مکلفان را در به پا داشتن واجبات و بازداشتن از زشتی ها سوق داده و انسان را از اخلال به واجبات و ارتکاب گناهان باز می دارد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «امام ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ای است راهنما در شدت تاریکی ها. امام آب گوارای زمان تشنگی و رهبری به سوی هدایت و نجات بخش از هلاکت است...؛ هر که از او جدا شود، هلاک می گردد».

تا زمانی که نوع انسان روی زمین باقی است، لازم است همواره در میان آنها فرد کامل و معصوم وجود داشته باشد که تمام کمالاتی که برای بشر در نظر گرفته شده، در او به فعلیت و ظهور رسیده باشد تا بتواند با کردار و دانش خویش، هدایت افراد را بر عهده گیرد. امام باقر علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند خدا از آن زمان که آدم علیه السلام را قبض روح کرد تا حال، هرگز زمین را

ص: ۱۵

بی امامی که مردم به واسطه او هدایت یابند، رها نکرده است و او حجت خدا بر بندگان می باشد. زمین خدا هرگز بی امام باقی نمی ماند تا خدا بر بندگانش حجتی داشته باشد».

تبیین قاعده

یکی از براهین عقلی که متکلمان شیعه برای وجوب امامت به آن استدلال می کنند، «قاعده لطف» است. «لطف» از صفات فعل خداوند است، نه ذات و مراد از آن، هر فعلی است که خداوند نسبت به مکلفین انجام می دهد (مانند نعمت ها، خیرها و...) و به واسطه آن بندگان را به اطاعت نزدیک می کنند و از معصیت باز می دارد (البته به حدّ جبر نمی رسد).

اثبات ضرورت امامت بر اساس «قاعده لطف» چنین است.

حال که خداوند، تکالیفی را بر بندگان واجب کرده است، غرض او، اطاعت و پیروی انسان ها از آن تکالیف است تا در سایه آن، به کمال و سعادت مطلوب برسند. این مهم (امثال) بدون انجام دادن اموری [از جانب خداوند]، مثل نصب امام معصوم، وعد و وعید و... محقق نمی شود و خدای حکیم، حتماً این امور را انجام می دهد تا نقض غرض در تکلیف لازم نیاید.

پیش فرض های مهم برهان لطف

۱. هدف و غرض اصلی خداوند از تشریح تکالیف، اطاعت و پیروی بندگان است؛ نه اینکه هدف، صرفاً بیان تکالیف باشد (هر چند عده اندکی بدون وعد و وعید و یا نصب امام، امثال می کنند).

قرآن، در موارد گوناگون، این مضمون را بیان می کند که اگر خداوند، دستوری داده، یا لطفی کرده است و یا ضرری را متوجه انسان ها ساخته، هدف انجام دادن، دستورها بوده است تا در سایه آن، به کمال مطلوب برسند. در اینجا به ذکر چند نمونه از آیات بسنده می شود:

(وبلونا هم بالحسنات والسيئات لعلهم يرجعون). (۱)

ص: ۱۶

۲. نصب امام از مصادیق لطف می باشد. شکی نیست که محافظت از قوانین و سایر کارکردهای امام انسان ها را به سوی پیروی از دستورات الهی نزدیک می کند و از سرکشی بر کنار می دارد. از طرفی هرگاه جامعه، رهبری داشته باشد که آنان را از تجاوز و نزاع باز دارد و به صلح و عدل و انصاف وادارد، چنین جامعه‌ای، به صلاح نزدیک و از فساد تباهی دور می شود. (۱) حال اگر چنین رهبری، از جانب خدا بوده و معصوم هم باشد، دیگر جای تردیدی در لطف بودن آن نمی ماند. نصب پیشوا و امام معصوم الهی، هیچ گونه مفسده و مزاحمی ندارد تا خداوند به جهت آن مفسده و یا تراحم با امر دیگر، از نصب امام صرف نظر کند.

بایستگی کارشناس دین

با پذیرش خاتمیت رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و جامعیت دین اسلام، این مشکل رخ می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله در طول ۲۳ سال ابلاغ رسالت، فرصت نیافت که همه جزئیات و تفصیلات بایسته برای راهنمایی و رهبری امت را تبیین کند و شیوه های آن را در گفتار و عمل ارائه دهد. علاوه بر اینکه مردم نیز توانایی درک بعضی از معارف را نداشتند و برخی مباحث و مسائل نیز مورد نیاز نبود تا مردم آن را یاد بگیرند و به دیگران برسانند.

از اینجا مسأله احتیاج به کارشناس بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله (به عنوان امام) مطرح می شود؛ یعنی، کارشناس امر دین که به اشتباه دچار نشود و خطایی از او سر نزنند.

این مسأله یک ضرورت عقلی و شیوه پذیرفته شده در میان عقلا است که در هر کاری متخصص آن را می طلبند و در مواجهه با هر مکتب و طرح پیچیده ای، کارشناس آن را جستجو می کنند؛ زیرا بدون متخصص و کارشناس، رسالت های علمی و دینی، ناتمام می ماند و سرانجام به تباهی کشیده می شود.

آیه الله سبحانی در بحث ادله امامت دلیلی تحت عنوان «الفراغات الهائله بعد النبی فی

ص: ۱۷

مجاللات اربعه» ذکر کرده است. ایشان در تقریر برهان چنین می گوید: (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول حیات خود، مسؤولیت هایی داشته که عبارت بود از:

۱. شرح و تفسیر آیات الهی و کشف اسرار آنها؛

۲. شرح و بیان احکام مستحدثه در زمان حیات پربرکت خویش؛

۳. دفع شبهات و پاسخ به سؤالات اهل کتاب؛

۴. حفظ دین از تحریف.

اینها امور چهارگانه ای بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حیاتش بدان ممارست می کرد، حال بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی باید عهده دار چنین مسؤولیتی باشد؟ سه احتمال وجود دارد:

الف. شارع مقدّس، مسأله را مهمل بگذارد و کاری به بعد نداشته باشد! این احتمال محال است.

ب. مسأله را مهمل نگذارد؛ بلکه امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مسؤولیت های او را انجام دهد. این هم با توجه به مسائل بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، و حوادثی که بعد از رحلت اتفاق افتاد و جامعه اسلامی را دچار تفرقه و جدایی کرد، قابل پذیرش نیست.

ج. خداوند این مسؤولیت را به شخصی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله بسپارد که شئون مختلفی (مثل تفسیر معصومانه از دین و...) داشته باشد.

از این سه، دو احتمال نخست باطل است، و احتمال درست نصب جانشین پیامبر و امام از سوی خداوند است.

اوصاف امام

اوصاف امام دو دسته است: بعضی از اوصاف بین فریقین اتفاقی است؛ نظیر اینکه، امام باید مسلمان، عادل (اجمالاً)، حرّ و آزاد باشد (نه بنده)، و... .

ص: ۱۸

دسته دیگر از اوصاف اختلافی است، مثل عصمت. شیعه معتقد است: امام باید معصوم باشد و حال آنکه اهل سنت معتقد به عصمت امام و یا خلیفه نیستند.

عصمت هم عصمت عملی و ترک گناه را شامل می‌شود و هم عصمت علمی را. عصمت علمی؛ یعنی، معصوم در حوزه علم و معرفت دچار خطا نمی‌شود. عصمت علمی دارای مراتب و ابعادی است، از جمله:

۱. عصمت در شناخت احکام الهی،

۲. عصمت در شناخت موضوعات احکام شرعی،

۳. عصمت در تشخیص مصالح و مفاسد امور مربوط به رهبری جامعه اسلامی،

۴. عصمت در امور مربوط به زندگی عادی، اعم از مسائل فردی و اجتماعی.

خداوند می‌فرماید: (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهِنَّ قَالَ أَنَىٰ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمَن ذَرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ). (۱)

خداوند در این آیه کسب مقام امامت را از ظالم نفی کرده و فقط غیر او را شایسته مقام امامت می‌داند. «ظلم» نیز به صورت مطلق آمده و شامل همه ظلم‌ها و تجاوزها در هر زمان از دوران زندگی می‌شود. روشن است برای جانشینی رسول خدا، به فرد غیر معصوم نمی‌توان اعتماد و اطمینان کامل داشت.

علم الهی

یکی دیگر از ویژگیهایی که امام واجد آن است علم لَعَدْنِي (خدادادی) میباشد، مرجعیت علمی امام و نیاز امت به او، وجود چنین علمی را برای امام ضروری میکند. چنین علمی است که مورد اعتماد کامل مردم قرار میگیرد و آنان با اطمینان و آرامش، بیان امام را میپذیرند زیرا میدانند آنچه میگوید صحیح و درست است.

ص: ۱۹

نکته‌های که نباید از آن غفلت نمود این است که امام علاوه بر اینکه باید علم دین را بداند، لازم است که مخاطب را بشناسد و با توجه به مقدار درک و استعداد و توانایی فهم او، معارف دین را در اختیار او بگذارد.

نصب الهی امام

در مباحث قبل ثابت شد که امام باید دو شرط عصمت و علم را دارا باشد. تشخیص وجود این اوصاف در کسی، از عهده مردم خارج بوده و فقط خدا از آن آگاه است. پس انتخاب امام نیز فقط به وسیله او امکان دارد.

خداوند در آیات متعددی انتخاب امام را به عهده خود دانسته است مانند «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود، و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم» (بقره، آیه ۱۲۴)

از سیره پیامبر اکرم نیز استفاده میشود که آن حضرت امامت را امری الهی دانسته و انتخاب امام را در اختیار خدا میدانست. در سیره ابن هشام آمده است: بنی عامر بن صعصعه خدمت رسول خدا رسیدند: حضرت آنان را به سوی خدا دعوت نمود. در این هنگام یک نفر از آن گروه به نام بحیره بن فراس گفت: اگر با تو بر اسلام بیعت کردیم و خداوند تو را بر مخالفینت غلبه داد، آیا ما در خلافت بعد از تو سهمی داریم؟ پیامبر فرمود: امر خلافت به دست خداست و هر جا بخواهد قرار میدهد. در این هنگام بحیره گفت: آیا ما جان خود را برای دفاع از تو بدهیم ولی وقتی خداوند تو را بر دشمنان غلبه داد خلافت به غیر ما برسد؟ ما احتیاجی به اسلام تو نداریم (سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۳۲ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸۴ - سیره ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۵۸ و...)

ص: ۲۰

شبهه این داستان در مورد قبیله بنی کنده و عمارین طفیل نیز تکرار شده است (سیره ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۵۹-ج ۴، ص ۱۱۴)

معرفی امام

ثابت شد که امام باید از طرف خدا انتخاب شود و توسط پیامبر به صورت واضح و روشن به مردم معرفی گردد.

اکنون جای این سؤال است که: آیا پیامبر، فرد یا افرادی را به عنوان امام و خلیفه پس از خود معرفی کرده است؟

در پاسخ به این پرسش میگوئیم: آری، پیامبر به دو صورت جانشین خود را معرفی نمود:

۱- به صورت عمومی و معرفی همگی امامان. (شرح این بحث در بخش امام مهدی در روایات خواهد آمد.

۲- معرفی شخص حضرت علی علیه السلام .

ص: ۲۱

بر اساس روایات بیش از ۲۰۰ آیه قرآن به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگیها و همچنین قیام و انقلاب جهانی آن حضرت، اشاره کرده است. (معجم احادیث امام مهدی)

الف. جامعیت قرآن

پیامبر اکرم خاتم سلسله پیامبران است. مهم ترین رخدادی که با ارتحال وجود مقدس رسول خدا در تاریخ حیات بشری پدید آمد، انقطاع وحی بود. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

«...انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَا يَنْقَطِعُ بِمَوْتِ أَحَدٍ»؛ (۱) [ای پیامبر!] به واسطه از دست رفتن شما چیزی از بشر قطع گردید (وحی) که به واسطه مرگ احدی قطع نمی شود.

رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ یعنی، پایان رسمی تشریح آسمانی و انقطاع وحی تشریحی و نزول قانون تکامل انسانی. بر این اساس و با توجه به اینکه قرآن و دین اسلام جاودانه و همیشگی است، باید کتاب وحی و قانون از جامعیتی بی نظیر برخوردار باشد.

سخن از جامعیت قرآن، امری است که مفسران و دانشمندان با استناد به خود قرآن و استفاده از عقل و نقل، آن را طرح کرده اند. قرآن مجید در این باره می فرماید:

(وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ)، (۲) و بر تو [ای پیامبر!] نازل کردیم کتابی را که در آن تبیین هر چیزی [که در هدایت انسان نقش دارد] صورت گرفته است.

ص: ۲۴

۱- شیخ مفید، الامالی، ص ۱۰۲، ح ۴.

۲- ر.ک جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۸۳، ذیل آیه ۵۹ سوره انعام.

بر اساس این آیه و آیات دیگر قرآن کتاب «تبیان» و «هدایت» است. (۱) «تبیان» صفت عام و فراگیر قرآن است؛ یعنی، کتابی که برای هدایت همه انسان ها و همه زمان ها نازل شده، بیان «کل شیء» را عهده دار است.

علامه می فرماید: اگر روایاتی [که دلالت بر وجود علم ما کان و ما یکون و ما هو کائن در قرآن دارند] صحیح باشد، لازم می آید که مراد از «تبیان» اعم از آن چیزی باشد که از طریق دلالت های الفاظ به دست می آید. پس شاید در اینجا اشاراتی _ البته از راهی غیر از دلالت الفاظ _ باشد که اسراری را کشف می کند که با فهم متعارف؛ راهی به سوی آنها نیست.

ب. تأویل و تفسیر

بحث تأویل و تفسیر از مباحث مهم علوم قرآنی است. به مقتضای این بحث، تحلیل و تعریفی را که برای فهم این نوشتار ضروری است، بیان می کنیم.

«التَّفْسِيرُ كَشْفُ الْقِنَاعِ عَنِ الْمَشْكَلِ»؛ یعنی تفسیر نقاب بر گرفتن از چهره الفاظ مشکل است.

در این بیان، تفسیر، مربوط به «ظهر» قرآن می شود و همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» (۲)؛ «هیچ آیه ای در قرآن نیست، مگر آنکه ظهر و بطنی دارد».

در این نگاه، تأویل به معنای «بطن» قرآن است که دلالت درونی قرآن را می رساند. با این نگاه تمامی آیات قرآن بطن دارند؛ نه اینکه بطون، مخصوص آیات متشابه باشد. (۳)

ص: ۲۵

۱- ر.ک: سوره بقره (۲)، آیه ۲؛ سوره مائده (۵)، آیه ۴۴؛ سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۹۶، ح ۳۳۵۸۰.

۳- علوم قرآنی، ص ۲۷۴.

به عبارت دیگر گاهی آیات الهی حاوی حقایقی و رای الفاظ و ظواهر آن است که تنها روایات و گفتار معصومین (علیهم السلام) از آنها پرده برمی دارد و اسرار آنها را آشکار می سازد. به این مرحله از فهم آیات _ که دلالت به باطن قرآن دارد _ «تأویل» گفته می شود. بنابراین برای بهره مندی جامع و شایسته، هم باید به ظاهر قرآن و «تفسیر» آن توجه کرد و هم از باطن آن (تأویل) استمداد جست.

ج. جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه (علیهم السلام)

شکی نیست که کلام وحی و معارف بی کران الهی، اقیانوسی است که عقل و دانش ناقص و محدود بشری، توانایی درک و تحلیل تعالیم و مفاهیم بلند و آسمانی آن را به تنهایی، به صورت کامل و صحیح ندارد و ناگزیر از یاری افرادی است که خود از سرچشمه وحی و علم الهی بهره مند شده و توانایی لازم برای بیان حقایق آن را داشته باشند. این فضیلت در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومین (علیهم السلام) جلوه گر و متبلور شده است.

خداوند در این باره خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛^(۱) «و ما ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها تبیین کنی». نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز پس از خود، خاندان و اهل بیت عصمت خویش را عهده دار این وظیفه سنگین و امر خطیر معرفی می فرماید؛ چنان که در حدیث معروف ثقلین آمده است؛ «أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي...»^(۲)؛ «من در میان شما دو چیز گران بها و ارزشمند باقی می گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. و اگر به این دو ثقل چنگک بزنید و تمسک بجوید هرگز گمراه

ص: ۲۶

۱- نحل (۱۶)، آیه ۴۴.

۲- ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۱؛ شیخ صدوق، امالی، ص ۴۱۵، ح ۱۵.

نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

این انگاره از آیات دیگر قرآن نیز قابل استفاده است:

﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۱)؛

«اگر چیزی را نمی دانید از اهل ذکر (که مصداق اتم آن ائمه اهل بیت هستند) بپرسید.»

در تفسیر این آیه آمده است:

﴿نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ﴾ (۲)

«منظور از اهل ذکر ما ایم و ما کسانی هستیم که مورد سؤال قرار می گیریم.»

راز و رمز حیات و جامعیت قرآن، در همگامی و همراهی آن، با عترت است. قرآن در کنار معصوم، عامل هدایت و مانع از گمراهی است.

پس روشن شد که قرآن، جامع و دارای ظهر و بطن و تفسیر و تأویل است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی (علیهم السلام) در تبیین آن نقشی بی بدیل دارند و نه تنها در حوزه متشابهات که در حوزه ظواهر و نصوص نیز بیان آنان حجت است.

با این مقدمات نتیجه می گیریم که بحث «مهدی علیه السلام در قرآن» را باید فراتر از ظواهر الفاظ دید و به صرف اینکه نام مبارک مهدی علیه السلام در قرآن ذکر نشده، نباید گفت: قرآن از حقیقت «مهدویت» خالی است و ریشه در قرآن ندارد.

د. شیوه های معرفی در قرآن

با همه این تفصیلات، چرا نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صراحت در قرآن نیامده تا جلوی انکار خیلی ها گرفته شود؟ آیا اگر نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر می شد، مردم آن را بهتر و راحت تر نمی پذیرفتند؟ شبیه

ص: ۲۷

۱- نحل (۱۶)، آیه ۴۳.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳.

همین سؤال درباره ولایت مولا علی علیه السلام نیز مطرح است.

ابتدا به این حدیث توجه کنید: ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عز و جل «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - ۵۹ نساء» پرسیدم، فرمود: درباره علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. عرض کردم: مردم می گویند: چرا نام علی و خانواده اش در کتاب خدای عز و جل برده نشده؟

فرمود: به آنها بگو: آیه نماز، بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شد و سه رکعتی و چهار رکعتی آن نام برده نشد تا اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله خود برای مردم بیان کرد و آیه زکات بر آن حضرت نازل شد و نام برده نشد که زکات از هر چهل درهم یک درهم است، تا اینکه خود پیغمبر آن را برای مردم شرح داد و امر به حج نازل شد و به مردم نگفت هفت دور طواف کنید تا اینکه خود پیغمبر صلی الله علیه و آله برای آنها توضیح داد. و آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نازل شد و در باره علی و حسن و حسین هم نازل شد، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام فرمود: «هر که را من مولا- و آقایم علی مولا و آقاست» و باز فرمود: در باره کتاب خدا و اهل بیتم به شما سفارش می کنم. من از خدای عز و جل خواسته ام که میان آنها جدائی نیندازد تا آنها را در سر حوض بمن رساند، خدا خواسته مرا عطا کرد. (کافی، ج ۱، ص ۲۸۶)

در ادامه باید گفت: قرآن برای معرفی شخصیت ها به مقتضیات حکمت و بلاغت، از سه راه استفاده کرده است:

۱. معرفی با اسم: نخستین راه این است که شخصیت مورد نظر را با اسم معرفی و مطرح می کند؛ مانند: (وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرَّسُلُ). (۱)

۲. معرفی با عدد: شیوه دوم، معرفی با عدد و تعداد است که قرآن نقبای بنی اسرائیل را این گونه معرفی می کند: (وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا)؛ (۲) «و از ایشان دوازده نقیب مبعوث کردیم».

ص: ۲۸

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۴۴.

۲- مائده (۵)، آیه ۱۲.

۳. معرفی با صفت و ویژگی: شیوه سوم معرفی با صفات و ویژگی است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به این شیوه معرفی کرده است:

(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ... يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُ لُهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ...)(۱)

«کسانی که از پیامبر تبعیت می کنند... که پیامبر ایشان را به کارهای پسندیده دستور می دهد و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد و بر ایشان امور پاکیزه را حلال و بر ایشان امور ناپسند را حرام کرده است.

شناساندن با صفت، بهترین راه معرفی است. این نوع معرفی راه را بر سودجویان می بندد؛ زیرا می توان نام جعلی درست کرد؛ اما بهره برداری از صفات، کار آسانی نبوده و قابل جعل نیست.

نکته دیگر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هنگامی که فتنه ها چون پاره های شب تاریک، شما را فرا گرفت؛ به قرآن روی آورید». برای راهنما و فصل الخطاب شدن در همه موارد، بیان شاخصه ها، شایستگی ها و ویژگی های صالحان و مفسدان، حق و باطل، خوب و بد و... بهترین راه شمرده می شود. بدین سبب قرآن - جز در موارد ضروری - از بردن نام مؤمنان، منافقان، حواریون، پادشاهان، مشرکان... صرف نظر کرده است تا مخاطبان قرآن، به صفات و ویژگی ها - و نه نام ها - توجه کنند و امکان بهره گیری های نو از قرآن فراهم شود.

پس روشن می شود که تنها راه معرفی، ذکر نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و حضرت از راه های دیگر (صفات) معرفی شده است و قرآن به شکل های مختلف به وجود امام زمان علیه السلام و حکومت جهانی او اشاره کرده است.

از طرفی مصالحی در کار بوده که امامان معصوم (علیهم السلام) به نام ذکر نشوند که

ص: ۲۹

می توان به محفوظ ماندن قرآن از تحریف اشاره کرد. درست همان علتی که ایجاب کرد «آیه اکمال دین»^(۱) در بین آیات تحریم خبائث و «آیه تطهیر»^(۲) در بین آیه «نساء النبی» قرار گیرد تا ضمن ابلاغ پیام به همه حق جوینان، مانع از دست بردن در قرآن نیز بشود.

برخی از آیات مهدویت

یک. غلبه اسلام بر جمیع ادیان

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ).^(۳)

«می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند؛ ولی خداوند نمی گذارد تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

واژه «بظهره» فعل مضارع از باب افعال است که وقتی همراه با «علی» می آید، به معنای «یغلبه» و «یعلیه» (غلبه و برتری دادن) است.

خداوند در این آیات اشاره می کند که دشمنان دین و حقیقت می خواهند نور خدا را خاموش کنند؛ در حالی که خداوند نور خود را کامل می کند و تلاش های آنان ره به جایی نمی برد. خداوند وقتی از اراده دشمنان برای خاموشی نور خدا و نابودی دین خبر می دهد، تنها از جلوگیری این اراده خبر نمی دهد و نمی گوید: ما نمی گذاریم آنان نور خدا را خاموش کنند؛ بلکه از اتمام نور سخن می فرماید: «خدا این نور را تمام می کند». سپس به روشنی می گوید:

ص: ۳۰

۱- سوره مائده (۵)، آیه ۳.

۲- سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

۳- توبه / ۳۲ و ۳۳- فتح / ۲۸- صف / ۸ و ۹.

«خدا رسولش را با هدایت (دلایل روشن و برهان های آشکار) و دین حق (آیینی که اصول و فروعش همه بر اساس واقعیت و حقیقت است) فرستاد». نتیجه چنین هدایت و دینی که با خود دلایل شفاف و مطالب حق و درست به همراه دارد، پیروزی بر همه مکاتب و آیین های دیگر است که خداوند آن را اراده کرده است.

با توجه به اینکه چنین امری هنوز رخ نداده است، این خبر و وعده الهی در آینده به حتم روی خواهد داد. از طرفی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام امری مسلم و قطعی و یکی از آموزه های دین مقدس اسلام است. قیامی که نتیجه اش نابودی شرک و گسترش دین اسلام در همه جای کره زمین است.

محمد بن فضیل می گوید: «از امام کاظم علیه السلام درباره قول خداوند «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» پرسیدم فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى جَمِيعِ الْاَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ» (۱) پیروز می کند خدا دین اسلام را بر همه دین ها هنگام قیام قائم علیه السلام».

از این روایت استفاده می شود که مراد از پیروزی دین اسلام، پیروزی همه جانبه و حاکمیت این دین بر زمین است.

پس مراد از ظهور و غلبه دین، برتری در زمین است؛ به گونه ای که دیگر جایی برای شرک باقی نمی ماند. به عبارت دیگر، هر چه زمان بیشتر می گذرد و جوامع بشری به هم نزدیک تر و از حال هم آگاه تر می شوند و واقعیت «دهکده کوچک جهانی» ملموس تر می گردد. نیاز به وجود یک مدیر و حاکم عادل و حکیم، با دانایی و توانایی مافوق بشری و با قانونی جامع و کامل، برای سعادت و کمال مادی و معنوی انسان ها، بیش از پیش آشکار می شود؛ چرا که پراکندگی و کوتاه نگری قوانین بشری، با حاکمانی خودسر، خودخواه و هوسران، روز به روز بر سقوط ارزش ها و حذف امنیت و آرامش این دهکده کوچک

ص: ۳۱

افزوده و هراس از آینده ای تاریک و مبهم را افزایش داده است و انتظار یک منجی و مصلح عدالت گستر را در قلب های مضطرب و نگران، افزون ساخته است.

دو. خلافت مؤمنان، وعده الهی

وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ (۱)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد. و آن دینی که بر ایشان پسندیده است، به سودشان مستقر می کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

آیه شریفه از وعده ای بسیار زیبا خبر می دهد؛ خداوند به مؤمنان صالح وعده می دهد که:

۱. برای آنان جامعه ای صالح مخصوص خود درست می کند و زمین را در اختیارشان قرار می دهد.

۲. دینشان را در زمین چیره و برتر می سازد.

۳. امنیت را جایگزین ترسشان می کند.

۴. فقط خدای را عبادت می کنند.

این آیه خطاب به امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و خداوند در آن از تعبیر «وعد» استفاده کرده است و وعده های خدا تخلف بردار نیست. بنابراین، مفاد آن این می شود که خداوند، به گروهی از امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وعده «استخلاف» روی زمین را داده است. این گروه دو ویژگی مهم و اساسی دارند:

ص: ۳۲

۱. ایمان، که همه اعماق وجودشان را پر کرده است.

۲. عمل صالح، که همه اعضا و جوارحشان در خدمت و اطاعت مولا است.

حال منظور خداوند از این وعده، شامل چه افرادی می شود؟

برخی از مفسران _ مانند صاحب تفسیر نمونه _ معتقدند: آیه عمومیت دارد و نتیجه آن چنین است که در هر زمان، که پایه های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود؛ آنان دارای حکومتی ریشه دار و پرنفوذ خواهند شد. البته بی شک، حکومت حضرت مهدی علیه السلام مصداق کامل این آیه است. (۱)

علامه طباطبایی رحمه الله بیان بلندی در این زمینه دارد که خلاصه آن چنین است:

از ظاهر آیه استفاده می شود که آیه مربوط به برخی از افراد امت اسلام است و اینان دارای مجتمعی صالح خواهند بود. این جامعه دارای دین مرضی خدا بوده و دین اسلام به گونه ای در جامعه برقرار می گردد که تزلزلی در آن راه نخواهد یافت و امنیت به گونه ای در آن اجتماع به وجود می آید که دیگر از هیچ دشمنی (خارجی، داخلی، علنی و پنهانی) نمی ترسند [چرا که همه زمینه های خوف از بین می رود و لذا خوف تبدیل به امنیت می شود]. این چنین امنیتی است که جای امتنان دارد؛ چرا که آیه در مقام امتنان و منت گذاشتن بر مردم است و امتنان وقتی مناسب و پذیرفتنی است که جامعه از هر جهت در امان بوده و آزادی برای همه باشد. در این جامعه اخلاص در عبادت عمومیت پیدا می کند و بنیان هر کرامتی غیر از تقوا منهدم می شود. این جامعه با این صفات تا کنون به وجود نیامده است. پس اگر مصداقی داشته باشد، در روزگار امام مهدی علیه السلام می باشد و حق مطلب این است که اگر واقعاً بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم، آیه جز با اجتماعی که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می شود، قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست. (۲)

ص: ۳۳

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۴، ذیل آیه.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ذیل آیه.

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

«إِنَّهُ لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَامَ قَائِمُنَا، سَيَرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ، وَلَيُبَلِّغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ مُشْرِكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَيَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً»؛ (۱)

تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کند کسی که او را درک می کند، تأویل این آیه را می بیند: هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جایی که شب برسد، می رسد (همه کره زمین)؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خداوند فرمود: (عبودوننی...).

سه. بندگان صالح و ارثان زمین

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (۲)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد).

همه مفسران بر این باورند که خداوند متعال در این باره به کتاب های انبیا اشاره دارد و می فرماید: در کتاب های پیامبران نوشته ایم که زمین را بندگان صالح به ارث می برند. البته در این اختلاف شده که: آیا خداوند در همه کتاب های پیامبران به این آیه اشاره کرده است یا در بعضی از آنها؟

کلمه «ارض» وقتی به صورت مطلق و بدون قرینه می آید، همه کره زمین را در بر می گیرد و مراد از «وراثت زمین» این است که سلطه بر منافع و استفاده از آنها از دیگران، به بندگان صالح منتقل شده و برکات زندگی نصیب ایشان و مختص آنان خواهد شد.

ص: ۳۴

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.

۲- انبیاء (۱۰۵).

«وراثت زمین» طبق آیه شریفه به انسان هایی خواهد رسید که دارای دو صفت بسیار مهم باشند:

۱. «عبد خدا» بوده و هیچ استقلالی برای خود قائل نیستند. همه وجودشان را برای خدا قرار داده اند و مهر عبودیت بر پیشانی شان می درخشد. اینان به مرز ایمان و توحید واقعی رسیده اند و همه چیز را در شعاع وجود او و برای او و به سوی او می بینند.

۲. «صالح» و شایسته بوده و لیاقت بهره برداری را دارا هستند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«وَقَوْلُهُ (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ) قَالَ: أَلَكْتُبُ كُلُّهَا ذِكْرٌ، (وَأَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) قَالَ: أَلْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ»؛^(۱)

مراد از کلمه «ذکر» در «وَلَقَدْ كَتَبْنَا...» همه کتاب های [پیامبران] است. و مراد از «أَنَّ الْأَرْضَ...» قائم علیه السلام و یاران او می باشد.

از روایت بالا استفاده می شود که این وعده الهی در همه کتاب های آسمانی بیان شده است.

چهار. وراثت و پیشوایی مستضعفان

(وَوَرِثُوا الْأَرْضَ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)^(۲)

«و می خواهیم کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهمیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.»

هر چند ظاهر آیه بیان یک قسمت از حوادث روزگار قوم بنی اسرائیل و حضرت موسی علیه السلام است؛ ولی می دانیم که خداوند از گفتن این داستان ها هدف دارد و گویا می خواهد بگوید: مستکبران و زورمداران ادامه حیات و حکومت خود را در استثمار مستضعفان می دانند و به دنبال آنند که به گونه ای از آنان بهره کشی کنند و در نهایت آنها را از هستی و

ص: ۳۵

۱- مجمع البیان، ج ۴، ذیل آیه.

۲- قصص / ۵.

حیات مناسب محروم سازند؛ ولی اراده خداوند بر خلاف خواست قدرتمندان است و به بندگان خود کمک می کند. لذا در اینجا از فعل مضارع بهره گرفته که دلالت به استمرار دارد و می گوید: اراده دائمی و سنت ما چنین است که به مستضعفان (لایق) کمک کنیم.

این آیه بشارتی است برای همه حق پرستان و عدالت خواهان که حکومت ظلم و جور دائمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنج دیدگان خواهد بود. بیشتر از هر چیز دیگر، این آیه، به حکومت جهانی و انقلاب نورانی حضرت مهدی علیه السلام مربوط می شود و قیام امام زمان علیه السلام، مصداق کامل و تمام آن قرار می گیرد. امام علی علیه السلام درباره این آیه فرمود:

«هُم آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيُدُلُّ عُدُوَّهُمْ»؛ (۱)

این افراد خاندان پیامبرند که خداوند مهدی آنان را... بر می انگیزد و به آنان عزت می دهد و دشمنانشان را خوار و ذلیل می سازد.

بنابراین، اراده الهی بر این است که مظلومان و محرومان، بر جباران و ستمگران غلبه کرده و وارث زمین و صاحب اختیار آن شوند و با برپایی حکومت عدل، رهبری همیشگی بشریت را بر عهده گیرند و این اراده خدا تخلف ناپذیر است.

پنج. حیات دوباره

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ (۲)

و بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید.

خداوند پس از آنکه مؤمنان را مورد نکوهش قرار داد که آیا وقت خشوع نرسیده است. در ادامه به حیات زمین اشاره می کند؛ گویا می خواهد میان قلب هایی که مرده اند و با ذکر

ص: ۳۶

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

۲- حدید / ۱۷.

الهی زنده می شوند، با زمین مرده ای که به برکت قطرات باران دوباره زنده و سرسبز می شود، شباهت برقرار کند. در اینجا خداوند می فرماید: چنین حیاتی تحقق می یابد (یُحیی الارض). اگر این آیه با آیه قبل ارتباط داشته باشد (که دارد)، می توان استفاده کرد که دل های مرده نیز به خواست او زنده خواهد شد. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه فرمود:

«يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَوْتِهَا، بِمَوْتِهَا: كَفَرُ أَهْلِهَا، وَالْكَافِرِ مَيِّتٌ»؛^(۱)

خدای تعالی زمین را به واسطه قائم علیه السلام زنده می کند، پس از آنکه مرده باشد، و مقصود از مردن آن، کفر اهل زمین است و کافر همان مرده است.

شش. امام، نعمت الهی

اشاره

(أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ)؛^(۲)

«آیا ندانسته اند که خدا آنچه را که در آسمان ها و زمین است، مسخر شما ساخته و نعمت های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم درباره خدا بی آنکه دانش و رهنمود و کتابی روشن داشته باشند، به مجادله بر می خیزند.»

خداوند در این آیه به انسان ها خطاب کرده و نعمت های بی پایان خویش را به آنان گوشزد می کند: آیا شما به آسمان ها و زمین نگاه و در نظام شگرف آن تأمل نمی کنید که خدای متعال چگونه سرپای عالم را مسخر و محکوم این نظام کرده است تا انسان (شریف ترین عضو آن) پدید آید و با استفاده از نعمت ها به کمال برسد. خداوند در این امر سنگ تمام گذاشت و نعمت های ظاهری و باطنی را برای شما گسترش داده و تمام کرده است. «نعمت» برای چیزی استعمال می شود که با طبع و وجود آدمی سازگار باشد. «نعمت» های خدا هم «ظاهری» است

ص: ۳۷

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۸، ح ۴.

۲- لقمان / ۲۰.

که انسان به راحتی آنها را حس و درک می کند؛ (مانند اعضای بدن، سلامتی و رزق پاک و طیب، و هم «باطنی» است (مانند: شعور و اراده و عقل). هر چند لطف الهی بسیار روشن و غیر قابل انکار است ولی باز گروهی از مردم به جدال و ستیز در برابر حق بر می خیزند و بی آنکه دارای دانش و یا علمی باشند، به انکار حقیقت می پردازند. اینان بدون تکیه بر حجت های قابل اعتمادی مانند علم و عقل، حقایق و الهام های الهی و کتاب های آسمانی به مجادله روی می آورند و می خواهند حقیقت و واقعیت را منکر شوند!

تأویل آیه

یکی از مصادیقی که برای «نعمت ظاهر» و «نعمت باطن» ذکر شده «امام ظاهر» و «امام غایب» است. محمد بن زیاد ازدی می گوید:

از سرور خودم امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره کلام خدا «وَأَسْبَغَ عَلَيكُمْ...» پرسیدم، حضرت فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر است و باطنی امام غایب. گفتم: آیا در میان ائمه کسی هست که غایب شود؟ فرمود: آری شخص او از دیدگان مردم پنهان می شود، اما یاد او از قلوب مؤمنان غایب نمی شود و او دوازدهمین امامان است. خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار سازد و گنج های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را برای وی قریب سازد و به دست وی تمامی جباران عنود را نابود کند و هر شیطان متمردي را به دست وی هلاک سازد. او فرزند سرور کنیزان است. کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنان روا نیست تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

«امام نعمت کامل» خدا است؛ پس ظهور و غیبت او در اصل یاری رسانی به مردم و بهره بردن مردم از او تأثیر زیادی ندارد. بر این اساس، وجود گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام _ و حتی

ص: ۳۸

خود امام زمان علیه السلام _ «امام غایب» را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده اند

هفت. ذخیره الهی

(بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ)؛ (۱)

« ذخیره خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید و من نگهبان شما نیستم.»

این آیه در ادامه آیاتی است که درباره گفتوگوی شعیب علیه السلام با قومش در رابطه با چگونگی معامله و مسائل مادی است. در پایان به آنان گوشزد می کند که ثروت فراوانی که از راه نادرست به دست آید، مفید نبوده و هنگام نیاز، به کار نمی آید؛ بلکه مال حلال برای شما بهتر است. این در صورتی است که ایمان داشته باشید؛ زیرا این مال باقی بوده و برکات الهی را برای شما به همراه خواهد داشت. درک این واقعیت و کسب برکات، وقتی است که شما به خداوند ایمان داشته باشید.

در روایات متعدد مصداق کامل و تمام «بقیه الله» حضرت مهدی علیه السلام معرفی شده و این لفظ به آن جناب تأویل گشته است. صدوق رحمه الله در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

امام باقر علیه السلام ضمن بیان برخی از ویژگی های دوران ظهور و بعضی از علایم ظهور، به محل قیام حضرت مهدی علیه السلام (مکه) اشاره دارد و چگونگی سلام دادن اصحاب و مردم را به آن حضرت بازگو می کند. در این زمان خود امام مهدی علیه السلام ابتدا به معرفی جایگاه خویش می پردازد. کلینی رحمه الله در روایتی نقل می کند:

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به قائم به (لفظ) امیرالمؤمنین سلام گفته می شود؟ حضرت فرمود: نه این اسمی است که خدا به این اسم امام علی علیه السلام را نامیده است. کسی قبل از او به این نامیده نشد و بعد از او نیز نامیده نمی شود، مگر کافر. گفتم: فدای شما بشوم! چگونه بر او سلام گفته می شود؟ حضرت فرمود: می گویند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ». سپس

ص: ۳۹

حضرت این آیه را خواند: (بَقِيَهُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ). (۱)

با توجه به لغت و کاربرد آن (به خصوص در آیه شریفه)، می توان گفت که «بقیه الله»؛ یعنی، هر شیء مفید و نافع که از طرف خدا (به عنوان موهبت) برای آدمی ذخیره می شود و مایه خیر و سعادت و فلاح او می گردد. چون حضرت مهدی علیه السلام آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی است، پس یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه الله» می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است. به ویژه که او تنها باقی مانده از سلسله پیامبران و امامان است و خداوند به واسطه او به مؤمنان عزت می دهد و دشمنان را خوار و ذلیل می کند: «أَيْنَ مُعْزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُدِّلِ الْأَعْدَاءِ» و بناهای شرک و نفاق را منهدم می کند: «أَيْنَ هَادِمِ أَيْتِهِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ» و دین را احیا می کند: «أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ». (۲)

هشت. غیبت

(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)؛ (۳)

«به آنها بگو: به من خبر دهید اگر آب های مورد استفاده شما، در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟!»

واژه «أرأيتم» یک واژه ترکیبی از همزه استفهام و فعل «رأيتم» است. این ترکیب و ترکیب هایی مانند آن، بیش از سی بار در قرآن آمده و در مواردی به کار رفته که نیاز به دقت، اندیشه و توجه دادن مخاطب باشد (و به معنای) «اخبرونی» (خبر دهید مرا) است..

زمین از دو پوشه تشکیل شده است: یکی «قشر نفوذپذیر» که آب را در خود فرو می برد و دیگری «قشر نفوذناپذیر» که آب را در آنجا نگاه می دارد. تمام چشمه ها، چاه ها و قنات ها

ص: ۴۰

-
- ۱- کافی، ج ۱، ح ۲، ص ۴۱۱. این روایت در کتاب های متعددی ذکر شده است؛ ر.ک: معجم احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۱۷۶.
 - ۲- سید بن طاوس، الاقبال، ص ۲۹۷.
 - ۳- ملک (۶۷)، آیه ۳۰.

از برکت این ترکیب ویژه به وجود آمده اند؛ زیرا اگر زمین تا اعماق زیاد نفوذپذیر بود، آب ها در زمین فرو می رفتند و دست کسی به آنها نمی رسید و همچنین اگر همه سطح زمین «نفوذناپذیر» بود، آب ها روی زمین می ماندند و باتلاقی بزرگ درست می شد یا به دریاها می ریختند و چیزی به نام ذخایر آب زیرزمینی به وجود نمی آید. این نمونه کوچکی از رحمت عام خداوند است که مرگ و زندگی انسان، سخت با آن گره خورده است. (۱)

در روایات متعدد مصداق آب جاری «وجود مقدس امام مهدی علیه السلام» دانسته شده است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده است. می فرماید: اگر امامتان غایب شود و ندانید که او کجاست، چه کسی امام ظاهری برای شما خواهد آورد تا اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیاورد؟ سپس فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده است و ناگزیر خواهد آمد. (۲)

نقش امام در جامعه انسانی مثل آب، نقشی مهم و اساسی است و البته شباهت هایی میان این دو وجود دارد:

۱. در قرآن کریم آب منشأ حیات همه موجودات معرفی شده است:

(وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا)؛ (۳) «و همه چیز را از آب، حیات و زندگی دادیم».

امامت حضرت مهدی علیه السلام نیز مایه حیات فکری و معنوی بشر است؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ»؛ (۴)

وقتی قائم ما علیه السلام قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان قرار می دهد و بدین سبب

ص: ۴۱

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۵۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ص ۳۲۵، ح ۳.

۳- انبیاء (۲۱)، آیه ۳۰.

۴- کافی، ج ۱، کتاب العقل والجهل، ص ۲۵، ح ۲۱.

خردهای آنان را جمع کرده و عقل ایشان را کامل می کند.

۲. همان گونه که نزول آب از عالم بالا است، موضوع امامت حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او نیز امری آسمانی است. قرآن کریم درباره آب فرموده است: (وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً) (۱) «و خدا از آسمان آب فرو فرستاد» و درباره مسأله امامت می فرماید: ... وَلَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۲)؛ «و پیمان من به ستمکاران نخواهد رسید».

۳. آب سبب پاکیزگی و رفع آلودگی است. حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز مایه پاکیزگی و طهارت دل ها است. در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است:

«لَوْ قَدِ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتْ الشَّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»؛ (۳)

اگر قائم ما قیام کند... کینه [و دشمنی] از دل های بندگان برود.

همان گونه که اگر آب به اعماق زمین برود، هیچ کس به آن دسترسی ندارد و بشر با همه توان خود از رسیدن به آب ناتوان خواهد بود، اگر امام به اراده پروردگار در پس پرده غیبت قرار گیرد، مردم نمی توانند امامی از میان خود برگزینند؛ بلکه نیاز آنان به امام و پیشوای آسمانی باقی است. پس باید در طلب او باشند و از خداوند ظهور او را بخواهند؛ همان گونه که در نبود آب، باید از خداوند طلب کنند که چشمه های آنها را پُر آب کند.

با این بیان روشن می شود که مضمون آیه، می تواند ناظر به دوران غیبت امام مهدی علیه السلام باشد؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از امامان دوازده گانه پس از خود خبر داد، عمار یاسر از آن حضرت درباره مهدی علیه السلام سؤال کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار! خداوند _ تبارک و تعالی _ با من پیمان بسته که بیرون می آید از نسل حسین علیه السلام نه امام و نهمین آنان از میان ایشان غایب می گردد. و این همان سخن خداست که فرمود: «بگو [ای پیامبر] به من خبر دهید که اگر

ص: ۴۲

۱- بقره (۲)، آیه ۲۲.

۲- مراد از پیمان الهی امامت است. ر.ک: تفسیر مجمع البیان و المیزان، ذیل آیه.

۳- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

آب مورد استفاده شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟!» برای او (مهدی) غیبتی طولانی خواهد بود که گروهی از امامت او باز خواهند گشت و گروهی دیگر بر آن ثابت قدم می مانند و چون آخر الزمان شود، [مهدی علیه السلام] قیام می کند و دنیا را پر از قسط و عدل می سازد؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

ص: ۴۳

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ح ۱، ص ۷۹.

عقیده به ظهور حضرت مهدی با اوصاف معرفی شده، عقیده ای است که در متن نصوص اولیه اسلامی اعلام و عنوان شده است و برحسب احادیث متواتر که شکی در تواتر و صدور آنها از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، نیست پیغمبر شخصا از این ظهور خبر داده، و امت خود را در انتظار این روز بزرگ و ظهور مهدی موعود گذاشته است. این عقیده مثل سایر عقاید اصیل و اصلی اسلامی از طرف خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، به مردم عرضه شده است و ایمان به آن حضرت مقتضی ایمان و باور به این ظهور است.

اهل سنت و شیعه، در طی اعصار و مرور قرن ها، بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان، یک نفر از اولاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و فرزندان علی و فاطمه علیه السلام - که صفات و علاماتش در احادیث مذکور است - در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد، ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند. همه او را هم نام و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ملقب به مهدی معرفی کرده اند و همه اتفاق دارند بر اینکه تا او ظهور نکند، سیر این عالم و این جامعه بشری به پایان نخواهد رسید و تا این دادگستر بزرگ و رهبر حکومت عدل جهانی قیام نکرده است، بشر باید منتظر ظهور او باشد و بداند که جهان، محکوم ظلم ستمگران و فسادگران نیست و سرانجام همه تباهی ها و نگرانی ها به راحتی و امتی و آسایش مبدل می شود و مستکبران و مفسدان، ریشه کن می گردند» (لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۶۳).

آنچه مورد اختلاف می باشد این است که آیا از مادر متولد شده و هم اکنون در قید حیات است، یا در آینده به دنیا خواهد آمد؟ شیعه و گروهی از محققان اهل سنت طرفدار رای نخست

بوده و معتقدند که آن حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری از مادر متولد شده و هم اکنون در قید حیات است، ولی گروهی از اهل سنت می گویند وی در آینده متولد خواهد شد.

منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

برای آشنایی بهتر با منابع مهدویت، آنها را به دو دسته شیعی و سنی تقسیم می کنیم. همچنین می توان آنها را در دو مقطع قبل از ولادت و بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام دسته بندی کرد.

الف. منابع شیعه

از منابعی که قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام نوشته شده می توان به کتاب سلیم بن قیس؛ شیخ ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی (م ۷۶هـ.) که نام دیگر این کتاب اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، و کتاب الغیبه للحجه؛ عباس بن هشام ابوالفضل الناشری (م ۲۲۰هـ.) اشاره کرد.

و از منابعی که بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام نوشته شده می توان به کتاب کافی؛ از محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی (م ۳۲۹هـ.) که از قدیمی ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه است، و کفایه الاثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر علیهم السلام؛ از ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی از راویان و فقهای برجسته شیعه، در نیمه دوم قرن چهارم، و الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ از شیخ مفید که در بردارنده تاریخ و فضایل ائمه معصومین علیهم السلام است، اشاره کرد.

برخی از منابع و کتاب ها نیز ویژه امام عصر علیه السلام نوشته شده است مانند:

۱. کمال الدین و تمام النعمه؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق

(ت ۳۰۵هـ.) . او به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت که (۱) از قدیمی ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می شود.

ص: ۴۷

۲. الغیبه؛ از ابن ابی زینب نعمانی. وی از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳. الفصول العشره فی الغیبه؛ ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم ترین شبهاتی است که درباره وجود مبارک امام مهدی علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام های دیگر این کتاب «الاجوبه عن المسائل العشره» و «المسائل العشره فی الغیبه» است.

۴. کتاب الغیبه للحجه؛ شیخ طوسی. این کتاب از بهترین، مهم ترین و کامل ترین منابع شیعه در مسأله غیبت امام مهدی علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام مهدی علیه السلام، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و سیره آن امام علیه السلام است.

این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است، اهمیت فراوانی دارد.

۶. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام؛ این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش برخی از محققان (۱) به انجام رسیده است. این گروه کوشیده اند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب های فریقین، جمع آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومان علیهم السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرین معصوم فرا روی خوانندگان قرار می دهد.

گفتنی است تعداد کتاب های نوشته شده _ که تمام یا مقداری از بحث خود را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده اند _ بیش از اینها است.

ص: ۴۸

۱- اساتید معظم، آقایان کورانی و نجم الدین طیبی و

از کتاب هایی که قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام روایات مهدویت را ذکر کرده‌اند: الرساله؛ محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ هـ)، المصنف صنعانی (م ۲۱۱ هـ)، الفتن؛ نعیم بن حماد (م ۲۲۹ هـ) و مسند احمد؛ نوشته احمد بن حنبل ابو عبدالله الشیبانی (م ۲۴۱ هـ).

از منابعی که بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام (یعنی سال ۲۵۵ هـ) نوشته شده می‌توان به: سنن ابو داود؛ سلیمان بن اشعث ابو داود السجستانی الأزدی (م ۲۷۵ هـ) که از نکات مهم آن آوردن حدیث دوازده خلیفه در کتاب المهدی است و نشان می‌دهد از نظر نویسنده، امام مهدی علیه السلام یکی از دوازده خلیفه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است، و سنن ابن ماجه؛ محمد بن یزید ابو عبدالله القزوینی (م ۲۷۵ هـ)، و سنن ترمذی؛ محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی (م ۲۷۹ هـ) اشاره کرد. این کتب از کتب ششگانه مهم عامه است.

از کتاب هایی که ویژه حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده: الاربعین؛ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)، البیان فی اخبار صاحب الزمان؛ ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ)، الفصول المهمه؛ علی بن محمد بن احمد مالکی مشهور به ابن صباع (م ۸۵۵ هـ) البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان؛ علاءالدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ هـ)، موسوعه المهدی المنتظر؛ دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی. وی در دو جلد به بررسی ۳۸۸ حدیث مهدوی می‌پردازد.

برخی از خصوصیات این مصلح جهانی که در روایات اسلامی به نقل آنها پرداخته اند به شرح زیر است:

۱. او از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است.

۲. او نهمین فرزند از اولاد امام حسین علیه السلام است.

۳. عمر او طولانی خواهد بود.

۴. غیبت طولانی خواهد داشت.

۵. به هنگام ظهور او اسلام جهانگیر می شود.

۶. زمین را پر از عدل و داد می کند.

۷. هنگام ظهور عیسی نزول کرده و به امامت او نماز می خوانند.

معرفی مهدی موعود

روایات نقل شده در مورد امام مهدی علیه السلام را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

الف. روایات تفسیری؛ روایاتی که در ذیل آیات قرآن کریم را نقل شده و آیه ای را بر امام مهدی علیه السلام تطبیق کرده است.

ب. روایات اخباری؛ روایاتی که از آینده خبر می دهد؛ مانند؛ وقوع غیبت، جهان قبل از ظهور، علایم ظهور، بشارت های ظهور، اوصاف ظاهری امام، سیره حضرت، اوصاف یاران حضرت، جریان قیام و سیمای دوران حکومت.

ج. روایات تبیینی؛ روایاتی که بیان کننده علل غیبت، اهمیت انتظار، وظایف منتظران، حکم بردن نام امام و حکم تعیین وقت ظهور است.

د. روایات تاریخی؛ روایاتی که ولادت امام، نسب امام و معجزات امام مهدی علیه السلام را نقل می کند.

با بررسی کتاب های اختصاصی امام مهدی علیه السلام و یا کتبی که بخشی از آنها، به ذکر احادیث آن حضرت اختصاص یافته، به این واقعیت پی می بریم که حداقل حدود شصت تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را بدون واسطه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند.

نتیجه

با بررسی روایات بحث مهدویت، دو ویژگی و امتیاز به دست می آید که اهمیت موضوع مهدویت را در میان معارف اسلامی و دینی نشان می دهد. ۱) تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام (۲) صحت احادیث امام مهدی علیه السلام؛ این ویژگی های ارزشمند باعث می شود علاوه بر قبول آن، به

محتوا و مفاد آن نیز توجه شده و به دستورات آنها عمل شود.

امام مهدی در پرتو احادیث

اشاره

در این بخش، نخست به تبیین برخی روایات امامت می پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می کنیم. سپس با توجه به روایات خاص «مهدویت»، عرصه های مشترک و اختلافی شیعه و سنی را درباره «مهدویت» مطرح می کنیم.

احادیث عام

اشاره

در این قسمت سه روایت «ثقلین»، «مَنْ مَاتَ» و «خلفای دوازده گانه» را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. حدیث ثقلین

حدود ۳۴ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را نقل کرده اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت (مانند مسلم، ترمذی و احمد بن حنبل) این حدیث را در کتاب های خود آورده اند.^(۱)

مسلم در صحیح خود از «زید بن ارقم» نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی در کنار آبی به نام خم (غدیر خم) میان مکه و مدینه خطبه ای ایراد کرد و در آن خطبه خدا را ثنا گفت و مردم را نصیحت نمود. آن گاه چنین فرمود:

«الْأَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُ «وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ فَخُذُوا بكتابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ» فَحَثَّ عَلَي كِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَّبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي».^(۲)

ص: ۵۱

۱- عبقات الانوار، ج ۲ و ۱، ص ۸۲۴ و ۸۲۵.

۲- مسلم، صحیح، ج ۴، شماره ۲۴۰۸، چاپ عبدالباقی، ص ۱۸۰۳.

از مفاد حدیث ثقلین، این نکته روشن می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عترت خویش را در کنار قرآن کریم قرار داده است. اکنون جای این سؤال است که مراد از عترت چه کسانی است؟ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی از عترت خود را در ردیف قرآن قرار داده و ثقل اصغر خوانده است؟ ابن اثیر می گوید:

عترت انسان به خاص ترین و نزدیک ترین خویشاوندان وی گفته می شود و عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرزندان فاطمه علیها السلام هستند. قول ابن سیده نیز همین است. (۱)

پیداست، مراد از «عترت» و «اهل بیت» در حدیث ثقلین محدود است و همه منسوبان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دربر نمی گیرد؛ بلکه مقصود از آن، تنها کسانی اند که به قرینه قرار گرفتن در کنار قرآن، از امتیازات ویژه ای برخوردارند. اینان همتای قرآن و مانند آن ارزشمند هستند و تمسک به آنان مانع از لغزش و انحراف است؛

بر اساس این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستاورد رسالت خود را دو چیز گران مایه یکی، «کتاب خدا» و دیگری «عترت» آن حضرت که از هم جدایی ناپذیر و عامل راهیابی و رستگاری انسان ها تا روز قیامت هستند. ملازمت بر این دو از مهم ترین وظایف دینی هر مسلمانی است و تا قیامت پایدار است. به بیان دیگر این حدیث شریف و زیبا حاوی نکات ارزشمندی است:

یکم. همان گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود. این نکته از واژه «لن یفترقا» به خوبی روشن می شود.

همچنان که قرآن حیثیت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل بیت علیهم السلام پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت تنها کسانی اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو ثقل اکبر و اصغر نیز این

ص: ۵۲

است.

پس طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. اکنون باید بیان کنیم که امام مهدی علیه السلام یکی از افراد اهل بیت علیهم السلام می باشد.

بر اساس احادیث، حضرت مهدی علیه السلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَلَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي اسْمُهُ يُوْاطِئُ إِسْمِي»؛^(۱)

رسول خدا فرمود: روزگار به پایان نمی رسد و عمر دنیا سپری نمی شود؛ مگر اینکه فردی از اهل بیت من، بر عرب حاکم می شود، نامش هم نام من است.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«المهدى من عترتى من ولد فاطمه عليها السلام (۲)»؛ مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

۲. حدیث «من مات»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.^(۳)

علامه مجلسی رحمه الله این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه در بحار الانوار آورده است.^(۴)

ص: ۵۳

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶، سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۳۵.

۳- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱، ۲۲.

۴- بحار الانوار، ج ۲۳، صص ۷۶ - ۹۵.

علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده اند که بعضی از آنها عبارت است از ۱. سنن ابوداود؛ ۲. مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛ ۳. سنن سعید بن منصور خراسانی؛ ۴. طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب واقدی؛ ۵. مسند حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛ ۶. مصنف ابن شیبہ؛ ۷. صحیح بخاری ۸. صحیح مسلم و.... (۱)

بخش ابتدایی این احادیث از دو حال خارج نیست: گروهی با «من مات» شروع می گردد و نتیجه عدم شناخت امام زمان را مرگ جاهلی می داند و بخشی دیگر، با الفاظی چون «من خرج» شروع می شود و تمرد و نافرمانی از امام را به مرگ جاهلی منتهی می داند. امامی که نشناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امام واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است؛ نه امام کفر و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور.

با دقت در حدیث «من مات...» و آنچه گفته شد نکات زیر به دست می آید: (۲)

۱. ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛

۲. ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛

۳. تعداد امام برحسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛

۴. نفی امامت عموم متصدیان و مدعیان خلافت که شرایط آن را ندارند؛ (به دلیل انطباق نداشتن راه و رسم آنها با امام زمان، و اینکه هیچ کس نشناختن آنان را موجب مرگ جاهلیت نمی داند)؛

با توجه به قطعی بودن حدیث «من مات» احادیث دیگر درباره تعداد خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان دوازده گانه ائمه، شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت

ص: ۵۴

۱- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صص ۳۰ - ۴۰.

۲- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صص ۷۸ - ۸۰.

۳. حدیث «اَنَا عَشْرُ خَلِيفَةٍ»

جابر بن سمره می گوید:

«سمعت رسول الله يقول: لا يزال الاسلام عزيزاً الى اثني عشر خليفه ثم قال كلمه لم اسمعها فقلت لأبي ما قال؟ فقال كلهم من قریش»؛ (۲)

شنیدم پیامبر خدا می فرمود: همواره اسلام در سایه دوازده خلیفه «من» عزیز می ماند. سپس کلمه ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه آنان از قریش هستند.

این حدیث را فریقین (۳) در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی اند. از دو طریق می توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

محمد بن ابراهیم حمّوئی شافعی از عبدالله بن عباس نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خلفا و اوصیای من و حجت های خدا بر خلق پس از من دوازده نفر هستند: اولین آنان برادرم و آخرین آنان پسر من است. گفته شد: ای رسول خدا: برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. سؤال شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی و او همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که سرشار از ظلم و جور شده باشد. (۴)

ص: ۵۵

۱- برگرفته از شناخت امام و اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن .

۲- صحیح مسلم، ج ۶، چاپ مصر، ص ۱۰۲.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۷۹، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵؛ غیبت طوسی، ص ۸۸؛ غیبت نعمانی، ص ۷۵.

۴- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۵۶۲.

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای تبیین مراد از دوازده خلیفه، به معرفی امام اول و امام دوازدهم اکتفاء می‌کند؛ در حالی که در مواقع دیگر اسامی همه دوازده خلیفه را بیان می‌کند و حتی اسم پدرانشان را نیز برمی‌شمرد.

پیامبر اکرم فرمود: جانشین و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او دو نوه من حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام هستند. سپس نه فرزند حسین علیه السلام امام خواهند بود. [نعثل] [گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن نه نفر را نام ببر. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی حسین علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش علی علیه السلام امام است و هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش محمد علیه السلام به امامت می‌رسد و چون محمد علیه السلام از دنیا رفت، پسرش جعفر علیه السلام امام خواهد شد و وقتی جعفر علیه السلام از دنیا برود، فرزندش موسی علیه السلام امام است و هنگامی که موسی علیه السلام درگذشت، پسرش علی علیه السلام و بعد از او فرزندش حسن علیه السلام و بعد از او حجه بن الحسن علیه السلام امام خواهد بود. اینان دوازده امام به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند. (۱)

با توجه به این روایات و احادیث دیگر شیعه و سنی، روشن می‌شود که مراد از دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همین امامان دوازده گانه است.

در تاریخ اسلام؛ دوازده خلیفه ای که حافظ و نگهبان عزت اسلام باشند _ جز دوازده امامی که شیعه به آنان معتقد است _ نمی‌توان یافت؛ زیرا دوازده خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بلافاصله پس از آن حضرت به عنوان خلیفه ایشان معرفی شدند، از طرفی مایه عزت اسلام بودند و هیچ وقت اسلام بدون آنان نبوده است. چنان که از ظاهر «لا یزال» فهمیده می‌شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هیچ زمانی بدون خلیفه نبوده است. حال باید دید این دوازده نفر کیستند؟ تاریخ زندگی خلفای اموی و عباسی نشان می‌دهد که آنان هیچ وقت مایه عزت اسلام نبودند! ولی دوازده امام شیعه علیه السلام _ که همگی در عصر خود مظهر تقوا و حافظ سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند، پیوسته مورد توجه صحابه و تابعین و نسل های بعدی قرار داشتند و به علم و وثاقت

ص: ۵۶

۱- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳، ذیل حدیث ۴۳۱؛ ینابیع الموده، باب ۷۶، ص ۴۴۱.

معروف بودند.

علاوه بر این، کسی غیر از شیعه، دوازده امامی را که از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا آخر دنیا استمرار داشته باشد، معرفی نکرده است، اگر تنها مصداق حدیث «اثنی عشر خلیفه» را بپذیریم، با مراجعه به تاریخ می بینیم که یازده امام آمده و شهید شده اند و اکنون دوران امامت و خلافت دوازدهمین امام _ حضرت مهدی علیه السلام _ است.

مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعابیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱. امامان دوازده نفر هستند.

۲. امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله «لا يزال الاسلام و لا ینقضی»).

۳. غیر از شیعه کسی چنین ادعایی ندارد.

۴. حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین امامی است که از سال ۲۶۰ امامت را بر عهده دارد.

پس آن ثقل همدوش قرآن که باید به آن تمسک نمود و خلیفه ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می گردد و نشناختن او باعث خروج از اسلام می شود، همان حضرت مهدی علیه السلام است.

احادیث خاص

در جوامع روایی، بیش از دو هزار حدیث در این باره نقل شده است. برای نمونه مؤلف منتخب الاثر با استفاده از ۱۵۷ منبع شیعی و سنی، قریب ۹۰۰ روایت را بدون تکرار و به طور کامل ذکر می نماید.

عرصه های مشترک

اشاره

در زمینه «مهدویت» مسائلی مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است که به برخی اشاره می کنیم.

۱_ اصل مهدویت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنت در قضیه مهدویت، اتفاق بر اصل آن است.

ص: ۵۷

امت اسلامی _ به غیر از گروهی اندک از غریزندگان و روشنفکر نمایان مانند احمد امین مصری _ بر این مسأله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

شهید صدر در این باره می گوید: به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. در روایات فراوان، به طور جدی بر این مسأله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد. (۱)

حافظ ابن حجر عسقلانی می گوید: تواتر الاخبار بان المهدی من هذه الامه (۲)؛ اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدی علیه السلام از این امت (اسلام) است.

۲- وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام

در روایات شیعه و سنی منکر خروج مهدی علیه السلام، کافر شمرده شده است. جابر بن عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«من انکر خروج المهدی علیه السلام فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم»؛ (۳) کسی که منکر خروج مهدی علیه السلام است به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، کافر گردیده است.

امام صادق علیه السلام در روایتی در بیان مصادیق غیب _ که ایمان به آن لازم است _ می فرماید:

«متقین، شیعیان امام علی علیه السلام هستند، [و یکی از مصادیق] غیب نیز همان حجت غایب است؛ یعنی، مهدی منتظر». (۴)

شیخ ناصر الدین البانی وهابی می گوید:

ص: ۵۸

۱- بحوث حول المهدی، ص ۶۲ و ۶۳.

۲- فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

۳- الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳.

۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴.

ان عقیده خروج المهدی عقیده ثابتة متواتره عنه صلی الله علیه و آله و سلم یجب الایمان به لانها من امور الغیب و الایمان بها من صفات المتقین؛ همانا عقیده به خروج مهدی علیه السلام عقیده ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از اموری است که ایمان به آن در قرآن، از صفات پرهیزکاران شمرده شده است. (۱)

۳- جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید: امام مهدی علیه السلام ۳۰۹ سال حاکم بر زمین می شود، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان درنگ کردند، و زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح می کند تا تنها دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر روی زمین باقی بماند. (۲)

حاکم نیشابوری از ابو سعید خدری نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زمین از ستم و ظلم پر می شود. در این هنگام شخصی از عترتم خروج کرده، مدت هفت یا نه [سال] مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد می کند. (۳)

۴- نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام

ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«وینزل روح الله عیسی ابن مریم علیه السلام فیصلی خلفه...»؛ (۴) نازل می شود روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می خواند پشت سر او (امام مهدی علیه السلام).

ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

ص: ۵۹

۱- مجله التمدن الاسلامی، ش ۲۲، ص ۶۴۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸.

۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.

«کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»؛^(۱) چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود می آید، در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟

۵- خسف بیداء

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: پس فرود می آید امیر لشکر سفیانی [همراه با لشکرش] به [زمین] بیداء، پس منادی از آسمان ندا می دهد: ای [زمین] بیداء نابود کن قوم (لشکر) را. پس آنها را در خود فرو می برد.^(۲)

عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: لشگری آهنگ کعبه می کنند، پس هنگامی به زمین بیداء در آمدند، [زمین] همه آنها را فرو می برد.^(۳)

۶- اتفاق بر لقب «مهدی» علیه السلام

از ابوسعید خراسانی نقل شده است: به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی و قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس پرسیدم: چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود: چون هدایت می شود به هر امر مخفی.^(۴) کعب گوید: به درستی که او را مهدی علیه السلام نامیدند، زیرا هدایت می کند (یا هدایت می شود) به امری که مخفی است.^(۵)

۷- مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام

ام سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه»؛^(۶) «مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

ص: ۶۰

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۷۹، ح ۶۷.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲.

۴- غیبت طوسی، ص ۴۷۱.

۵- الجامع معمر بن راشد، ج ۱۱، مصنف صنعانی، ص ۳۲۷، ح ۲۰۷۷۲.

۶- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۴۸؛ غیبت طوسی، ص ۱۸۵.

۸- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام از پدراناش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«القائم من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی...»؛^(۱) «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است».

عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لاتذهب أو لاتنقضی الدنيا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی»؛^(۲) «دنيا به پایان نمی رسد یا دنیا تمام نمی شود تا اینکه مردی از اهل بیتم _ که هم نام من است _ بر عرب حاکم می شود».

۹- بیعت بین رکن و مقام

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند: بیعت می کنند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر.^(۳) احمد حنبل در روایتی از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: با مردی بین رکن و مقام بیعت می کنند.^(۴)

عرصه های اختلافی

همان گونه که گذشت دو مذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره مهدویت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود گروهی از اهل سنت در بعضی موارد دیدگاهی متفاوت با

ص: ۶۱

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶.

۲- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲.

۳- غیبت طوسی، ص ۴۷۶.

۴- مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷.

شیعیان دارند.

آنچه که در این عرصه قابل توجه است، موضوع ولادت آن حضرت است. در میان اهل سنت دو نظر وجود دارد: گروهی از آنان، عقیده ای مطابق با نظر شیعیان دارند و معتقدند که امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است و برخی دیگر (اکثریت) آن را انکار می کنند.

ص: ۶۲

فصل چهارم: غیبت

اشاره

ص: ۶۳

اولین نکته قابل طرح آن است که غیبت به معنی «پوشیده بودن از دیدگان» است نه حاضر نبودن. بنابراین در این بخش، سخن از دوره ای است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چشمان مردمان غایب است و آنها او را نمی بینند و این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد و در کنار ایشان زندگی می کند. این حقیقت در روایات امامان معصوم به عبارات گوناگون بیان گردیده است.

امام علی علیه السلام فرمود:

«سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان مردم هست و در راهها (کوچه و بازار) گام برمی دارد؛ به خانه های آنها سر می زند؛ در شرق و غرب زمین رفت و آمد می کند؛ گفتار مردم را می شنود و برایشان سلام می کند؛ می بیند و دیده نمی شود تا وقت [معین] و وعده [الهی]» (۱)

البته نوع دیگری از غیبت نیز برای آن حضرت بیان شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در صاحب این امر سنت هایی از انبیاء وجود دارد... اما سنت او از یوسف علیه السلام، پنهان بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می دهد [به گونه ای که] مردم او را می بینند ولی

ص: ۶۴

بنابراین درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبت به دو گونه روی می دهد: آن بزرگوار در مواردی از دیدگان پنهان است و در مواردی دیگر دیده می شود ولی شناخته نمی گردد اما در هر حال در میان مردم حضور دارد.

پیشینه غیبت

غیبت و نهان زیستی، پدیده ای نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجّت پروردگار روی داده باشد بلکه از روایات فراوان استفاده می شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشی از زندگی خود را در پنهانی و غیبت بوده اند و این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده و نه یک خواسته شخصی و یا مصلحت خانوادگی.

بنابراین غیبت یکی از سنت های (۲) الهی است که در زندگی پیامبرانی همچون ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال و عیسی علیهم السلام جریان یافته است و هر یک از آن سفیران الهی به تناسب شرایط سالهایی را در غیبت بسر برده اند. (۳)

به همین دلیل است که در روایات از غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یکی از سنت های پیامبران یاد شده است و یکی از دلایل غیبت آن حضرت، اجرا شدن سنت انبیاء علیهم السلام در زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

ص: ۶۵

-
- ۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۴۶، ص ۲۸.
 - ۲- قرآن کریم در سوره های متعددی از جمله غافر، آیه ۵۸؛ فتح، آیه ۲۳ و اسراء، آیه ۷۷ سخن از سنت الهی مطرح کرده است و از مجموع اینها استفاده می شود که مقصود از سنت الهی قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی دهد. این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۵، با تلخیص)
 - ۳- کمال الدین، ج ۱، باب اول تا هفتم، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به راستی که برای [امام] قائم از ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود. راوی گوید: دلیل این غیبت چیست ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؟»

حضرت می فرماید:

«خداوند می خواهد سنت های انبیاء در غیبت هایشان درباره آن حضرت روی دهد.»^(۱)

حکمت ها و فلسفه غیبت

اشاره

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از پدیده هایی است که با اراده و تدبیر خداوند رخ داده است؛ پس به طور حتم دارای حکمت و مصلحتی مهم و قابل توجه است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حقیقت سر بودن این امر را اینگونه بیان فرموده است:

«یا جابر! ان هذا الامر امر من امر الله وسر من سر الله، مطوی عن عباد الله، فایاک والشک؛ فان الشک فی الله کفر؛»^(۲)

ای جابر! همانا این امر؛ امری است از امر خداوندی و سری است از سر خدا که بر بندگان او پوشیده است. پس برحذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک در مورد خدا کفر است.»

عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب الامر، غیبتی دارد که ناگزیر اتفاق می افتد و ناراستان و طرفداران باطل به شک می افتند». عرض کردم: «فدایت شوم چرا چنین می شود؟» فرمود: «به خاطر چیزی که ما اجازه نداریم، آن را برای شما باز گو کنیم». عرض کردم: «حکمت و فایده این غیبت چیست؟» فرمود: «حکمت غیبت او، همان حکمت غیبت آن عده از حجت های خداوند است که قبلاً از آنها یاد شده

ص: ۶۶

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۳، ص ۹۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، موسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۲۸۷.

است؛ حکمت این غیبت نیز تا بعد از ظهور آن حضرت، بر مردم معلوم نخواهد شد؛ همان طور که حکمت کارهایی که خضر انجام داد، تا قبل از جدا شدنش از موسی، معلوم نشد. ای پسر فضل! این امری الهی است و سرّ آن و جهات پنهانی آن نیز، الهی و به خدا مربوط است و هنگامی که ما می دانیم خداوند عزّوجلّ حکیم است، قبول و اعتراف می کنیم که تمام کارهایش، عین حکمت و درستی است؛ هر چند که علت و چرایی آن کارها، برای ما روشن نشده باشد» (۱).

بر اساس این حدیث، علت و حکمت اصلی «غیبت»، برای ما معلوم نیست و پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار می گردد؛ ولی در روایات متعدد دیگر، اسرار و عللی برای غیبت آن حضرت بیان شده که قابل توجه است و می تواند ما را نسبت به وقوع غیبت و لزوم آن به اطمینان بیشتری برساند. در اینجا عوامل و حکمت های غیبت - بر اساس یک دسته بندی جدید و جامع - بیان می شود؛ بنابراین تقسیم، غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از جانب خدا و به خواست و اراده او بوده است و هم مردم، حاکمان ظالم و شیعیان در آن نقش و تأثیر داشته اند.

یک. اراده و خواست خداوند

اشاره

طبق بیان روایات، غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از ناحیه خدا و بر اساس مشیت، حکمت و اراده او بوده است. خداوند با غیبت حجت خود، اهداف و اغراض زیر را در نظر داشته است:

۱-۱. آزمون و امتحان مردم

یکی از حکمت الهی در مسئله «غیبت حجت»، امتحان و آزمایش انسان ها - به خصوص شیعیان - است؛ یعنی، امتحان و آزمایش گروهی که ایمان محکمی ندارند تا باطنشان ظاهر شود. کسانی هم که ایمان در اعماق دل آنان ریشه دوانده، به واسطه انتظار و صبر بر شداید و ایمان به غیب، ارزش و قدرشان معلوم می گردد و به درجاتی از ثواب نایل می آیند. زراره بن

ص: ۶۷

اعین می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «... و هو المنتظر غیر انَّ الله یُحِبُّ ان یمتحن الشیعہ، فعند ذلك یرتاب المبطلون»؛^(۱) «او منتظر است؛ اما خداوند دوست دارد شیعه را آزمایش کند؛ آن گاه معتقدان و طرفداران باطل به شک می افتند».

جابر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم، فَرَجَ شما چه هنگام خواهد بود؟ فرمود: «هیئات! هیئات! لایکونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُعْرَبَلُوا ثُمَّ تُعْرَبَلُوا حَتَّى یذهب الکیدر و یرقی الصفو»؛^(۲) «دور است، دور است؛ فرج ما پیش نخواهد آمد تا اینکه غربال شوید، باز غربال شوید... تا اینکه ناخالصی از بین برود و صافی باقی بماند». بر این اساس آزمایش مردم از دو جهت صورت می گیرد:

الف. چون اصل غیبت بسیار طولانی می شود، بیشتر مردم در شک و تردید می افتند و برخی در اصل ولادت و بعضی نیز در بقای آن حضرت شک می کنند.

ب. شدت ها و پیشامدهای ناگوار، باعث می شود که حفظ ایمان و استقامت در راه دین، بسیار دشوار گردد و ایمان افراد در مخاطرات سخت واقع شود^(۳). اگر کسی اعتقاد خود را به امام علیه السلام از دست ندهد و یا در مشکلات و سختی ها استقامت داشته و مؤمن باشد، از این امتحان سربلند بیرون می آید.

۲-۱. اتمام حجت

با غیبت طولانی ولی الهی، همه گروه ها، افراد، اندیشه ها و نظام ها، امکان حکومت بر مردم و مدیریت جامعه را پیدا کرده و ضعف و ناتوانی خود را در اداره جامعه و رفع مشکلات و گسترش عدالت بروز می دهند. این در حالی است که حکومت و ولایت بر مردم، شایسته و بایسته اولیای الهی - به خصوص دوازده امام معصوم - است و خداوند می خواهد

ص: ۶۸

۱- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۱۵۰

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳

۳- امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۲

بدین ترتیب با مردم اتمام حجت کند و توجه و خواست آنان را به حکومت معصومان جلب نماید. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «ما يكون هذا الامر حتى لا يبقى صنفٌ من الناس الا وقد ولّوا على الناس حتى لا يقول قائلٌ: انا لو وُلّينا، لَعَدَ لنا؛ ثم يقومُ القائمُ بالحقِّ و العدل»؛ (۱) «ظهور تحقق نمی یابد تا اینکه گروهی نماند، مگر اینکه بر مردم حکومت کرده باشد تا کسی نگوید: اگر ما حکومت داشتیم؛ عدالت را (می گسترانیم)! آن گاه قائم به حق و عدل قیام می کند».

۳-۱. تطابق و همسانی با پیامبران

خداوند بنابر مصالحی، انبیای گذشته را برای مدّتی از بین مردم مخفی می کرد؛ پس خواست که این موضوع را درباره حضرت مهدی هم پیاده کند تا آن حضرت، آخرین غیبت را انجام دهد و این سنت الهی به طور کامل و تمام، به منصّه ظهور رسد. حنان بن سدير به نقل از پدرش از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می شود»، عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! علت آن چیست؟ فرمود: «انّ الله عزوجل ابي الا ان يجرى فيه سنن الانبياء في غيبتهم و انه لا بد له... من استيفاء مدد غيبتهم: قال الله عز و جل: «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»؛ أي سنننا على سنن من كان قبلكم» (۲)؛ «خداوند نمی خواهد این امر انجام شود؛ مگر اینکه تمام سنت هایی را که پیامبران در غیبت هایشان داشته اند، در این غیبت قرار دهد... بنابراین باید تمام مدّت، مجموع غیبت های پیامبران، در این غیبت وجود داشته باشد. خداوند می فرماید: «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»؛ مقصود این است که سنت های گذشتگان، در مورد شما جاری خواهد شد».

ص: ۶۹

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۲؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸۶، ح ۲۱۲؛ الخرائج، ج ۲، ص ۹۵۵

همان طور که در مباحث گذشته اشاره شد، امامان واسطه فیض الهی و منبع هدایت و راهنمایی مردم هستند. خداوند به منظور استمرار هدایت مردم - وقتی آنان در برهه ای از زمان نعمت بی نظیر الهی (امام معصوم) را قادران نبودند - طبق مصلحت، وجود او را در پس پرده غیبت قرار می دهد تا علاوه بر حفظ نظام عالم، نزول فیض و رحمت حق از طریق او به بندگان ادامه یابد و راه هدایت و رستگاری بر روی مردم باز باشد. به نظر می رسد با توجه به وجود مشکلات زیاد فراوی امامان، غیبت، بهترین وسیله این هدایت بخشی باشد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «لا تخلوا الأرض من قائم لله بحججه أما ظاهراً مشهوراً و إما خائفاً مغموراً لئلا تبطل حجج الله و بیناته...»؛ (۱) «زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن، قیام کند (به صورت) آشکار و شناخته شده و یا بیمناک و پنهان؛ تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود (دلیل های روشن هدایت از بین نروند)».

۵-۱. ظهور نسل مؤمن از صلب کافر و منافق

طول غیبت، باعث می شود که در اصلااب فاسدان و منافقان و کافران، اگر مؤمنی باقی باشد، همه به دنیا بیایند؛ چنان که شیوه امامان معصوم نیز چنین بوده و حتی پیش بینی هایی در مورد بعضی از افراد منافق و ناصبی داشتند. بعد از مدتی نیز از صلب آنان، افرادی مؤمن و دوستدار اهل بیت علیه السلام به دنیا می آمدند. ابراهیم کرخی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خداوند سلامت بدارد؛ آیا علی علیه السلام در دین خدا قوی نبود؟ فرمود: آری چنین بود: گفتم: پس چگونه مردم بر او چیره شدند و او جلوی ایشان نایستاد؟ چه چیزی باعث شد جلوی آنها را نگیرد؟ فرمود: آیه ای از قرآن، او را از این کار بازداشت. گفتم: آن آیه کدام است؟ فرمود: «لَوْ

ص: ۷۰

تَزَيَّلُوا لَعَيْدُنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً»؛(۱). خداوند عز و جل فرزندان مؤمن، در پشت افرادی از کافران و منافقان قرار داده است و حضرت علی، پدران کافر یا منافق را نمی کشت تا اینکه این امانت های الهی از پشت آنان خارج شوند و وقتی این فرزندان از صلب آنان خارج می شدند، بر هر کدام که دست می یافت، با آنها می جنگید. قائم ما اهل بیت نیز چنین است، تا تمام امانت های الهی از پشت پدرانشان (کافران و منافقان) خارج نشوند، ظهور نکرده و کسی را نمی کشد. اما وقتی امانت ها خارج شدند، بر کافران و منافقان مسلط شده، آنان را می کشد»(۲).

دو. نقش و تأثیر مردم

اشاره

یکی از عوامل مهم غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدم همراهی و تمکین مردم از آن حضرت و سستی و قصور در یاری امام علیه السلام است؛ چنان که امامان پیشین، از این ناحیه آسیب های فراوانی دیدند و مرارت ها کشیدند. نتیجه این معصیت و نافرمانی بزرگ مردم، کشته شدن و شهادت همه آنان و از دست دادن حکومت بوده است! بر این اساس غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر از ناحیه خود مردم بوده است؛ نه از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواجه نصیر الدین طوسی می گوید: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا»؛(۳) «وجود امام، لطف است (از سوی خدا) و تصرف او (در امور) لطفی دیگر است و غیبت او، مربوط به خود ما است»؛ یعنی، عدم حضور امام و غیبت او از ناحیه خود ما و مشکلات و موانعی است که ما به وجود آورده ایم. در مورد نقش مردم در غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان به چند مورد اشاره کرد:

۱-۲. تأدیب و متنبه شدن

وقتی مردم به وظایف و مسئولیت های خود، در برابر امام و پیشوای بر حق خود، پایبند

ص: ۷۱

۱- فتح (۴۸)، آیه ۲۵

۲- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۷، ح ۹

۳- کشف المراد، ص ۲۸۵

نباشند و از اطاعت و یاری او سربلندی کنند و از جان و مالش محافظت نکنند؛ روا است که خداوند، آن امام را برای مدتی از مردم جدا سازد و تأدیشان کند. در این صورت مردم از بسیاری از مواهب و الطاف امام معصوم علیه السلام، بی بهره مانده و از برکات ظاهری وجود او محروم می شوند و این نشانگر غضب و خشم الهی است. محمد بن فرج می گوید: امام ابو جعفر علیه السلام برایم نوشت: «اذا غضب الله - تبارک و تعالی - علی خلقه نحاناً عن جوارهم»؛ (۱) «وقتی خداوند متعال بر مردم خشم گیرد، ما را از کنارشان دور می سازد».

۲-۲. ستمکاری و نادانی مردم

ظلم و ستمی که مردم بر خود و هم بر دیگران روا می دارند و از حجت الهی، به جهت جهل و نادانی شان بهره کافی نمی برند، موجب غیبت امام علیه السلام شده است. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «واعلموا ان الارض لا تخلوا من حجة الله ولكن الله سيعمي خلقه منها بظلمهم وجورهم و اسرافهم علی انفسهم»؛ (۲) «ای مردم بدانید که زمین هرگز از حجت الهی خالی نمی ماند، اما پروردگار، مردم را به جهت ظلم و ستمی که مرتکب می شوند و نیز به جهت اسراف و زیاده روی های که در حق خود انجام می دهند، از دیدن حجت خودش (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) محروم می سازد».

۲-۳. جلوگیری از کشته شدن

یکی از موانع و چالش های اساسی فراروی امامان معصوم علیه السلام، وجود حاکمان ظالم، دشمنان جاهل و کینه جو و نفاق پیشگان دنیا دوست بوده است. این امر منجر به غضب خلافت، کشته شدن امامان، انزوا و محدودیت، فشارهای مالی و اقتصادی، جلوگیری از ارتباط با مردم و... شده بود.

ص: ۷۲

۱- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۷، ح ۳۸؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۳

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳، ح ۸

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با همه این خطرات رو به رو بود و حکمت الهی اقتضا می کرد که آن حضرت از دیدگاه ها غایب شود. با توجه به این امر بدیهی، عوامل زیر در غیبت آن حضرت نقش و تأثیر زیادی داشته است:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «بنی امیه و بنی عباس، شمشیرهای خود را برای ما تیز کردند؛ زیرا خوب می دانستند که آنها در خلافت حقی ندارند. آنان از ترس اینکه خلافت به جای خود برگردد و در میان صاحبان اصلی اش مستقر شود، به کشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از بین بردن سلاله آن حضرت، همت گماشتند تا شاید از ولادت حضرت قائم جلوگیری کنند و یا او را به قتل برسانند؛ ولی خداوند اراده کرد که او را بر احدی از دشمنان آشکار نکند و نور خود را به اتمام رساند؛ اگر چه مشرکان خوش ندارند» (۱). زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «یا زراره لا یُؤیدُ للقائم من غیبه»؛ «به درستی که برای قائم غیبتی هست». پرسیدم: برای چه: فرمود: «یخاف علی نفسه»؛ «بر جان خویش می ترسد» (۲). در اینجا بیان دو نکته خالی از فایده نیست:

الف. ترس حضرت بر جان خود، برای آن است که او، آخرین ذخیره الهی است که باید برای تحقق عدالت جهانی - که وعده حتمی خداوند است - باقی بماند؛ و گرنه او نیز مانند پدران بزرگوارش، از شهادت در مسیر تحقق اهداف الهی، استقبال می کند.

ب. خداوند متعال، هر چند قادر و توانا است که در هر زمان و هر ساعت، آن حضرت را ظاهر و به طور قهر و غلبه، بر تمام ملل و حکومت ها - پیش از فراهم شدن اسباب - غالب سازد؛ ولی چون جریان این جهان را بر مجرای اسباب و مسببات قرار داده و تا زمانی که اسباب چنان ظهوری فراهم نشود، قیام آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد و اگر پیش از

ص: ۷۳

۱- منتخب الاثر، ص ۲۹۱

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۷

فراهم شدن اسباب و مقدمات ظاهر شود، از حفظ قتل مصون نخواهد ماند(۱).

۴-۲. بیعت نکردن با حاکمان

یکی از عواملی که در روایات بسیار به آن اشاره شده، عدم بیعت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خلفای جور و طاغوت ها است، آن حضرت به جهت اینکه مثل پدرانش مجبور به بیعت با آنان نشود، به فرمان خدا از چشم مردم مخفی شد. «بیعت، نوعی عقد و قرارداد دو سویه بین حاکم و فرمانبرداران است که از یک سو خلیفه را متعهد به اداره جامعه... می کند و از طرف دیگر بیعت کنندگان متعهد می شوند، ضمن شنیدن و اطاعت از خلیفه، از او حمایت کنند»(۲).

آن حضرت زمانی که ظهور می کند، بیعت هیچ کس و هیچ حکومت غاصب و ستمگری را - حتی به عنوان تقیه - بر گردن ندارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود در این زمینه مرقوم فرموده است:

«... و اما علّه ما وَقَعَ مِنَ الْغَيْبِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن أَشْيَاءٍ...»؛ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِّنْ آبَائِي الْآلِ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَتُهُ لَطَاغِيهِ زَمَانِهِ وَ أَنِّي أَخْرَجْتُ حِينَ أَخْرَجْتُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ الطَّوَاعِيَّتِ فِي عُنُقِي...»(۳) «اما در مورد علت غیبت، خدای متعال می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز نپرسید از مسائلی که اگر فاش شود، شما را اندوهگین سازد...» هر یک از پدران من بیعتی از طاغوت های زمان به گردن داشت، ولی من به هنگامی ظهور خواهم کرد که بیعت احدی از طاغوت ها، بر گردنم نباشد».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَا عَقْدٌ وَ لَا بَيْعَةٌ»(۴) «قائم ما در حالی ظهور می کند که در گردن او، برای احدی، عهد و پیمان و بیعتی نباشد».

امام علی علیه السلام در این باره فرموده بود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، برای احدی در گردن او

ص: ۷۴

۱- ر.ک: امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۳۴۷

۲- نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۸۹

۳- یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲

۴- الغیبه النعمانی، ص ۸۹ و ۱۰۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۲

بیعت نخواهد بود. از این جهت ولادت او مخفی می شود و خود از دیده ها پنهان می باشد»^(۱).

۵-۲. آماده شدن جهان و افکار عمومی

یکی از علت های مهم غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن پنهان زیستی آن حضرت، آماده ساختن جامعه بشری، برای رسیدن به مقصد نهایی و الهی خود است. آمادگی جهان عبارت است از: بالا رفتن سطح آگاهی مردم و درک نیاز به پیشوایی عادل و عالم، به وجود آمدن امکانات و زمینه های مناسب برای تشکیل یک حکومت جهانی، به ستوه آمدن مردم از ظلم و بیدادگری و خواست جهانی و مردمی برای گسترش و احیای عدالت، معنویت و امنیت جهانی. تا این زمان (آمادگی جهانی) فرا رسد، حضرت در غیبت خواهند بود؛ زیرا وظیفه حضرت، تحقق فراگیر و گسترده تمامی اهداف و برنامه های پیامبران و اولیا است و اقدامات و اصطلاحات او، نیازمند درک بالا و شعور مرفقی از سوی مردم است.

شیخ طوسی می گوید: «فلسفه غیبت فقدان قدرت لازم امام است که باید مردم به آن همت گمارند؛ در واقع تا هنگامی که مردم زمینه اقتدار او را فراهم سازند، غیبت تداوم خواهد یافت؛ چرا که خداوند خواستار تقویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به وسیله بشر است، نه فرشتگان»^(۲).

۶-۲. آماده سازی و تربیت شیعیان

یکی از حکمت های «پنهان زیستی» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، این بود که شیعیان ضعیف و کم ظرفیت، تربیت شده و سطح آگاهی و تحمل و آمادگی آنها بالا برود.

علی بن یقظین از امام کاظم نقل می کند که: «شیعیان با آرزوها، تربیت می شوند» پدرم یقظین به من گفت: چه آنچه راجع به سلطنت بنی عباس به ما گفته شده بود، انجام شد؛ ولی آنچه که به شما درباره فرج اهل بیت گفته شده بود، انجام نشد؟

ص: ۷۵

۱- بشاره الاسلام، ص ۵۲؛ اعلام الوری، ص ۴۰۰؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۱

۲- تلخیص الشافی، ج ۱ و ۲، ص ۹۵ (نشر عزیزی)

به او گفتم: آنچه که به ما و شما گفته شده بود، هر دو از یک جا صادر شده است؛ نهایت اینکه وعده ای که به شما داده شد، سر رسید اما وعده ما - چون زمانش حتی نبود - هنوز نرسیده است. در عین حال ما را با ایجاد امید و آرزوی آن دوران تربیت کردند؛ چون اگر از همان نخست، به ما می گفتند که: فرج بیت، تا سال دویستم یا سیصدم انجام می شود، هر آینه مردم قساوت قلب می گرفتند و عموم آنان از اسلام بر می گشتند! اما همیشه به ما گفته اند: به همین زودی و با سرعت این کار انجام می شود تا قلب های مردم حفظ شود و فرج را نزدیک بدانند»^(۱)

ص: ۷۶

۱- مرآه العقول، ج ۴، ص ۱۷۶، ج ۶ (به نقل از: مطلع الفجر

یکی از مطالبی که در مورد امام زمان علیه السلام، مطرح می شود این است که: امام غایب رهبر و پیشوا است و وجود رهبر در صورتی می تواند مفید باشد که حضور عادی در میان پیروان خود داشته باشد. امامی که دیده نمی شود، چگونه می تواند نقش رهبری را در جامعه ایفا کند؟

به تعبیر دیگر زندگی امام در دوران غیبت به منزله چشمه آب زلالی است که در ظلمات بوده و کسی را توان دسترسی به آن نیست.

وجود مخفیانه آن چشمه چه سودی برای عموم مردم دارد و مردم چگونه از وجود پنهان او بهره مند می شوند؟ این سؤال تنها امروز برای ما مطرح نیست بلکه از روایات استفاده می شود که حتی پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام در عصر امامان نیز مطرح بوده و ائمه اطهار با آغوش باز به آن پاسخ می داده اند.

نمونه های روایی

۱. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: آیا شیعه در زمان غیبت از فیوضات قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار می شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آری، قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برگزید! از وی نفع می برند و از نور ولایتش کسب نور می کنند، همچنان که از خورشید استفاده می کنند هنگامی که در پشت ابرها قرار گیرد.» (۱)

۲. از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولی عصر علیه السلام چگونه استفاده می کنند؟ فرمود: «آنچنان که از خورشید استفاده می شود، هنگامی که در پشت ابرها پنهان گردد.»

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را آفریده تا روز قیامت

زمین خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، یا حجت ظاهر و روشن و یا غایب و پنهان.» راوی پرسید از امام غایب چگونه استفاده می شود؟ فرمود: «آن چنان که از خورشید هنگامی که پشت ابر است استفاده می شود.» (۲)

۴. در توفیق مبارکی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام توسط دومین نائب خاص، محمد بن عثمان به اسحاق بن یعقوب صادر شده است چنین نوشته شده: «اما چگونگی استفاده مردم از من مثل استفاده آنها از خورشید هنگامی که در پشت ابر پنهان شود می باشد.» (۳)

نکته اساسی این جاست که چرا امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است؟

وجوه شباهت امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر

۱. خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او در حرکتند، چنان که وجود گرمای حضرت حجت علیه السلام در نظام هستی مرکزیت دارد. «بِقائمه بقیت الدنیا و بیمنه رزق الوریاء و بوجوده ثبتت الارض و السماء؛» (۴) به بقای او دنیا باقی است و به یمن وجود او بقیه موجودات روزی داده می شوند و به واسطه وجود او زمین و آسمان پایدارند.»

۲. خورشید در این مجموعه منافع فراوانی دارد مانند: جاذبه که مایه ثبات و بقای نظام است، گرما و حرارت که پشت انبوه ابر غلیظ نیز به زمین می رسد و نیز باد و باران، روئیدن گیاهان و امثال آن از برکت تابش خورشید است که ابرگرگتی در آن اثر مهمی ندارد. بله، نورافشانی از پشت ابر کمتر خواهد بود. بدین ترتیب ابرگرگتی فقط یکی از منافع آفتاب را تقلیل می دهد، نه این که از بین ببرد. امام زمان علیه السلام نیز غیر از حضور عادی اش در میان مردم منافع فراوانی برای مردم دارد که در پرتو وجود حضرتش از وجود او استفاده می برند.

غیبت امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دهها فایده دارد که در اینجا به طور اختصار به چند فایده آن اشاره می کنیم:

— وجود امام غایب به پیروانش امید می بخشد و آنها را دلگرم می کند که دارای چنین

رهبری هستند، با توجه به اینکه امید؛ آن هم امیدی این چنین سازنده است، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروانش را قدم به قدم آماده می سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند.

— آن حضرت در عین اینکه غایب است گاه در مسایل مهم با فقها و بزرگان اسلام تماس می گیرد و آنها را راهنمایی می کند.

— آمادگی ها و زمینه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می شود و به این ترتیب زمینه ظهور حضرت مهیا می گردد.

— از طرفی طول غیبت و دوری از مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه ها شده و همین فساد موجب خستگی و نارضایتی و ناراحتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند؛ چرا که مردم تا رنج و ستم و فساد نبرند، آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد. چنان که در روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار آمده که: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ شَرًّا».

«نعمت در پرده غیبت»

خلاصه آنکه می توان گفت، که ریشه اصلی این مطلب به درک اولیه ما از مفهوم «غیبت» باز می گردد؛ به گونه ای که مروری دوباره بر معنای صحیح این واژه، راهگشای ما، در رسیدن به پاسخ صحیح خواهد بود.

واژه «غیبت» معمولاً در عرف عام در برابر «حضور» به کار می رود و کلمه «غایب» در برابر «حاضر». بنابراین، هرگاه گفته می شود کسی غایب است، در عرف یعنی «حاضر نیست».

بر پایه این معنا، بسیاری میان غایب بودن امام دوازدهم و ظهور دیگر امامان، تفاوت جدی قائل می شوند و غیبت را عدم حضور تلقی می کنند و شاید از همین جاست که به نتایج متفاوتی هم در این زمینه می رسند.

برخی گمان می کنند، حاصل غیبت الزاما تحیر و سرگردانی بشر است. گروهی آن را اساسا برابر با عدم امکان فهم صحیح دین می دانند که برای دسترسی به این فهم، چاره ای جز انتظار نیست.

بعضی، غیبت را محرومیت از فیض مجالست با امام و بهره بردن از محضرش تلقی می کنند که تنها می توان بر آن افسوس خورد و گروهی نیز غیبت را مانع کسب اجر و مجاهده در رکاب امام دانسته اند.

اما نگاهی به سیر تاریخ امامت روشن می کند که بسیاری از این امور که حاصل غیبت دانسته شده، در زمان ائمه گذشته نیز اتفاق افتاده است.

شواهدی در قرآن، تاریخ و روایات، بر آن دلالت دارد که در شرایطی که غیبت نامیده می شود، امکان بهره گیری از برکات و منافع وجود حجت الهی و استفاده از او ممکن و چه بسا قطعی است.

برای نمونه آن جا که قرآن، داستان حضرت یوسف علیه السلام را نقل می کند می بینیم که در مقطعی از زمان، آن حضرت به طور ناشناس با مردم زندگی می کرد و مشکلات جامعه را برطرف می نمود، از تعبیر خواب پادشاهی که او را به زندان انداخته، تا برنامه ریزی اقتصادی برای تأمین ارزاق... حتی زمانی که بر مسند قدرت بود، برادرانش که به او ستم کرده بودند، به نرمی سخن می گفت، نیازشان را برآورده می کرد و آنها را مورد محبت خود قرار می داد... تا زمانی که خداوند به او اجازه داد که خود را معرفی کند. ناشناخته بودن حضرت در این مدت، هرگز مانع بهره بردن مردم از برکات وجودش نگردید.

امام صادق علیه السلام درباره امام دوازدهم می فرماید: این امت چرا باور ندارد که خداوند عزوجل با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ که در بازارهایشان آمد و شد کند و بر زیر اندازهایشان گام نهد؛ در حالی که او را نمی شناسند... تا زمانی که خداوند اذن دهد و خود

را به ایشان بشناساند؛ چنان که به یوسف اجازه داد... (۱)

باکنکاشی در متون روایات می توان این فواید را به دو دسته تقسیم نمود:

(۱) فوایدی که به نفس وجود امام برمی گردد؛

(۲) فوایدی که حاصل رفتارها و عملکرد امام می باشد.

در واقع دسته نخست، از جمله سنت های الهی یا قوانینی هستند که خداوند متعال در عالم قرار داده و قرآن و روایات از آن سخن گفته اند (۲)؛ اموری که فاعل آن خداوند است، اما براساس حکمت الهی از طرق و مجاری خاصی اجرا می گردد.

آن دسته از سنت های الهی، که از کانال وجودی امام جاری می شود، همان چیزی است که، آن را فواید «بود» امام می نامیم. مهم ترین این فواید، «اصل بر پایی عالم، و بقا و استمرار خلقت به سبب وجود امام و حجت الهی» است.

همان طور که پا بر جایی هر خیمه به ستون و محور آن وابسته است و استمرار برپایی و بقاء آن نیز منوط به استواری همان ستون می باشد، عمود خیمه عالم هستی نیز، وجود حجت الهی است؛ چنان که در روایات متعددی آمده است: لوبقیت الارض یوما بغير امام لساخت. (۳)

عالم، تا زمانی برپاست که حجت الهی در روی زمین باقی باشد. جعلهم الله ارکان الأرض ان تمید بأهلها... (۴)

بقای جهان تحقق نمی گیرد.

از امام رضا علیه السلام پرسیدند: آیا زمین به غیر امام باقی می ماند؟ فرمودند: خیر، باقی نمی ماند، در این صورت فرو می ریزد. (۵) بر این اساس، بر پایی عالم و حیات خود ما و استفاده از برکات

ص: ۸۲

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه (صدوق)، ص ۳۴۱.

۲- حکمت این سنت های الهی، خود بحث دیگری است که مجالی گسترده تر می طلبد.

۳- امام صادق علیه السلام، اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

۴- امام باقر علیه السلام، اصول کافی، کلینی، کتاب الحججه، ح ۱۲.

۵- امام رضا علیه السلام، اصول کافی، کلینی، کتاب الحججه، ح ۱۱.

عالم، مهم ترین اثر وجودی و فایده ای است که با بودن آن حضرت بر ما و جهان خلقت جاری است و این سنت و قانون الهی تغییرناپذیر می باشد.

دومین فایده «بود» امام، بقا و قوام دین است. در روایات متعددی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: لا يزال هذا الدين قائما حتى يكون عليكم اثني عشر خليفة (۱)

روایت معین شده، پس از یازدهمین ایشان، پایداری دین به وجود آخرین امام خواهد بود.

حضرت امیر علیه السلام در کلامی، وجود امام ظاهر یا غایب را در هر زمان، رمز عدم بطلان حجت ها و بینات الهی می داند: اللهم بلی، لا تخلو الارض من قائم لله بحججه اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجج الله و بیناته (۲)

یافتگان به حق در کره خاکی، مدیون و وابسته به امام است.

سومین فایده: در بسیاری از روایات، امام واسطه رسیدن فیض الهی به بشریت معرفی شده است؛ یعنی آنچه از برکات، نعمت ها، رحمت و لطف خداوند بر عالم نازل می گردد، به واسطه امام و از کانال وجودی او است.

این مفهوم اساسی بارها در سخنان ائمه علیه السلام تکرار شده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید؛ خداوند به واسطه ما رحمت را منتشر می سازد و به ما باران می فرستد و برکات را از زمین بیرون می آورد.

و امام صادق علیه السلام می فرماید: بنا اثمرت الاشجار و أيعنت الثمار و جرت الأنهار و ينزل الغيث. گویا طبیعت نظام خلقت، دارای مراتبی همانند هرم است که در رأس آن، وجود حجت الهی است، برکات و فیض و رحمت پروردگار، نخست، بر آن قله نازل شده و سپس از آن جا بر همه جوانب، تا قاعده هرم سرازیر می گردد.

چهارمین فایده وجود حجت الهی، مسئله رفع عذاب و امان اهل زمین می باشد. یکی از

ص: ۸۳

۱- میزان الحکمه، ج ۱، الامامه، ص ۱۳۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، باب ۱۴۰، ص ۱۱۸.

سنت های الهی آن است که وجود یک فرد مؤمن و صالح در یک جمع، باعث دور کردن عذاب و حفظ همه آن جمع می گردد. جابرین عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«خداوند به واسطه صلاح فرد مسلمانی، فرزندان و فرزندان فرزندان و اهل خانه و خانه های اطرافش را نگه می دارد و همه آنان در پناه خداوندند تا زمانی که او در میان ایشان است.»(۱)

روایات معصومین علیه السلام مؤید این است که به برکت وجود حضرت، بسیاری از عذاب ها از جامعه بشری رفع می گردد.

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: أباالناس حاحه الی الامام؟ در پاسخ فرمود: أجل لیرفع العذاب عن اهل الارض، سپس به آیه قرآنی استشهاد کردند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مخاطب قرار داده و حضرت را عامل رفع عذاب از امت معرفی می کند: ((و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم)) (۲).

عظیم ترین فایده وجودی امام که همان وظیفه اصلی اوست، مسئله «هدایت» می باشد.

این مسئولیت در زمان همه ائمه علیه السلام در رأس اهتمامات ایشان بوده و هرگز متوقف نشده است و لازمه انجام آن نیز شناخت چهره امام و ارتباط مستقیم با او نبوده است.

نقل شده که اسحق کندی، از فلاسفه معروف عرب، در عصر امام حسن عسکری علیه السلام کتابی به نام تناقضات قرآن نوشت. امام از طریق یکی از شاگردان اسحق و با طرح سؤالاتی او را متوجه اشتباهاتش می نماید.

تا جایی که او به حقیقت اعتراف می کند و با ندامت، کتابش را می سوزاند. (۳) به این ترتیب علی رغم فاصله مکانی و بدون دیدار با امام، از راهنمایی حضرت بهره مند می گردد.

این حقیقت تاریخی نشان می دهد که گستره هدایت ائمه علیه السلام به کسانی که حتی آنها را ندیده یا نمی شناخته اند نیز، از طرق وسایل گوناگون می رسیده است و هیچ مانعی وجود ندارد

ص: ۸۴

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۴، ص ۱۰۹.

۲- سوره انفال، آیه ۳۲.

۳- بحار الانوار؛ علامه مجلسی، سیره امام حسن عسکری.

که این امر در زمان غیبت نیز جریان داشته باشد.

چه بسیار راه های فهم دین و تمیز آن از مسیرهای انحرافی که به واسطه امام گشوده می شود و چه بسیار قلب های آماده پذیرش حق و اذهان جست و جوگری که با عنایت امام به سرچشمه های هدایت متصل می گردند، هر چند که خود منشاء این فیض را ندانند و نیابند.

در واقع هدایت انسان ها، شغل و وظیفه ای نیست که امام گاه گاهی به آن پردازد، بلکه فلسفه وجودی و لازمه امامت اوست. همان گونه که هر مادری به حکم محبت ها و مجموعه فداکاری هایی که برای فرزندش انجام می دهد، «مادر» نامیده می شود و معنای مادری در همان رفتارها نهفته است.

به طوری که بدون آن مجموعه، سمت مادری بی معناست، صفت «هادی» بودن برای امام نیز به همین گونه است؛ لذا در زیارات خطاب به ایشان می گوئیم:

السلام علیک یا نورالله الذی یهتدی به المهتدون(۱)

سیره ائمه گذشته، همواره امام را در کنار مردم و یاور و حامی آنان در سختی ها و مصایب می بینیم.

ادای دین قرض داران، شفای بیماران، رفع نیازهای نیازمندان... همه را امام به حکم امامت انجام می داده است و تحقق این امور هیچ گاه مشروط به شناخته شدن حجت الهی نبوده است، فقرایی که شبانه از امام سجاد علیه السلام طعام دریافت می کردند، به دلیل پوشیده بودن چهره امام او را نمی شناختند و بسیاری از یتیمان کوفه پس از شهادت علی علیه السلام دانستند که چه کسی هر شب به دیدارشان می رفته است. آیاتی از قرآن کریم در سیره حجت های پیشین نیز گواه این معنا است.

در داستان حضرت خضر علیه السلام در سوره کهف(۲) سخن از کارهایی است که آن ولی خدا در

ص: ۸۵

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر در روز جمعه.

۲- سوره کهف، آیات ۷۹ تا ۸۲.

حالی که مردم او را نمی شناختند، برای حل مشکلات آنان انجام می دهد.

بنابراین، در زمان غیبت نیز، امام جدا از مشکلات، گرفتاری ها و رنج و اندوه مردم نیست و نشناختن حضرت به چهره، مانع از بهره مندی مردم از کمک های ایشان نمی گردد. به همین دلیل است که در زیارت جامعه کبیره خطاب به همه ائمه علیه السلام می گوئیم:

«بکم ینفسّ الهم و یکشف الضر... و فرّج عنّا غمرات الکروب.»

بهره مندی از دعاهای امام

فایده مهم دیگر، دعای امام است. مطابق روایات متعدد، اعمال انسان ها دائماً، به حجت الهی در هر عصر عرضه می شود و هرگز آن امام از وضعیت مردم غافل نیست، بلکه به حکم مسئولیتش نسبت به این اعمال نگران است.

امام علی علیه السلام می فرماید: هیچ مؤمنی نیست که اندوهگین شود؛ مگر آن که به جهت اندوه او اندوهگین می شویم و دعایی نکند مگر این که برای او آمین می گوئیم و ساکت نماند مگر آن که برایش دعا می کنیم.

بنابراین، دعای امام همواره و در هر حال شامل حال افراد می گردد.

نقل شده است که همسایه امام رضا علیه السلام روزی خدمت امام رسیده و عرض کرده: از شما می خواهم که برای من و خانواده ام دعا کنید. حضرت فرمودند: آیا من این کار را انجام نمی دهم؟ همانا اعمال شما در هر صبح و شام بر ما عرضه می شود. (۱) و چون سؤال کننده از این پاسخ متعجب شد، امام به آیه قرآن استشهاد فرمود: قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون. (۲)

در مجموع فواید وجود امام زمان علیه السلام را می توان به دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم نمود.

ص: ۸۶

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸۷، ح ۵.

۲- سوره توبه، آیه ۱۰۵.

فوائد تکوینی امام زمان علیه السلام مانند واسطه فیض؛ فایده های تشریحی امام غایب مانند پاسداری از آئین خدا.

ص: ۸۷

فصل ششم: انتظار

اشاره

ص: ۸۹

از جمله موضوعاتی که در اندیشه شیعی جایگاه مهم و تعیین کننده ای دارد، انتظار دولت آرمانی و حکومت عادلانه خاتم الاوصیاء امام مهدی علیه السلام است.

دوران غیبت دوران تحرک و پویایی و انتظار منشور سترگ و تابناک حرکت و درس مبارزه است. انتظار دیدن روزنه امید برای رهایی است. انتظار دیدن افق فردا و فرداهاست. امید به آینده است. اشتیاق رسیدن به بهترین وضع است و نه تنها تلاش برای تثبیت وضع موجود نیست بلکه تلاشی است برای بهتر شدن، تکامل یافتن و همیشه پویا زیستن. بنابراین جامعه منتظر، جامعه ای است پویا، رو به تکامل و متمایل به بهتر و انسانی زیستن و فرد منتظر باید همیشه در حال گریز از وضع موجود و تلاش برای فردایی بهتر از امروز باشد باید بر علیه هرچه شر است بشورد تا جامعه برای ظهور و حضور آن انسان کامل آماده باشد.

معنای انتظار

انتظار در لغت، به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است. (۱) با مطالعه ی فرهنگ های لغت در می یابیم که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است؛ اما از این معنا دو نوع برداشت می توان کرد.

۱. این حالت روانی و چشم به راهی، انسان را به اعتزال و انزوا بکشاند و منتظر، دست روی دست بگذارد، وضعیت موجود را تحمل کند و به امید آینده ی مطلوب، بدون هیچ گونه تلاشی فقط انتظار بکشد.

ص: ۹۰

۱- التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

۲. این چشم به راهی و انتظار سبب حرکت، پویایی و عمل و آمادگی وسیع تر گردد.

با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که معصومان (علیهم السلام) خیلی روشن و صریح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، انتظار را عمل نامیده اند، آن هم برترین اعمال (۱) یا آن را عبادت خوانده اند، آن هم محبوب ترین عبادت (۲).

اساساً این یک قاعده ی عقلی و منطقی است؛ آن کس که وضعیت موجود را نمی پذیرد و تحمل نمی کند، در انتظار گشایش است و برایش آماده می شود؛ من انتظر أمراً تهيأ له.

ابعاد انتظار

اشاره

انسان از زوایای مختلف دارای ابعاد گوناگون است: از سویی از بُعد نظری و عملی برخوردار است و از سوی دیگر دارای بُعد فردی و اجتماعی است و از زاویه ای دیگر در کنار بُعد جسمی، بُعد روحی و روانی دارد. بدون تردید در همه ابعاد یاد شده نیاز به چارچوب مشخصی است تا در قالب آن راه صحیح زندگی باز شود و مسیرهای انحرافی به روی آدمی بسته گردد. و آن راه درست همان مسیر انتظار است.

انتظار موعود جهانی در همه ابعاد زندگی منتظر تأثیر می گذارد. در بعد فکری و نظری که زیر بنای اعمال و رفتار انسان است، باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می کند. به بیان دیگر انتظار صحیح می طلبد که منتظر، بنیان های اعتقادی و فکری خود را تقویت کند تا در دام مکتب های انحرافی گرفتار نشود و یا به خاطر طولانی شدن دوره غیبت

ص: ۹۱

-
- ۱- «أفضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»، «انتظارالفرج من أعظم العمل». کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.
 - ۲- «انتظار الفرج عباده»، «سئل عن علی (علیه السلام) رجل أی الاعمال أحب الی الله عزوجل؟ قال علی (علیه السلام): انتظار الفرج». کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح ۱.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به چاه یأس و ناامیدی سقوط نکند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام ایشان غایب خواهد شد پس خوشا به حال آنان که در آن زمان، بر امر (ولایت) ما ثابت و استوار بمانند.»^(۱)

یعنی در دوره غیبت که دشمنان با انواع شبهه ها می کوشند تا اعتقادات درست شیعیان را از بین ببرند به برکت قرار گرفتن در سنگر انتظار مرزهای عقیدتی حفظ می شود.

در بُعد عملی، انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می دهد. منتظر باید در میدان عمل بکوشد تا زمینه های ظهور دولت حق فراهم گردد. بنابراین، منتظر در این بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می گمارد. در بُعد فردی هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت های اخلاقی روی می آورد و هم به تقویت جنبه جسمی و بدنی می پردازد تا نیرویی کار آمد برای جبهه نور باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«... کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد پس منتظر باشد و در حال انتظار پرهیزگاری پیشه کند و به اخلاق نیکو آراسته گردد.»^(۲)

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می برد و او را با تک تک افراد جامعه مرتبط می سازد. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیر گذاری مثبت در جامعه وا می دارد و از آنجا که شرط ظهور دولت حق آمادگی جمعی است، هر کسی به اندازه توان خود برای اصلاح جامعه می کوشد و در برابر ناهنجاری های اجتماعی ساکت و بی تفاوت نمی ماند، چرا که منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می کند.

ص: ۹۲

۱- کمال الدین، ج ۱، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

۲- الغیبه نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.

کوتاه سخن اینکه «انتظار» جریان مبارکی است که در تمام مویرگهای حیات فرد و اجتماع منتظر جاری است و در همه عرصه های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟!

قرآن کریم می فرماید:

((... صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...)) (۱)؛

رنگ الهی (بگیرید) و چه چیز از رنگ الهی داشتن نیکوتر است؟!

بر این اساس، انتظار فرج، فراتر از انتظار معمولی است؛ یعنی انتظاری همراه با آگاهی، بصیرت، درایت، معنویت، آمادگی، حق گرایی، عدل خواهی و... به عبارت روشن تر، انتظار فرج، شناخت حق و شناختن رهبر و امام حق و انتظار یاری رساندن به او است. چنین شخصی در غیبت امام، چنان رفتار می کند که گویا در زمان ظهور و حضور او زندگی می کند. به همین جهت شیعه تمامی دشواری ها و کاستی ها را پشت سر نهاده و از خطر انقراض و زوال به دور مانده است. این نوع انتظار است که دارای فضیلت و ارزش بی شماری است.

امام سجّاد علیه السلام می فرمود: «انتظار الفرّج من اعظم الفرّج» (۲)؛ «انتظار فرج، خود از بزرگ ترین گشایش ها است».

به صراحت می توان گفت: از مهم ترین رازهای نهفته بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد شیعه را آکنده ساخته و پیوسته او را به تلاش، کوشش، جنبش و جوشش و می دارد.

«انتظار»، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقّق جامعه آرمانی اسلام ایجاد می کند و رفتارها و برنامه ها را بدان سمت سوق می دهد. اگر مفهوم انتظار به درستی فهمیده شود، معلوم می گردد بین انتظار موعود و حیات پویا و ظلم ستیزی و ریشه کنی فساد از زمین،

ص: ۹۳

۱- سوره بقره، آیه ۱۳۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴

ملازمه هست و روایات فراوانی که فضیلت انتظار و مقام منتظران را بیان می کند، این تصویر زیبا را ارائه کرده است. در پرتو انتظار موعود، حرکت های اصلاحی شکل می گیرد و به برکت آن، حیات انسانی، مفهوم و جایگاه الهی خود را پیدا می کند و بشر را به سوی اهداف والای انسانی به پیش می برد.

کسی که منتظر و چشم به راه ظهور و قیام جهانی نجات دهنده بزرگ و موعود امت ها است، بایسته است از نظر عملی، فکری و اعتقادی نیز انتظار و آمادگی خود را نشان دهد. تنها با لقلقه زبان و ادعای چشم به راه بودن، نمی توان خود را منتظر واقعی دانست!! البته مرحله نخست «انتظار سازنده»، باور به وجود منجی و اعتقاد به ظهور او و برپاداشت انقلاب جهانی به دست او است. سپس نوبت به اصلاح و همسوسازی رفتارها، گفتارها و پندارها با این اعتقاد و باور است. وقتی انسان حقیقتاً منتظر کسی باشد، تمام رفتارها و سکناش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد، حتماً خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب، در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده و نه اصلاً به فکر میهمان بوده است؛ اگر ادعا کند که در انتظار میهمان است. همه او را ریشخند کرده، بر گزافه گویی او خواهند خندید!!

بعضی از بایسته ها و وظایف منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین می توان شمارش کرد:

یک. وظایف فردی و اخلاقی

۱-۱. سنخیت با امام

منتظران واقعی، وضعیت فکری، روحی و عملی خود را به گونه ای سامان می بخشند که سنخیت کاملی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی

(افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد تا از این طریق شیعه و پیرو واقعی او باشند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا»^(۱)؛ فرمود: «اصبروا»، یعنی صبر کنید بر ادای واجبات و «صابروا»، یعنی شکبیا باشید بر اذیت دشمنان و «رابطوا»، یعنی رابطه ناگسستنی با امام خود، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشید^(۲)»

۲-۱. پرهیزکاری و تزکیه نفس

یکی از وظایف و بایسته های مهم منتظران، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است؛ یعنی، همان طور که قرآن می فرماید: «اگر می خواهید محبوب خدا باشید، تقوا پیشگی کنید»؛ این قانون در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هست.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «برای صاحب الامر، غیبتی طولانی است؛ در این دوران هر کس باید تقوا پیشه سازد و به دین خود چنگ زند» (الغیبه النعمانی، ص ۲۵۰، باب ۱۴، ح ۵).

۳-۱. یاد یار

منتظر حقیقی، کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمی شود و پیوسته در فکر و اندیشه او است.

روایت شده است: وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد، فردی پرسید: آیا از امامان کسی غایب می شود؟ فرمود: «نعم یغیب عن أبصار الناس شخصه ولا یغیب عن قلوب المؤمنین ذکرة و هو الثانی عشر منّا»^(۳)؛ «بلی، شخص او از دیدگاه های مردم

ص: ۹۵

۱- آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰

۲- منتخب الاثر، ص ۵۱۵، ج ۸؛ الغیبه النعمانی، ص ۱۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۴

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰

غایب می شود؛ ولی یاد او از دل های مؤمنان نماند و او دوازدهمین نفر از ما است».

بزرگداشت یاد و نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصادیق و شکل های مختلفی دارد مانند برپا داشتن به هنگام شنیدن نام ایشان؛ نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت؛ مانند نیمه شعبان و اعیاد چهارگانه اسلامی: فطر، قربان، غدیر و جمعه؛ آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه امام علیه السلام؛

۴-۱. اظهار محبت و مودت

یکی از اوصاف منتظران شیعیان خالص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهرورزی و محبت سرشار به آن حضرت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره لزوم دوستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَقَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَحَسُنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمُنْتَظَرِ»^(۱)؛ «هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند؛ در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس باید دوستدار حضرت حجت، صاحب الزمان منتظر باشد».

خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مردم را به کارهایی سفارش فرموده که موجب ازدیاد محبت و مودت می شود: «هر یک از شما باید به اموری پردازد که او را به محبت ما نزدیک کند و از کارهایی که ناخوشایند ما است، دوری جوید؛ زیرا ظهور ما به صورت ناگهانی فرا می رسد»^(۲).

البته این محبت و مهرورزی دو طرفه است؛ زیرا امام معصوم نیز شیعیان و یاران خود را دوست دارد و شفیق و دلسوز آنها است: «(الامام) الانیس الرفیق و الوالد الشفیق و الاخ الشفیق...»^(۳)؛ «امام همدم و رفیق، پدر مهربان و برادر دلسوز است».

۵-۱. حزن و اندوه و ندبه

محزون بودن در فراق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ندبه و اظهار شوق به لقای او از اوصاف منتظران

ص: ۹۶

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶، ح ۱۲۵

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶

۳- کافی، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۱

عاشق پیشه است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «لا تزالُ شیعتنا فی حُزنٍ حتّٰی یظہرَ ولَدی الَّذی بَشَّرَ به النبی صلی الله علیه و آله و سلم» (۱)؛ «شیعیان ما در یک اندوه دائم به سر می برند تا فرزندم - که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوید ظهورش را داده است - ظاهر شود».

۶-۱. اظهار اشتیاق و چشم به راه بودن

شور طلب و علاقه دیدار یار و اظهار شیدایی و اشتیاق به محبوب، از ویژگی های بارز منتظران است؛ چنان که در دعای ندبه آمده است: «لِیتَ شِعْرِی اَینَ استَقَرَّتْ بِحِکِّ النَّوِی بِلِ اَی اَرْضٍ تُقَلِّکَ اَوْ ثَرِی ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی...» (۲)؛ «ای کاش می دانستم در چه جایی منزل گرفته ای و چه سرزمین و مکان تو را در بر گرفته است! آیا در کوه رضوی هستی و یا در جای دیگر و یا در ذی طوی هستی...».

۷-۱. صبر و بردباری

در روایات زیادی توصیه به صبر و بردباری در این دوران شده و برای منتظران صابر، پاداش ها و ثواب های چندی بیان گشته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من دین الاثمه الورع و العفّه و الصلاح و انتظارُ الفرج بالصّبر» (۳)؛ «از آیین امامان است: تقوا، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی».

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «خوشا به حال شکیبایان در غیبت و محبت او، که آنان را خدای تبارک و تعالی، در کتابش چنین توصیف فرموده است: «هُدٰی لِّلْمُتَّقِیْنَ الَّذِیْنَ

ص: ۹۷

۱- یوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۴۴۵

۲- اقبال الاعمال، ص ۲۹۸

۳- منتخب الاثر، ص ۴۹۸

يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^(۱)؛ در روایات دیگر نیز «متقین» به شیعیان و «غیب» به حجت غایب تفسیر شده است^(۲).

همچنین روایت شده است: «کسی که منتظر امر ما باشد (ظهور مهدی) و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت می بیند، صبر کند، فردا (روز رستاخیز)، در جرگه ما خواهد بود»^(۳).

دو. وظایف دینی و اعتقادی

۱-۲. ثبات قدم در دین داری

پیروی از پیشوایان معصوم، پای فشردن بر شاخص های زندگی سالم، اجرای حدود الهی، حق مدار ماندن، تقویت ایمان و اعتقاد و داشتن ثبات قدم در دین داری، گرفتار نیامدن در دام بدعت ها و انحرافات و... از بایسته های اساسی عصر غیبت است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت! فرزند به پا خاسته من غایب خواهد شد... پس هر که روزگار غیبت وی را درک کند؛ بر ریسمان محکم دین خدا چنگ زند و بر ابلیس خبیث راهی نگشاید که با افسون شک و تردید، او را از آیین من، دور و از دین من بیرون سازد»^(۴).

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند! او غیبتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آنان را بر قول امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش، موفق کرده است»^(۵).

ص: ۹۸

۱- یوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۵۶، ح ۳۶۱

۲- الزام الناصب، ص ۱۳۷

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶

۴- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۹

۵- بحار الانوار، ج ۵۱، ۷۲؛ کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۷۶

مؤثرترین وسیله برای ایجاد رابطه روحی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز عامل مؤثر در ظهور آن حضرت، دعای مردم برای فرج آن حضرت است. در کتاب مکیال المکارم، برای دعا در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صد فایده مهم نقل شده است؛ از جمله:

۱. دعا برای فرج، موجب فرج خواهد بود.
۲. موجب زیاد شدن نعمت پروردگار می شود.
۳. سبب ناراحتی و اضطراب شدید شیطان می گردد.
۴. باعث کامل شدن ایمان است.
۵. با ارزش ترین اعمال و اجر رسالت پیامبر است.
۶. موجب دعا کردن متقابل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دعا کننده است.
۷. موجب نجات از فتنه های آخرالزمان و سالم ماندن از هلاکت روحی است و... (۱).

۲-۳. شناخت و معرفت امام

یکی از وظایف و بایسته های مهم منتظران، شناخت امام علیه السلام و آشنایی و ارتباط هر چه بیشتر با آن حضرت است. شناخت امام علیه السلام به حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر شیعه و سنی آمده است: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است» (۲). این معرفت هم شامل نام و نسب می شود و هم شامل اوصاف و ویژگی ها و هم اهداف و برنامه ها می باشد. به همین جهت در یکی از دعاهای معتبر و معروف می گوئیم: «اللهم عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرَفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرَفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ فَأَنْتَ أَنْ لَمْ تُعَرَفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ

ص: ۹۹

۱- ر.ک: مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۲۶ - ۶۴۹

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰؛ ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۳۷۲

۴-۲. ارتباط و پیوند با ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

۵-۲. توسل و زیارت آن حضرت

بایسته است شیعیان منتظر در همه حالات - به ویژه هنگام شداید و سختی ها و تهاجم دشمن - به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، توسل شوند و رفع مشکل خود را از مولای خود بخواهند؛ چنان که توصیه شده هنگام سختی گفته شود:

«یا صاحب الزمان اغثنی: یا صاحب الزمان ادرکنی» (۲).

در این رابطه زیارت روز جمعه، زیارت یاسین، دعای عهد و... را بخوانند (۳) و با امام خود، ارتباط قلبی و انس درونی فراهم سازند.

۶-۲. صدقه و زیارت از طرف امام علیه السلام

صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت از اوصاف منتظران و دوستان حقیقی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اعمالی چون قرائت قرآن، حج، طواف، زیارت مرقد ائمه علیه السلام و هر کار خیر دیگری را می توان به نیابت از آن حضرت به جای آورد و ضمن اظهار ارادت و دوستی واقعی خود، یاد و نام او را همیشه در دل و جان خود زنده نگه داشت. سید ابن طاووس در کشف المحججه سفارش می کند: «صدقه دادن از سوی آن جناب را، پیش از صدقه دادن از سوی خود و عزیزانت، قرار ده و دعا برای آن حضرت را، بر دعا کردن برای خودت مقدم بدار و نیز در

ص: ۱۰۰

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲

۲- مختصر نجم الثاقب، ص ۱۳۳

۳- ر.ک: سیمای آفتاب، ص ۲۹۲ و ۲۹۳

هر کار خیری که مایه وفای به حق آن حضرت است، آن بزرگوار را مقدم بدار که سبب می شود به سوی تو توجه فرماید و به تو احسان کند» (۱).

۷-۲. تسلیم بودن و عدم تعیین وقت

روزی مهزم به امام صادق علیه السلام، عرض کرد: فدایت شوم! خبر ده مرا از این امری که منتظرش هستیم کی خواهد بود؟ امام فرمود: «ای مهزم! تعیین کنندگان وقت دروغ می گویند و عجله کنندگان هلاک می گردند و تسلیم شدگان نجات اند» (۲).

همچنین در تفسیر آیه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (۳)، فرمود: «این امر ما است، خدای عزوجل امر فرموده که در آن عجله نشود تا اینکه سه لشکر آن را تأیید کنند: فرشتگان، مؤمنان و

رعب؛ خروج قائم، همانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود...» (۴).

سه. وظایف سیاسی و اجتماعی منتظران

اشاره

عرصه سیاست و اجتماع، مهم ترین میدان بروز و ظهور بایسته های انتظار و مؤثرترین زمینه در جهت تحقق اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت و قبل از قیام ایشان است. بعضی از وظایف و بایسته های سیاسی و اجتماعی منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عبارت است از:

۱-۳. مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر

علاقه مندان و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هیچ گاه نباید سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او را فراموش کنند؛ بلکه باید همواره آن را در نظر داشته و آماده پیوستن به قیام جهانی

ص: ۱۰۱

۱- کشف المحجبه، ص ۱۵۲

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۶۸

۳- نحل (۱۶)، آیه ۱

۴- الغیبه النعمانی، ص ۱۰۴

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و در عین حال خود علیه ظلم و ستم و فساد، مبارزه کنند.

رسول گرامی اسلام فرمود: «لا يزالون قوم من امتی یقاتلون علی الحقّ ظاهرين الى يوم القيامة»؛^(۱) «همواره گروهی از امت من تا روز رستاخیز، پیروزمندانه در راه حق نبرد می کنند».

۲-۳. حق خواهی و حق مداری

تاریخ، صحنه حضور و نزاع دو گروه حق و باطل و دو اندیشه طغیان گری و حق گرایی است؛ راه حق و صلاح، راه پیامبران و صالحان و راه باطل و کفر، راه شیاطین و سردمداران زر و زور و تزویر است. این دو گروه و نبرد میان آنها، همیشه در جامعه بوده و همه منتظران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، باید پیرو و طرفدار حق و مخالف و دشمن باطل باشند. با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود و منتظران ظهور نیز در هر حال باید برای چنین مصافی آماده باشند و خود نیز باید حق و حق خواهی را محور و مدار برنامه ها و فعالیت هایشان قرار دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می فرماید: «لا تزال طائفة من أمتی علی الحقّ ظاهرين حتی یأتی امرُ الله»؛^(۲) «گروهی از امت من همواره حق را آشکار می کنند تا فرمان خدا (امر ظهور) فرا رسد».

۳-۳. استقامت و ایستادگی در سختی ها

«انتظار ظهور»، یکی از بزرگ ترین عوامل پایداری، استقامت و مقاومت در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت است. انتظار مسلمانان - به ویژه شیعیان - را در برابر ظلم ها، فسادها، زورگویی ها و انواع بلاها و سختی ها، ثابت و پا برجا نگه می دارد و به آنان دل و

ص: ۱۰۲

۱- نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۱۴

۲- نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲

جرات می دهد تا در برابر تهدیدها، تطمیع ها و سخت گیری های دشمنان اسلام، خود را نبازند و از هیچ چیز و هیچ کس نهراسند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان صدر اسلام فرمود: «بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر یک از آنها برابر پاداش پنجاه نفر از شما است». گفتند: ای رسول خدا! مگر نه این است که ما در حضور شما، در بدر و احد و حنین شرکت کردیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: «اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می داد؛ شما نمی توانستید چون آنها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید»^(۱).

امام حسین علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«... اما الصابر فی غیبه علی الاذی و التکذیب، بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله»^(۲). «... کسانی که در زمان غیبت او در مقابل آزار و تکذیب، استقامت می کنند، مانند کسانی اند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند».

۴-۳. کسب آمادگی برای ظهور

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم (سلاحی) مهیا کند - هر چند یک تیر باشد - خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند (و از یاران و همراهانش قرار گیرد)^(۳)». پس برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاری آن حضرت، باید در هر لحظه ای آماده بود و خود را مهیا نگه داشت و این شامل آمادگی نظامی، جسمانی و... می شود؛ اما مهم تر از همه آمادگی فکری، علمی و سیاسی در عصر غیبت است.

ص: ۱۰۳

۱- منتخب الاثر، ص ۵۱۵؛ الغیبه طوسی، ص ۲۷۵

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳

۳- الغیبه النعمانی، ص ۳۲۱، ح ۱۰

مهم ترین چیزی که در عصر غیبت واجب است، یکپارچگی و اتحاد شیعیان و پای بندی به عهدشان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. هرگونه اخلال در صفوف متحد منتظران، منافی با وظایف دینی آنان و کمک به دشمنان آن حضرت است.

امام رحمه الله در توفیق معروف خود به شیخ مفید رحمه الله می نویسد: «ولو انّ اشیاعنا - وفقهم الله لطاعه - علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعاده بمشاهدتنا علی حق المعرفه منهم بنا»؛ (۱) «اگر شیعیان ما - که خداوند به اطاعت خویش موفقشان بدارد - در وفا به پیمانی که با ما دارند، یکپارچه می شدند و هرگز از میمنت ملاقات ما محروم نشده و ظهور ما به تأخیر نمی افتاد و البته سعادت حضور در محضر ما، با معرفتی حقیقی هر چه زودتر نصیبشان می شد».

۶-۳. رعایت حقوق دیگران

از مهم ترین امور در زندگی محبان و منتظران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است. انسان منتظر، نمی تواند به گونه ای زندگی کند که حقوق دیگران بر عهده اش باشد و در عین حال خود را دوستدار و منتظر مهدی موعود بداند؟!

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: «ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می کند، برای او این قول که دوست اهل بیت هستم، کافی است؟! سوگند به خدا، شیعه ما نیست، مگر کسی که پرهیزگار بوده و اطاعت از خداوند کند. شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع، خشوع، امانت داری، بسیار در یاد خدا بودن... ای جابر! به ولایت و دوستی ما، جز از راه عمل و پرهیزگاری نمی توانی برسی (۲)». به همین جهت امام صادق علیه السلام وظایف شیعیان را در رابطه با

ص: ۱۰۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸

۲- کافی، ج ۳، ص ۷۴

برادران مسلمان خود، چنین معرفی می کند: آنچه را برای برادر مسلمانان دوست بداری که برای خودت دوست می داری؛ از خشمگین کردن برادر مسلمان دوری کنی و آنچه را که مورد رضایتش است، انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی؛ چشم و راهنما و آینه او باشی و... وقتی چنین کردی، دوستی خود را، به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای (۱)».

۷-۳. اطاعت از نایبان امام علیه السلام

عصر غیبت، دوران پنهان زیستی امام و عدم دسترسی به او است؛ در این صورت برای اخذ احکام و تعالیم دینی و عمل به وظایف و تکالیف سیاسی، اجتماعی و عقیدتی، باید به نایبان عام آن حضرت مراجعه کرد و به ولایت و رهبری آنان گردن نهاد. فقها و علما، به عنوان جانشینان امام معصوم علیه السلام، راهبران جامعه و هادیان امت و محل رجوع مردم هستند و احکام دینی را با اجتهاد و تفقه خود، به آنان ابلاغ می کنند

وظایف خاص کارگزاران منتظر

اشاره

در قرآن، آیاتی وجود دارد که ویژگی های برشمرده آنها را، می توان بر اساس آنها وظایف خاص کارگزاران و مسؤولان جامعه منتظر را تبیین کرد. قرآن می فرماید:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)) (۲)؛

براساس این آیه خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت دین بر می انگیزد و اوصاف کسانی را که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند، چنین شرح می دهد:

ص: ۱۰۵

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۹

۲- مائده (۵)، آیه ۵۴.

۱. آنان عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی اندیشند. هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنان خدا را دوست دارند. «صلی الله علیه وسلم يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ»

۲. در برابر مؤمنان خاضع و فروتن هستند. «صلی الله علیه وسلم أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

۳. در برابر ستمکاران قدرتمند هستند. «أَعَزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»

۴. جهاد در راه خدا برنامه همیشگی آنهاست. «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

۵. ثابت قدم بوده و از ملامت کنندگان باکی ندارند. «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»

در پایان می فرماید: «به دست آوردن این امتیازات (علاوه بر کوشش شخصی)، مرهون فضل الهی است که به هر کس شایسته باشد، داده می شود. «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». در روایتی از امام صادق علیه السلام اوصافی برای یاران حضرت مهدی بیان شده که با اوصاف مذکور در آیه هماهنگ است (۱).

به طور کلی می توان وظایف و مسؤولیت های کارگزاران منتظر را براساس ویژگی های یاران خاص حضرت را در روایات چنین شمارش کرد:

۱. خلوص اعتقاد و توحیدگرایی

«كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زَبْرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدَّ مِنَ الْحَجَرِ»

یاران حضرت حجت در اعتقاد خود باید چنان از درجه بالای خلوص برخوردار باشند که لحظه ای شک و تردید در دل آنها سایه نگسترده و کنج قلبشان را به تسخیر نیاورد؛ بلکه با سراسر وجود او را ادراک کرده و در همه حال خود را در حضور او یابند؛ از اشعه آفتاب توحیدشان هیچ زاویه مبهم و تاریکی بی بهره نماند و حصار قلب توحیدی اینان چنان پاره های آهن باشد که یغماگران شرک و کفر و بی مبالاتی در آن هیچ راهی نداشته باشند.

ص: ۱۰۶

۲. توانمندی و قدرت اراده

باورداران حضرت باید چنان قوی و با اراده و ذوفنون باشند که اگر بر کوه ها یورش برند، آنها را از بن بر کنند. در راه پیشبرد اهداف و اغراض خود چنان سخت عزم باشند که اگر کوه ها از جا کنده شود، اینان خم به ابرو نمی آورند و چرا اینگونه نباشند که اهل تقوایند و «إِنَّ التَّقْوَىٰ أَعَزُّ عِزًّا؛ فِیهِ نَجَاهٌ كُلُّ هَارِبٍ وَ دَرَكٌ كُلُّ طَالِبٍ وَ ظَفَرُ كُلِّ غَالِبٍ»^(۱) و این اکسیر تقواست که زندگی قدرتمندانه را به ارمغان می آورد که: «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَاشَ قَوِيًّا»^(۲)، البته بدیهی است که هیچ قدرتی بی فیض علم صورت تحقّق نمی بندد، پس یاران آن حضرت از لحاظ دانش همه در مرتبه والایند.

۳. عشق والا به امام علیه السلام

مهمترین گام برای قرار گرفتن در مسیر انتظار صحیح، ارادت و عشق به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایبندی به راه و آرمان ایشان است. کارگزاران در جامعه مهدوی، باید ارتباطشان با مولای خود بیشتر از همه و ولایت مداری و تولای آنان قوی تر از همه باشد.

۴. از خودگذشتگی و ایثار

باورداران حضرت حجت علیه السلام با دل و جان، باید در راه تعالی آمران های دینی و آموزه مهدویّت بکوشند جان را فدای آن جانان کنند، که جان تحفه ناقابلی است.

۵. داشتن کفایت کافی و وافی

باورداران حضرت مهدی باید کفایت زیادی جهت انجام وظایف محوله داشته باشند؛ چرا که کفایت، مشروب از زلال علم است و آن یاد گرفتن دانش های لازم، کارها را به نحو

ص: ۱۰۷

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۷۴، از حضرت علی علیه السلام .

۲- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۳، از حضرت علی علیه السلام .

احسن و اتم، انجام دهند و مراد حضرتش را در داشتن یک جامعه الهی، حاصل نمایند.

۶. شجاعت و دلاوری

منتظران واقعی حضرت باید شیران روز باشند و پگاه را بر فراز سمندهای تیز پای خود پیشواز کنند و از هرگونه بطالت و اهمال و لهو و لعب به دور باشند. و در انجام کارها شجاعت، توانایی و جدیت به خرج دهند. در فرهنگ دینی، تلاش پربار و اثره ای است که ژرفناک ترین معانی را حمل می کند. آری مصداق بارز فرمایش مولای متقیان اند که «و أمّا النهار فحلّماء علماء أبرار و أتقیا» (۱).

۷. عبادت خالصانه

یاران آن حضرت باید شیفته عبادت باشند. به خاطر خدا رو به قبله عشق آورند و از عبادت تجارت پیشگان و برده صفتان سخت احتراز می جویند. اینان محصول کمال را از سرزمین زرافشان سجاده درو می کنند و از خمخانه آن، هر فضیلت دیگر را صبغه الهی می زنند و صفای اندرون را که لیاقت هم صحبتی و انس و یادگیری حضرتش را ارزانی می دارد، از میخانه سجاده حاصل می کنند.

۸. فرمانبری و اطاعت محض

کارگزاران نظام دینی باید بر اطاعت بی چون و چرای مولای خود کمر بندند و دل در رضای او بسپارند و هر آنچه او بخواهد آن را حق محض و محض حق شمرند. اینان ولایتمداران سر سپرده و بی همتاوند که به هیچ رو از خط فرمان ولی خود سربر نمی تابند و از دستورات و تعالیم او تبعیت می کنند.

ص: ۱۰۸

کارگزاران در جامعه منتظران باید چراغ های روشن هدایت باشند و سرچشمه های حکمت در اثر تقوای محض از سرزمین قلبشان بر زبانشان جاری باشد و سراسر وجودشان بارقه لطف ازل را نمایان سازد و در ظلمت اندیشه ها از قندیل قلبشان پرتو افشانیها کند.

۱۰. خدمت گزاری

مهم ترین ره توشه راه انتظار، خدمت گزاری به خلق خدا و تلاش و کوشش در جهت برآوردن حوایج آنان است به این خواسته ای است بحق که به طور کامل در عصر ظهور، تحقق خواهد یافت.

پاداش منتظران

بجاست که در بخش پایانی از فصل انتظار، از فضیلت و رتبه بی نظیر جرعه نوشان جام انتظار سخن بگوییم و نمونه هایی از کلمات پیشوایان دین را بیاوریم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خوشا به حال شیعیان قائم ما (اهل بیت)، آنها که در دوران غیبت او، ظهورش را انتظار دارند و در ایام ظهورش سر به فرمان او می آورند. آنها دوستان خدایند که هیچ ترس و اندوهی برای ایشان نخواهد بود.»^(۱)

و چه افتخاری از این برتر که مدال دوستی پروردگار را بر سینه دارند. و چرا باید گرفتار غم و اندوه شوند و حال آنکه زندگی و مرگ آنها ارزشی گران پیدا کرده است.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد خداوند پاداش هزار شهید از

ص: ۱۰۹

آری آنان که در دوران غیبت بر ولایت امام زمان خود باقی بمانند و عهد و پیمان خود با آن بزرگوار را استوار دارند مانند رزمندگان هستند که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه به خون خود غلطیده اند!

منتظرانی که جان بر کف به انتظار یاری فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایستاده اند از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر کسی از شما (شیعیان) بمیرد در حالی که منتظر امر (فرج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد همانند کسی است که در کنار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و در خیمه اش بوده است! سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر زده است! سپس فرمود: نه به خدا قسم؛ بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیده باشد.» (۲)

این گروه همان جماعتی هستند که قرن ها پیش، پیامبر بزرگ خدا آنها را برادران و رفقاء خود خوانده است و دوستی و موَدت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزی پیامبر در حضور گروهی از اصحاب خود فرمود: خدایا برادران مرا به من نشان ده! و این جمله را دو بار فرمود: اصحاب حضرت گفتند: ای رسول خدا آیا ما برادران تو نیستیم؟!»

فرمود: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند در آخرالزمان؛ که به من ایمان می آورند و حال آنکه هرگز مرا ندیده اند! خداوند آنها را به اسم خود و پدرانشان به من معرفی کرده است... استواری هر یک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تر است. آنها مشعل های هدایت هستند

ص: ۱۱۰

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۱، ح ۶، ص ۵۹۲.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تار نجات می بخشد.»(۱)

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خوشا حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و حال آنکه پیش از قیامش به او اقتدا کرده باشد. با دوستان او دوستی و از دشمنان او بیزاری جسته باشد و امامان پیش از او را نیز دوست داشته باشد. آنها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی ترین امت من نزد من هستند.»(۲)

و اینان که به چنین مقام و رتبه ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست یافته اند به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می شوند! آن هم ندایی که مملو از محبت و عشق است و حکایت از نهایت تقرب و نزدیکی آنها به محضر حضرت حق دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزگاری بر مردم می آید که امامشان غایب خواهد بود پس خوشا حال آنان که در آن زمان بر امر (ولایت) ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آنها این است که حضرت پروردگار آنها را ندا می دهد که: ای بندگان من، به سر من (و امام غایب) ایمان آوردید و او را تصدیق کردید پس شما را بشارت باد به پاداش نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می پذیرم و از خطاهای شما می گذرم و به (برکت) شما باران را بر بندگانم نازل می کنم و بلا را از ایشان می گردانم و اگر شما (در میان مردم) نبودید حتماً عذاب خود را [بر مردم گنهکار] می فرستادم.»(۳)

ولی به راستی چه چیز منتظران را آرام می کند و انتظار آنها را پایان می دهد؟ چه چیز روشنی چشم ایشان است و دل بی قرار آنها را قرار و آرام می بخشد؟ آیا آنان که عمری به

ص: ۱۱۱

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲- کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۳- کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

جاده انتظار چشم دوخته اند و در همین مسیر با همه سختی هایش راه پیموده اند تا به دشت سر سبز موعود منتظر پای گذارند به پاداشی کمتر از هم نشینی با محبوب و معشوق خود راضی می شوند؟! و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه ای از این باشکوه تر!

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«خوشا حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ ززند و بر دوستی، و بیزاری از دشمنانمان استوار بمانند. آنها از ما هستند و ما از آنها. آنها به پیشوایی ما راضی شدند (و امامت ما را پذیرفتند) و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا حال ایشان!! به خدا قسم اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.»^(۱)

ص: ۱۱۲

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵، ص ۴۳.

یکی از پرسش‌های اساسی در مورد «عصر ظهور»، چگونگی تعلیم و تربیت مهدوی و امکان اصلاح اخلاقی و تغییر و تحولات روحی و معنوی در انسان‌ها و دوری آنان از معصیت، فسادگری، جنایت و بیداد است؛ یعنی، آیا انسان‌ها واقعاً خوب و صالح می‌شوند و در چه ابعادی امکان‌الگو برداری از آن ممکن است؟

بر اساس روایات پاسخ این سؤال، روشن و مثبت است؛ یعنی، در سایه تعلیم و تربیت و دانایی و پارسایی، آنان گام در جاده راستی و درستی می‌نهند و به رشد فکری و اخلاقی می‌رسند. در واقع اصلاح کامل و همه‌جانبه رفتار، اخلاق، پندار و گفتار انسان‌ها به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و در پرتو دولت اخلاقی مهدوی صورت می‌گیرد و جلوه‌های ویژه‌ای از تعلیم و تربیت دینی آشکار می‌شود.

بیان چرایی و چگونگی این دگرگونی روحی و انقلاب اخلاقی، می‌تواند راهگشای بسیاری از نگرش‌ها و رویکردهای معرفتی درباره امکان اصلاح انسان و رفع مشکلات عدیده بشر و تعلیم و تربیت او در همه سطوح باشد. بحث تعلیم و تربیت، منحصر در فعالیت‌های رسمی آموزش و پرورش _ آن هم در سطح گروه سنی کودک و نوجوان _ نیست؛ بلکه انسان در هر حال نیاز به تعلیم و تربیت دارد و این رسالت عظیم پیامبران و امامان بوده است. در نگاه روشن بینانه ادیان آسمانی، مهم‌ترین مانع رشد و تعالی انسان و فرو رفتن وی در کاستی‌ها و ناراستی‌ها، عدم تعلیم و تربیت صحیح و الهی است و تنها راه نجات و سعادت او، قرار گرفتن تحت تعلیم و تربیت دینی است. تعلیم و تربیت صحیح و واقعی، در صدر اسلام و به

دست نبی مکرم و عترت پاک او، به اوج رسیده و در عصر ظهور و به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شکوفا و بارور می شود؛ یعنی، انسان در پرتو رشد فکری و اخلاقی راه کمال و سعادت را می پوید و از گردنه های سخت کژی و انحراف عبور می کند. دست رحمت و نجات بخش الهی، انسان ها را از ورطه فساد و تباهی خارج می کند و در ساحل معنویت و نورانیت قرار می دهد.

انسان تربیت یافته و خردورز، پیشوایی و امامت منجی موعود را مغتنم شمرده و به آن می بالد. در پرتو ارشاد و هدایت گری او، روحی تازه در کالبد قلوب مرده و طغیانگر دمیده می شود و زخم های ناراستی و شهوت آلودگی جامعه منحنی، ترمیم می شود و....

خداوند در قرآن کریم در مورد یکی از حکمت های نبوت می فرماید:

((وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ))^(۱)؛ «پیامبر زنجیرها و مشقت ها (جهالت و هواپرستی) را از آنها (مردم) بر می دارد».

در اینجا منظور از زنجیر و مشقت، بندها و زنجیرهای مادی نیست؛ بلکه مقصود زنجیرهای نادانی و فساد است که پیامبر اکرم با هدایت ها و تلاش های فراوان فرهنگی، آن ها را از انسان ها بر طرف ساخت. در عین حال از هدایت های تکوینی ویژه ای نیز استفاده کرد و در دل و جان مردم مشرک و فاسد نفوذ معنوی داشت و تأثیرات عمیقی بر آنان گذاشت.

قرآن در این رابطه می فرماید:

((هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ))^(۲)؛ «او است که در میان قوم بی کتاب، پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و پاکیزه شان می دارد و به آنان کتاب و حکمت می آموزد».

ص: ۱۱۵

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.

۲- جمعه (۶۲)، آیه ۲.

بر اساس این آیه، تکامل وجود انسان از جنبه های علمی و عملی و تزکیه و تهذیب او، به عنوان هدف نهایی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده است و یکی از زمینه ها و بستر های رسیدن به این هدف، بصیرت بخشی و علم آموزی به انسان است. امام علی علیه السلام می فرماید:

«خداوند فرستادگان خود را در میان مردمان بر انگیخت و پیامبران خویش را پیاپی روانه کرد تا از آنان رعایت میثاق فطری الهی را باز طلبند و نعمت های فراموش شده خدایی را به آنان یاد آور سازند و نیروهای پنهان عقل آدمی را آشکار کنند (یشروا لهم دفائن العقول) و آیات بهنجار آفرینش را به مردمان بنمایانند...» (۱).

بر این اساس نقش اصلی دعوت پیامبران، گسترش دانایی و آموزش و تعلیم است و ایمان و معرفت، خود از شاخه های دانایی به شمار می رود. پیامبران به انسان ها، راه و رسم زندگی و هدف و نتیجه آن را می آموختند و ارزش انسان و والایی مقام و نقش برجسته او در کائنات و توانایی و ظرفیت وجودی او را در رسیدن به تکامل فراگیر و تعالی روحی، به وی یاد آور می شدند. در پرتو چنین تعلیمی، نیروی تفکر و خردورزی را در او بیدار می کردند و به اندیشه درباره مبدأ و معاد و کشف رموز و اسرار آیات الهی و او می داشتند. البته در کنار این و فراتر از آن، به تزکیه و تهذیب او اهمیت داده و راه رسیدن به کمال را در اخلاق متعالی و معنویت دینی می دانستند.

عصر ظهور، عصر شکوفایی و بالندگی انسان، در پرتو تعلیم و تربیت واقعی و رسیدن او به بصیرت اخلاقی است و آن با ساز و کارها و شیوه های گوناگونی محقق می شود که مهم ترین آنها تربیت عقلانی است؛ یعنی، شکوفا کردن عقل و خرد آدمی (برای باور عمیق و ژرف نسبت به آموزه های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده کردن فطرت و سرشت پاک آدمی و تزکیه نفس آلوده. در واقع چند مؤلفه مهم اخلاقی _ فکری در این نظام قابل شناسایی

ص: ۱۱۶

است.

انقلاب بزرگ فرهنگی و اخلاقی؛

بالا بردن سطح دانایی و خرد ورزی انسان؛

ریشه کنی عوامل فساد و تباهی فرد و اجتماع؛

کمک گرفتن از عقل و خرد در جهت شناخت مبدأ و معاد و نیکی ها و زشتی ها؛

کمک به قدرت انتخاب گری مردم در جهت دادن به آنها برای تغییر وضع نابسامان خود؛

رشد توأم فکری و اخلاقی انسان (تزکیه و تعلیم مردم)؛

مهدب کردن اخلاق مردم و آشنا ساختن آنان با فضایل انسانی و...

روشن است برای نجات انسان ها از گرداب ضلالت و جهالت و اصلاح جوامع و کاستن از مشکلات عدیده، باید سازوکارها و شیوه های مختلفی به کار گرفته شود و از ابزار و امکانات مناسبی استفاده گردد. در عصر ظهور از همه امکانات و مکانیسم های ممکن برای به سازی اخلاق و پاک زیستی انسان و ایجاد محیط سالم و متعالی بهره گرفته خواهد شد و این در پرتو عنایات الهی و شخصیت، قدرت و درایت ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن خواهد بود. در این قسمت سازوکارها و مکانیسم های برگرفته از روایات و منابع دینی، ذکر می شود:

۱. شکوفاسازی عقول انسانی

مهم ترین مکانیسم رسیدن به بصیرت اخلاقی، کمال فکری است؛ یعنی، توجه ویژه دین به شکوفا کردن عقل و خرد آدمی و بالا بردن سطح دانایی و روشن بینی او. پس نخستین و اساسی ترین مکانیسم، شکوفایی بعد فکری و عقلی انسان ها است.

عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفا سازی و تربیت این موهبت ارجمند الهی، رسالت تمامی ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

اسلام، به عقل و تعقل بسیار اهمیت داده و تربیت اخلاقی را به نوعی تربیت عقلانی و

بازپروری قوه استدلال می‌داند. فلاسفه و متکلمان شیعی - از جمله شیخ طوسی، شیخ مفید، فارابی، بو علی سینا و... - بر این باورند که عقل آدمی، توان شناسایی حسن و قبح افعال را داراست و عقلی دانستن حسن و قبح را نیز به این معنا می‌دانند که عقل آدمی، می‌تواند در ابتدا به حسن و قبح عملی پی‌ببرد.

محتوای برخی از روایات، این است که اساساً زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است؛ زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند باز می‌دارد و او را به پاکی‌گزینی و روشن‌بینی ایمانی و اخلاقی دعوت می‌کند. به عبارت دیگر عقل همانند پیامبر بیرونی است که انسان‌ها را از ارتکاب اعمال زشت باز می‌دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَنَزَّهَ مِنَ الْعُيُوبِ»^(۱)؛ «خردمند کسی است که خود را از گناهان بر حذر داشته، خود را از عیوب پاک سازد.»

و نیز:

«الْعَاقِلُ مَنْ قَمَعَ هَوَاهُ بِعَقْلِهِ»؛ «خردمند کسی است که در پرتو عقلش، بر هواهای نفسانی پیروز گردد.»

با توجه به سخنان امام علی علیه السلام عقل عبارت است از: نیروی تشخیص و ادراک حق و باطل در «قلمرو نظر» و خیر و شر در «قلمرو عمل» از یک سو و بازدارنده از اعمال گناه و هدایت‌کننده به اعمال صالحه از سوی دیگر.

پس برای برخورداری از روحيات متعالی و اخلاقی، در درجه اول باید به پرورش خرد و عقل پرداخت. طبیعی است وقتی علت، پرورده باشد، معلول نیز قوی‌تر و استوارتر به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَ الْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَ الْفَهْمُ الْحِفْظُ وَ الْعِلْمُ»؛ «ستون وجودی انسان، عقل است و هوشمندی و فهم و حفظ و دانش از عقل»

ص: ۱۱۸

وصول به کمالات اخلاقی در پرتو نیروی خرد و عقل امکان پذیر است و هر مقدار عقل دچار رکود گردد، به همان نسبت امکان رشد اخلاقی ممتنع خواهد بود. رسول خدا در روایتی می فرماید:

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ»؛ «همانا همه نیکی ها و کمالات در پرتو عقل عاید انسان می گردد».

البته آنچه در امر تربیت عقلانی از اهمیت برخوردار است، بذل توجه به پرورش عقل الهی است؛ چرا که انسان سعادت مند در مکتب اسلام، کسی است که علاوه بر تربیت یافتن در عقل معاش، عقل معاد نیز در وی رشد یابد. به نظر مرحوم نراقی: عقل برترین قوه وجود آدمی است و با پیروی از آن است که دیگر قوا تعدیل شده و به فضایل مربوط دست می یابند. (۲).

در روایت بسیار قابل توجهی، به این بعد از کمال فکری و عقلی بشر _ که در عصر ظهور در حد بالایی خواهد بود _ اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ» (۳)؛ «وقتی قائم قیام کند، دست (عنایتش) را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل آنها زیاد شده و فهمشان بالا می رود (کامل می گردد)».

به نظر می رسد این جمله، کنایه از تربیت امت اسلامی توسط امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و تعبیر از «رؤوس» (سرها)، به آن دلیل است که مردم سر را مرکز خرد و اندیشه می دانند و دست بر سر نهادن کنایه از اقتناع و تربیت است و فرقی نمی کند که خداوند مربی باشد و یا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ زیرا قانون مهدوی، همان قانون الهی است و تربیت او، آیت تربیت پروردگار بلند مرتبه می باشد. بدین ترتیب نتیجه طبیعی و مطلوب تربیت _ که عبارت از گرد آمدن عقل ها

۱- مبانی اخلاق اسلامی، ص ۱۲۵.

۲- علم اخلاق اسلامی، ص ۹۶.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵، ج ۱.

و تکامل اندیشه ها است _ به بار می نشیند. (۱)

در این صورت معنا چنین می شود: در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می شود و همه آنان هدایت می یابند و به سر منزل مقصود (کمال) می رسند.

۲. فرهنگ سازی جامع

عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه ها و آداب و رسوم ناسالم و غیر مفید است. همچنین عصر فعالیت های گسترده فرهنگی است؛ یعنی، بعضی از مشکلات و کاستی های جامعه، از طریق فرهنگی (تبلیغی و آگاهی بخشی و ارشادی)، قابل حل است و اقدامات حکومت جهانی نیز، بیشتر ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. در این برهه نورانی، انسان ها به عمق و زشتی مفسد اخلاقی و کژتابی های فکری و عملی پی می برند و از آلودگی ها بی زار می گردند و این تنها در سایه ترویج و تعمیق «فرهنگ برتر دینی» و یا «فرهنگ سازی جامع» است؛ یعنی، فرهنگ سالم دینی در همه سطوح گسترش می یابد و ماهیت امور فرهنگی می شود.

در روایتی می فرماید:

«يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ...» (۲)؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و... دعوت می کند.»

۳. تأثیر گذاری معنوی (ولایت تکوینی)

این نفوذ و اثر گذاری ژرف و درونی، بر اساس ولایت هدایت و پرورش معنوی امام

ص: ۱۲۰

۱- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۶۰.

۲- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ج ۴۹.

معصوم علیه السلام صورت می گیرد. هدایت معنوی و ارتقا و پرورش فرد و جامعه، بر عهده پیامبران و امامان است (جَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا) و مستلزم اختیارات ویژه و قدرت نفوذ درونی و سلطه و ولایتی خاص است که به وسیله آن، احیای دل های مرده و زنگار گرفته و ارتقای ارواح و پرورش قلوب و هدایت معنوی انسان ها، برای امام میسر می گردد.

در شرایط سختی که موانع و مشکلات فراوانی فراروی مصلحان الهی قرار دارد؛ ناگزیر حکمت الهی ایجاب می کند که امام از قدرت ویژه ای برخوردار باشد تا بتواند علی رغم ظلمات، موانع و حجاب ها، از یک سو در عمق جان های مرده و وجدان های خفته و فطرت های زنگار گرفته، نفوذ کند و در آنها تصرف نموده و تحول ایجاد کند و از سوی دیگر در وجدان و تفکر عمومی جامعه، روح و حیاتی جدید بدمد و فرد و جامعه را در سیر تکاملی قرار دهد. (۱)

در روایت دیگری آمده است:

«وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ وَ فَلَا يَنْقِي مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ...» (۲)؛ «... و دستش را بر سر بندگان خدا می نهد و دل هر مؤمنی از پاره های آهن محکم تر می شود...».

۴. تزکیه و تهذیب نفوس

پالایش درون در قرآن، با عنوان «تزکیه» و «تزکی» مطرح شده است. این دو از نظر لغوی به معنای پاک نمودن و یا پاک شدن از آنچه که باید از آن پاک شد و از نظر اصطلاحی، پاکیزه ساختن نفس از شرور و آلودگی ها است. بزرگ ترین هدف پیامبران، تهذیب و تزکیه نفوس انسانی بوده است. پالایش نفوس؛ یعنی، سوق دادن انسان ها به خود سازی، کسب فضایل اخلاقی، ریشه کنی گناهان و قرار دادن در میدان جهاد اکبر و ریاضت های شرعی و پاکسازی

ص: ۱۲۱

۱- ر.ک: عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۲، ص ۳۲۸.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۰، صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.

قلب از خود خواهی، هوس بازی، قساوت و معصیت.

عصر ظهور به راستی، دوران تزکیه و تطهیر نفوس است؛ هم با برنامه های پیامبرانه امام زمان و هم با آگاهاندن و سوق دادن مردم به آن. در روایتی طهارت انسان ها در آن دوران چنین مطرح شده است:

«وَفِي أَيَّامِ دَوْلَتِهِ تَطْيِبُ الدُّنْيَا وَ أَهْلُهَا»^(۱)؛ «در دوران حکومت او، دنیا پاکیزه شده و اهل دنیا (مردم) ظاهر و نیک می کردند».

و نیز:

«لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ...»^(۲)؛ «کینه ها و دشمنی ها از دل مردم بیرون می رود...».

«يَفْتُحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُفْلًا»^(۳)؛ «قلعه های گمراهی و دل های غفلت گرفته را، باز می کند».

«هنجار پذیری»، فرآیندی است که منجر به انتقال آموزه های اخلاقی و مکارم انسانی و تثبیت آنها در افراد می شود. در این فرآیند (همچون جامعه پذیری)، ارزش های اخلاقی تبیین و تشریح می گردند و ضمن آگاه کردن انسان ها از آنها، زمینه های علاقه قلبی آنان و کشش درونی به آنها را فراهم می سازند. مهم ترین ویژگی هنجار پذیری انسان، فهم و پذیرش قوانین ثابت اخلاقی و تلاش برای گسترش و حاکمیت این اصول است؛ یعنی، مزین شدن به اصول ارزشی و پایبندی با معرفت به آنها. مهم ترین برنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حاکمیت ارزش های اخلاقی و آگاهی بخشی به مردم در این زمینه است:

«يُشِيرُ بِالتَّقَى وَ يَعْمَلُ بِالْهُدَى...»^(۴)؛ «تقوا و پرهیزگاری را مطرح می کند و بر

ص: ۱۲۲

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه . ج ۲، ص ۴۹۳.

۲- محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۶.

۳- سلیمان قندوزی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۵۸۸.

۴- محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

اساس هدایت گری رفتار می کند».

«دَعَاهِمَ إِلَىٰ حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرِهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ»^(۱)؛ «... او مردم را به حق (راه حق) فرا می خواند و به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم رفتار کرده و عمل او را مبنا قرار می دهد».

۵. مانع زدایی و تغییر ساختارهای فرهنگی

خودکامگی، فسادگری، هواپرستی، غفلت، استکبار، شیطنت و... موانع و سدهای بزرگی در راه رشد و تعالی انسان ها است و تا این موانع وجود داشته باشد، امکان رشد و بالندگی معنوی برای انسان ها فراهم نیست. موانع رشد و تعالی انسان ها در چند بعد قابل شناسایی است:

الف: بعد فرا انسانی؛ مهم ترین مانع برای شکوفایی انسان و رسیدن او به قرب و بندگی خداوند متعال، شیطان و اعوان و انصار او در گمراه سازی، اغواگری و افسادگری است. تا این منشأ اصلی آلودگی از بین نرود، بسیاری از جنایت ها، خیانت ها، حق کشی ها و معصیت ها و عبودیت های غیر الهی باقی خواهد ماند و با دفع او، وسوسه گری هایش نیز از بین خواهد رفت و این تنها در عصر ظهور و به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود:

و هب بن جمیل می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان فرمود: ((إِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ))، این وقت معلوم چه زمانی است؟ آن حضرت فرمود:

«خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی [قائم قیام می کند]، به مسجد کوفه می رود. در آن هنگام شیطان _ در حالی که با زانوان خود راه می رود _ به آنجا می آید و می گوید: ای وای بر من از امروز!! پس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد»^(۲).

ص: ۱۲۳

۱- مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳.

ب. بعد ساختاری؛ بسیاری از ساختارها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، نه تنها برنامه های بایسته و شایسته هنجاری و تربیتی ندارند؛ بلکه یا به طور ناقص و معیوب یک سری آداب و رسوم خشک را ترویج می کنند یا اینکه ایده های ناسالم و رویکردی شالوده شکن فرهنگی دارند و یا خود کانون فساد و تباهی اخلاقی هستند.

با حذف و تغییر این ساختارهای ضد فرهنگی و نهادهای مشکل زا و اصلاح برنامه ها و رویکردهای فرهنگی و نابودی کانون های فساد، می توان امیدوار به حل بعضی از کاستی های جوامع بود؛ همان گونه که در دوران ظهور چنین خواهد شد. روایات در این باره می گویند:

«يَفْتَحُ مَدَائِنَ الشَّرْكِ»؛ (۱) «کانون های شرک را می گشاید».

ج. بعد انسانی؛ پاره ای از آلودگی ها و ناهنجاری های جامعه، ناشی از فعالیت افسادگران و شیاطین انسی است؛ اشرار و ملحدانی که تمام همت خود را مصروف ستیزه با دین، هنجار زدایی، باطل گرایی، ترویج فساد و فحشا، دنیاگرایی، منفعت گرایی خشونت آمیز و... دارند و کانون ها و رسانه های وابسته به آنها نیز، مرکز اشاعه منکرات و ولابالی گری هستند. با حذف یا اصلاح این طراحان فساد و تباه گران، جوامع رو به اصلاح و پاکی خواهند رفت؛ امری که به یقین در عصر ظهور اتفاق می افتد:

«... تَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَ تُبْقَى الْأَخْيَارُ» (۲)؛ «اشرار و بدان نابود می شوند و نیکان و اخیار باقی می مانند».

و «يُبِيرُ بِهٖ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ وَيُهْلِكُ عَلٰى يَدِهٖ كُلَّ شَيْطٰنٍ مُّرِيْدٍ» (۳)؛ «به دست او هر جبار عنودی نابود می شود و هر شیطان سرکشی هلاک می گردد».

ص: ۱۲۴

۱- اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ج ۴.

۳- صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۶. شکوفایی فطرت انسانی

همه انسان ها، بر سرشت پاک و فطرت الهی به دنیا می آیند و هر چند دارای غرایز و نیروهای غریزی و بهیمی هستند؛ اما ملکات انسانی و نیروهای قدسی آنان قوی تر و ماندگار تر است. اگر انسان تحت تربیت صحیح قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنت ابلیس نشود، توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق العاده ای دارد. پس باقی ماندن بر فطرت پاک یا بازگشت به این سرشت و سیرت الهی، بایسته ترین راه برای رسیدن انسان به کمال و تعالی واقعی، رشد روز افزون و شکوفایی واقعیت های انسانی است. این اصل مسلم، رکن پایدار اندیشه مهدویت و از مکانیسم های مهم تربیتی، برای خارج کردن انسان از حالت بهیمی و مادی محض و رساندن او به اوج «طهارت» و «قدسی بودن» است:

«... حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمِ الْأَوَّلِ لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا تَهْرُقُ دَمًا»^(۱)؛ «مردم به فطرت خویش باز می گردند، نه خونی به ناحق ریخته می شود و نه خوابیده ای را بیدار می کنند».

آنچه در «شکوفایی سرشت انسان» مهم است، خروج او از زندگی سطحی، نازل و فرومایه و فعال سازی استعداد های درونی او و گام گذاشتن در زندگی شریف و باکرامت است.

۸. کنترل و نظارت فراگیر

برای اینکه بتوان رفتار و پندار انسان ها را دگرگون کرد و آنها را در مسیر اصلاح و سازندگی واقعی قرار داد، باید برنامه ای پایدار و اثر گذار برای او ارائه نمود و در ضمن آن، نظارت جامع و کاملی بر رفتارها و هنجار شکنی های وی داشت. علاوه بر این باید بر حسن اجرای برنامه های تربیتی و اصلاحی، مراقبت جدی داشت و در صورت ضرورت، از مکانیسم «انذار و تخویف» و «تنبیه» استفاده کرد. همچنین در اجرای دستورات دینی (در زمینه های

ص: ۱۲۵

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۷۲.

مختلف)، جدیت به خرج داد و در برابر طغیان و قانون شکنی کوتاه نیامد.

در صورتی که برنامه های فرهنگی، تحت انضباط و نظم دینی قرار گیرد، بسیار مؤثر و کاربردی خواهد بود. این نظارت جامع برای هدایت و رهنمونی انسان ها، به صلاح و تقوا و جلوگیری از هنجار شکنی و افسادگری در عصر ظهور، با ظرافت خاص و برنامه ای فراگیر صورت خواهد گرفت:

«يُنْصَبُ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ فِي الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ يَرَى فِيهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ»^(۱)؛ «برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عمودی از نور از زمین تا آسمان، نصب می شود که اعمال بندگان را در آن می بیند».

۹. درمان بیماری های روحی

همان گونه که اشاره شد، منشأ اعمال، حرکات، گفتارها و خوبی ها و بدی های انسان، «نفس» است. اگر نفس اصلاح شد، دنیا و آخرت انسان تأمین و آباد می شود و اگر به فساد کشیده شد، منشأ بدی ها بوده و اجتماع را از نظم معنوی و سامان بهینه دور می کند.

آفت ها و عیوب روحی و معنوی (شرور)، دارای اقسامی است:

الف. آفت ها و عیوب اعتقادی؛ مانند: کفر، نفاق، شرک، شک، جهل، ریا و....

ب. آفت ها و عیوب عاطفی؛ مانند: یأس، سستی، بی حالی، غرور، فریفتگی، فخر، حسرت و....

ج. آفت ها و عیوب رفتاری؛ مانند: دروغ، غیبت، تهمت، تجسس، استهزا و....^(۲)

هر فتنه، فساد، خیانت و جنایتی که از افراد دیده می شود، سببش یک نوع بیماری روانی است که او را وادار به کردار غیر انسانی نموده است. همان طور که انسان در بیماری های جسمی، محتاج درمان است، در دفع امراض روحی نیز به معالجه و رجوع به اخلاق محتاج تر

ص: ۱۲۶

۱- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۴۷؛ الزام الناصب، ص ۶.

۲- ر.ک: آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ص ۱۴۷.

است؛ چه اینکه بیماری روح، انسان را از رسیدن به لذت ابدی و سعادت سرمدی باز می‌دارد.

حضرت علی علیه السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«... طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضْعُ ذَلِكُكَ حَيْثُ الْحَاجَّةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمِي وَ أَذَانِ صَمِّمٍ وَ أَلْسِنَةِ بُكْمٍ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ»^(۱)؛ «او طبیبی است دوار (سیار) که با طب خویش همواره به گردش می‌پردازد. مرهم هایش را به خوبی آماده ساخته، حتی برای مواقع اضطرار و داغ کردن محل زخم‌ها، ابزارش را گذاخته است... برای قلب‌های نابینا، گوش‌های ناشنوا (از حق) و زبان‌های گنگ با داروی خود در جست و جوی بیماران فراموش شده و سرگردان است».

این درست همان کاری است که مصلح کل بشر انجام خواهد داد:

«سَيَلِّكُ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَ الصَّمِّمِ وَ الْبُكْمِ»^(۲)؛ «شیوه پیامبر خدا را در پیش می‌گیرد و شما را از کوری، کری و گنگی (بیماری‌های روحی) نجات می‌دهد».

۱۰. تقویت آموزه‌های اعتقادی

بر اساس این سازوکار، برای اینکه انسان بتواند اعمال و رفتار درست و با اعتدالی بروز دهد، باید زیربناهای فکری و معرفتی‌اش استوار و فخیم گردد؛ یعنی، تا انسان شناخت درست و باور عمیقی نسبت به مبانی اعتقادی خود (به خصوص توحید)، نداشته باشد و آنها را با دل و جان نپذیرد، کمتر هنجار پذیر شده و به سمت کمالات واقعی خود حرکت می‌کند. پس رشد فکری و اخلاقی بشر، مترتب بر تعمیق باورهای دینی و آشنایی عمیق با آغاز و فرجام خود و حاملان وحی (انبیاء) و راهبران طریق (امامان) است. همان گونه که مهم‌ترین برنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جایگزینی توحید، به جای شرک و بنیاد نهادن تمدن توحیدی بود؛ آن هم با

ص: ۱۲۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۸.

۲- کلینی، کافی، ج ۸، ص ۶۶.

تغییر در باورهای اعراب جاهلی. در عصر ظهور نیز تقویت و بنیان‌های فکری و اعتقادی مورد توجه خاصی خواهد بود:

«يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِهِ نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ»^(۱)؛ «مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر، ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمنان او دعوت می کند».

«لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^(۲)؛ «هنگامی که او قیام می کند، زمینی باقی نمی ماند، مگر آنکه گلبانگ توحید در آن بلند گردد».

۱۱. بازسازی هویت و منزلت انسانی

انسان، دارای منزلت و مقامی والا و ستودنی است؛ منزلتی بس عظیم و شکوهمند. او خلیفه الله و وجود برگزیده الهی است. این دایره از انسان و با انسان آغاز شده و با انسان، به انسان باز می گردد. شیخ اشراق می نویسد:

انسان موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فناپذیر است. او از عالم علوی به این عالم سفلی سفر کرده و به زندان گرفتار آمده است. او موجود برگزیده خداوند است و لباس کرامت الهی را بر تن دارد. او در دوران حیات باید کرامت خویش را ارج نهد و پاس بدارد و از هر چه به این کرامت لطمه می زند، بگریزد. صداقت، عدالت، ایثار و مانند آن باعث بقا و ارتقای این کرامت است و دنیا طلبی، خود بینی، ذلت و اسارت در چنگال غضب و شهوت، موجب زوال این کرامت است.^(۳)

کرامت و عزت نفس، نقطه ای است که اسلام، برای احیای اخلاق انسانی و سوق دادن انسان به سوی رشد و تعالی، بر آن تأکید کرده است. کرامت نفس، پایه و محور همه تعلیمات اخلاقی است؛ یعنی، محترم شمردن نفس برای دوری از گناهان و مفاسد؛ چنان که مولا علی علیه السلام می گوید:

ص: ۱۲۸

۱- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۴۹.

۲- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳- سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۲، ص ۲۷۰، ج ۳، ص ۴۰۴.

«آن که در خود احساس کرامت و بزرگواری کند، مخالفت با شهوات حیوانی برای او آسان می گردد»^(۱).

این امر در عصر ظهور، محقق شده و انسان کرامت یافته، به اوج منزلت خود می رسد:

«تَعْظُمُ الْأُمَّةَ وَ يُعْزَهُمُ»^(۲)؛ «مردم بزرگ داشته شده، و عزت می یابند» و «يُخْرِجُ الذَّلَّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ»^(۳)؛ «خداوند به وسیله او، ذلت را از گردن های شما بر می دارد».

۱۲. تطهیر و نورانی کردن جامعه

انسان در محیطی زندگی می کند که هم بعد مادی دارد و هم جنبه فرامادی و ملکوتی. آنچه که او با دیده ظاهر بین مشاهده می کند، زندگی فرو بسته دنیایی است؛ با آلاینده ها و آرایش های متعدد و آنچه که او را از حقیقت وجودی اش و آن فضای معنوی و ملکوتی دور می سازد (و در فضای آلوده و ظلمانی قرار می دهد)، توجه وافر به مادیات، نفسانیات و وهمیات است. در واقع جامعه آلوده، جامعه ای است آکنده از امواج منفی و ویرانگر، افکار و اندیشه های آلوده و کشنده، رویکردهای شهوانی و حیوانی، انواع تحریکات و فریبایی های جنسی و...!! در واقع انسان _ به خصوص در عصر حاضر _ در فضای ظلمانی و زهر آگین زندگی می کند که بر روح و روان و فکر او اثر منفی و مخرب می گذارد (مستقیم و یا غیر مستقیم).

برای رهایی ذهن و روان انسان ها از این سموم روحی و مغناطیس های ضد فرهنگی، باید فضا را پاک کرد و آنان را در یک محیط امن فرهنگی و جامعه نورانی قرار داد. در این صورت است که انسان می تواند در یک محیط سالم (هم در ظاهر و هم در باطن)، به پرورش

ص: ۱۲۹

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۴.

۲- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ح ۳۸۷۰۰.

۳- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۶.

و شکوفایی خود بپردازد و جامعه پاک اخلاقی داشته باشد. روایات تصویر بسیار زیبایی از این طهارت و پاکی محیط و نورانیت جهان در عصر ظهور ارائه می دهند:

«تَطْيِبُ الدُّنْيَا وَ أَهْلِهَا فِي أَيَّامِ دَوْلَتِهِ»^(۱)؛ «در روزگار او، دنیا پاکیزه می شود و اهل آن نیک و (طاهر) می گردند».

«يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ»^(۲)؛ «خداوند به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را طاهر و پاک می گرداند».

۱۳. برپاداشت سیاست فاضله (حکومت قدسی)

«امامت» در اعتقاد شیعه، پیشوایی، زعامت و ولایت چند بعدی شخص معصوم است که از سوی خداوند، به این مقام منصوب شده است. این یک مقام والای معنوی و دینی است که علاوه بر رهبری حکومت اسلامی، هدایت همه جانبه را در امر دین و دنیا بر عهده دارد. در واقع سیاست و حکومت داری، می تواند سه گونه باشد: سیاست الهی، سیاست شیطانی، سیاست صوری (روز مره). سیاست شیطانی، بیشتر برنامه ها و خط مشی ها را در جهت از خودبیگانگی و جهالت انسان ها و غرق کردن آنها در تباهی، فساد و خوش گذرانی و غفلت قرار می دهد و منشأ بسیاری از جنایات ها و رذالت ها و جنگ ها است. سیاست صوری، برنامه های عادی و معیشتی حکومت ها است که به شکل های مختلف، بیشتر در صدد اداره امور روز مره بشر و تکیه بر جنبه های مادی و ظاهری زندگی است و نه تنها کاری با رشد و بالندگی معنوی مردم ندارد؛ بلکه گاهی منشأ ناراستی های اخلاقی نیز می باشد. سیاست الهی، همان سیاست فاضله است که علاوه بر توجه به امور معیشتی و دنیوی و ارائه راه کارهای مناسب جهت ایجاد تعادل و پیشرفت در این زمینه ها، بیشتر به ابعاد معنوی و روحی انسان ها نظر دارد و به هدایت، تربیت و رشد همه جانبه و سعادت واقعی آنان همّت می گمارد. این

ص: ۱۳۰

۱- اربلی کشف الغمه، ج ۴، ص ۴۹۳.

۲- صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

سیاست فاضله، همان امامت است که به قول خواجه نصیر الدین طوسی، «غرض از آن تکمیل خلق بود و لازمش نیل سعادت»^(۱).

این سیاست الهی، استمرار برنامه پیامبران _ به خصوص نبی مکرم اسلام و عترت پاک او _ است؛ چنان که آن حضرت می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ يَقْفُو آثَرِي لَا يُخْطِئُ»^(۲)؛ «مهدی روش من را دنبال می کند و هرگز از روش من بیرون نمی رود».

«إِذَا قَامَ... سَارَ بِسِيرَةِ عَلِيٍّ»^(۳)؛ «زمانی که قائم قیام کند، بر سیره علی علیه السلام عمل می کند».

۱۴. نقش اثرگذار صالحان و پاکان

وجود انسان های فرهیخته، پارسا و عالم در میان مردم و حضور پر رنگ آنان در اجتماع و به دست گرفتن امور فرهنگی، علمی و حتی سیاسی، موجب رشد و ارتقای آن جوامع و تربیت صحیح نفوس است. اینان الگوهای عملی مردم، معلمان و مربیان اخلاق، راهبران دل ها و عقل ها به سوی ایمان و معرفت و جلب کننده برکات و حجت های الهی هستند؛ مانند پیامبران، امامان، دانشمندان پارسا، عارفان و... تأثیرات مثبت و سازنده حضور کیفی و کمی آنها در جوامع و کارآیی آنان در اصلاح گری و انسان سازی، به حدی است که امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُزِيدُهُ»^(۴)؛ «آن کس که فرزانه ای ارشادگر ندارد، هلاک خواهد شد».

در عصر ظهور نیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انسان های بسیار وارسته و برگزیده همراه او، چنین

ص: ۱۳۱

۱- اخلاق ناصری، ص ۳۰۰.

۲- صافی، منتخب الاثر، ص ۶۲، ح ۲.

۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۴- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۸.

نقش پویا و مانایی را ایفا خواهند کرد. بازگشت پیامبر صالح خدا عیسی مسیح علیه السلام، حضور حضرت خضر و الیاس، رجعت مالک اشتر، سلمان فارسی، مقداد، ابودجانه انصاری، اصحاب کهف، یاران موسی و یوشع وصی موسی و... (۱) بی حکمت نیست و خیر از تحولات بسیار گسترده و شگفت آوری می دهد و نقش بارز مردان الهی را در تطهیر فضای جامعه و انسان سازی نشان می دهد.

علاوه بر اینها انسان های صالح و شایسته ای نیز جزء یاران خاص امام و از گلچین های الهی برای یاری او و راهبری مردم هستند و ایشان به عنوان حاکمان جهان و مسؤولان سیاسی و فرهنگی، امور تعلیم و تربیت جهانی را سامان می دهند:

«لَهُ رِجَالٌ إِلَهِيُونَ يُقِيمُونَ دَعْوَتَهُ وَيُنصِرُونَ هُمُ الْوُزَرَءَ لَهُ يَتَحَمَّلُونَ أَثْقَالَ الْمَمْلَكَةِ عَنْهُ وَيُعِينُونَهُ عَلَى مَا قَلَّدَهُ اللَّهُ» (۲)؛ «گروهی از مردان الهی، دور او گرد می آیند، دعوتش را سرپا نگه می دارند و او را یاری می کنند. آنان وزیران او هستند که سنگینی مسائل کشوری را بر عهده می گیرند و او را در مسؤولیت بزرگی که خداوند به عهده اش گذاشته، یاری می کنند».

۱۵. غنای واقعی بشر

یکی از سازوکارهای بسیار مهم در تغییر و تحولات روحی انسان ها و فروکاستن از آمال مادی صرف و خواسته های فزاینده دنیوی و تجملاتی، استغنای روحی انسان ها است. بالارفتن ظرفیت های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته ها و تمایلات متنوع و فزاینده مادی و غریزی، در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی و... نشانه های غنای روحی و معنوی اند. اینها با مدیریت و هدایت دقیق و درست، عامل حل بسیاری از کاستی ها و ناهنجاری ها خواهند بود؛ امری که در عصر ظهور به صورت

ص: ۱۳۲

۱- ر.ک: مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲- کاظمی، بشاره الاسلام، ص ۲۹۷.

کامل و تمام محقق خواهد شد.

در روایتی درباره بی‌نیازی قلبی مردم در عصر ظهور می‌فرماید:

«وَيَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ»^(۱)؛ «خداوند بی‌نیازی را در دل‌های این امت قرار می‌دهد».

۱۶. بهسازی اخلاق کارگزاران

یکی از مکانیسم‌های تأثیرگذار در رشد فکری و اخلاقی مردم، تقدم اصلاح رفتاری و معرفتی بازیگران عرصه سیاست و مدیریت جهان بر دیگران است. اگر کارگزاران امور، از نظر اخلاقی سالم و پاک باشند و در عمل به وظایف خود از مسیر حق، عدالت و اعتدال خارج نشوند، بسیاری از انحرافات و کژتابی‌های اخلاقی و رفتاری جهان کاسته خواهد شد و مردم نیز تابع آنان خواهند بود؛ چنان که فرموده‌اند:

«النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ»؛ «مردم بر دین حاکمان خود هستند».

گام اول در اصلاح و بهسازی اخلاق کارگزاران امور و مدیران و مجریان، نظارت شدید بر آنها و سخت‌گیری در برابر قانون شکنی و هنجار ناپذیری آنان است. همچنین دقت در گزینش مسؤولان متعهد و وظیفه‌شناس که بتوانند در حرکت مردم به سوی کمال و تعالی، اثرگذار باشند و جلوتر از آنان، این مسیر رشد و بالندگی را طی کنند. بشر هر لحظه در معرض اشتباه و انحراف است و برای جلوگیری از آن، رهبر می‌باید نظارت کامل بر زمامداران جامعه داشته باشد. هر چند وقت آنان را نصیحت و راهنمایی کند و از انحراف و لغزش منع فرماید؛ چنان که حضرت علی علیه السلام، کاربردی‌ترین و دقیق‌ترین نظارت‌ها را بر کارگزاران خود داشت و حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد بود:

«الْمَهْدِيُّ... شَدِيدٌ عَلَى الْعُمَّالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ»^(۲)؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .. بر مسوولان

ص: ۱۳۳

۱- اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۴.

۲- طبری، بشاره المصطفی، ص ۲۰۷.

کشوری بسیار سخت می گیرد و بر بینوایان بسیار رئوف و مهربان است».

و نیز:

«يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مُسَاوِيٍّ أَعْمَالِهَا»^(۱)؛ «عمال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد».

مهم ترین دستور حضرت به یاران خود بر پاداشت عدالت و احسان و نیکی با مردم است:

«يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...»^(۲)؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانش را در همه شهرها پراکنده می سازد و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند».

حضرت پیش از انتخاب و فرستادن آنان، پیمانی سخت و دشوار از آنها می گیرد که بسیاری از مفاد آن، اخلاقی و در جهت تزکیه و تهذیب آنان است:

- «... با مهدی بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛

- زنا نکنند؛

- مسلمانی را دشنام ندهند؛

- خون کسی را به ناحق نریزند،

- به آبروی کسی لطمه نزنند،

- به خانه کسی هجوم نبرند؛

- طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛

- مال یتیم را نخورند؛

- در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛

- مشروب نخورند؛

ص: ۱۳۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲- علی دخیل، الامام المهدی، ص ۲۷۱.

- حریر و خز نبوشند؛
- در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛
- راه را بر کسی نبندند؛
- راه را نا امن نکنند؛
- گرد همجنس بازی نگردند؛
- خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛
- طرفدار پاکی باشند؛
- از پلیدی گریزان باشند؛
- به نیکی فرمان دهند؛
- از زشتی ها بازدارند؛
- جامه های خشن بپوشند؛
- خاک را متکای خود سازند؛
- در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...» (۱).

۱۷. حاکمیت اندیشه قرآنی

قرآن، برنامه جامعه و کامل برای ساختن جامعه ای سالم و آباد، انسانی فرهیخته و متعالی و آینده ای رو به رشد و مترقی است. وجود آموزه های وحیانی قرآن، به عنوان مبنا و معیار درستی و نادرستی اندیشه ها و افکار و تربیت کننده و اصلاح گر نفوس و دل ها، عامل رستگاری و نجات همه انسان ها در هر سطح و منزلتی است.

افکار و آرای گوناگون فلسفی و سیاسی و اندیشه های ناقص و دنیا گرایانه، عامل برخی از انحرافات، ارزش ستیزی ها، دنیاگرایی ها، تشویش ها و حتی بی عدالتی ها و جنگ ها است.

ص: ۱۳۵

حضرت علی علیه السلام در باره اینکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نظرات، قوانین و خواست ها را مطابق با قرآن می کند، می فرماید:

«يُعْطِفُ الْهَيَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَيَوَى وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ...» (۱)؛ «او خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد».

«... يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ» (۲)؛ «قرآن همان گونه که خداوند نازل کرده و به مردم یاد داده می شود».

«اسْتَأْنَفَ بِكُمْ تَعْلِيمَ الْقُرْآنِ وَ شَرَائِعَ الدِّينِ... كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ» (۳)؛ «وقتی قائم قیام می کند، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، از نو به شما می آموزد».

۱۸. پررنگ کردن ماهیت «عبادی» انسان

از دیدگاه قرآن و روایات و نیز فلسفه متعالی تاریخ، حرکت و سیر تاریخ، به سوی عبودیت و حاکمیت ارزش ها و متعالی شدن انسان است. هدفی که قرآن برای کاروان بشریت ترسیم می کند «عبادت و عبودیت» است ((وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)) (۴)؛ یعنی، انسان آفریده شده است که خدا را پرستش کند و پرستش خود هدف است... طبعاً به این معنا، در منطق اسلام هدف اصلی از زندگی، جز معبود، چیز دیگری نمی تواند باشد. یکی از مشکلات بنیادین بشر، خروج از ولایت و عبودیت الهی و قرار گرفتن در ولایت شیطان است. این طغیان و انحراف، منجر به خود پرستی، تکبر، غفلت، کفر و شرک می شود و هر آینه

ص: ۱۳۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲- مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۳- حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۶۰، ح ۶۲۸.

۴- ذاریات، (۵۱)، آیه ۵۶.

انسان را به جهت این کژتابی بزرگ، در معرض لغزش ها، جنایت ها و ستم ها قرار می دهد و تنها راه چاره آن، بازگشت انسان به دایره عبودیت و عبادت گری است.

عصر ظهور، دوران شکوفایی بعد عبادی انسان و زمان خروج کامل او از ولایت شیطان و قرار گرفتن در عبودیت رحمان است. کسی که در ولایت حق قرار گرفت و به مقام بندگی و پرستش گری دست یافت، درهای رحمت، وسعت و حکمت روی او گشوده می شود و دارای بصیرت اخلاقی و مقام رحمانی می گردد.

این بشارت غیبی برای همه انسان های حقیقت جو و طالب کمال است:

«أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ... يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ»^(۱)؛ «بشارت باد به آمدن مهدی... او دل های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد».

«الْمَلِكُ لِلَّهِ... لَكِنْ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَمْ يُعْبُدْ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^(۲)؛ «پادشاهی از آن خدا است... لکن هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک تعالی پرستیده نمی شود».

«يُقْبِلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ»^(۳)؛ «مردم رو به عبادت می آورند و...».

۱۹. رفع نیازهای مادی و تعدیل خواسته ها

اگر انسان دنیا را هدف زندگی خود قرار دهد و همه چیز را در مادیات خلاصه کند، به آن حرص می ورزد و هر چه به دست می آورد، باز بیشتر می خواهد. این شیفتگی به دنیا زمینه را برای هر گناه و آفت و رذیله ای فراهم می سازد؛ دنیا خواهی و دنیا طلبی، صفات اخلاقی زشت را به آرامی در انسان ایجاد می کند و کبر، حرص و حسد، نمودهای مهم آن و عامل انحراف انسان ها در طول تاریخ است. تنها راه درمان این فزون خواهی، تزکیه و تربیت

ص: ۱۳۷

۱- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۹.

۲- بحرانی، المحججه فی ما نزل فی القائم الحججه، ص ۲۷۵.

۳- صافی، منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

عقلانی بشر و قرار دادن او در مسیر پیامبران و امامان است.

با این حال دین در صدد رفع نیازهای مادی انسان نیز می باشد تا از این بابت، دغدغه خاطری نداشته باشد و زمینه های حرص و آز و طمع در او کم رنگ شود. با برنامه هایی چون خمس، زکات و صدقه از یک طرف در صدد رفع فقر از جامعه برمی آید و از طرف دیگر جلوی ثروت اندوزی و اسراف و تجمل گرایی را می گیرد و مانع انباشت بی رویه مادیات می شود. این آموزه در عصر ظهور به طور کامل کاربردی می شود. بر اساس روایتی:

«ثروت های روی زمین و منابع زیر زمین، نزد آن حضرت گرد می آید. آن گاه حضرت به مردم خطاب می کند: بیایید بگیریید، بگیریید آنچه را که برایش خویشاوندی را قطع می کردید و به خون ریزی و گناهان دست می زدید (قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَيِّءَ فِكْتُمْ فِيهِ الدَّمَّ الْحَرَامَ وَ رَكَبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ!!) او چنان اموال را می بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است»^(۱).

همچنین آمده است:

«يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تُرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ»^(۲)؛ «او اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می کند که دیگر نیازمندی یافت نمی شود تا به او زکات دهد».

۲۰. وحدت و الفت انسان ها

دوری و اختلاف انسان ها از همدیگر و کینه ورزی نسبت به هم، چند پارگی فرهنگی و عقیدتی، خواست ها و اهداف متضاد و چندگانه، ارزش ها و هنجارهای گوناگون و... از تهدیدات مهم جامعه بشری و عامل رکود و خمودگی فکری و فرهنگی است. این مسأله به حدی است که برخی از متفکران انسان را گرگ انسان می دانند.^(۳)

ص: ۱۳۸

۱- صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳- ر.ک: توماس هابز، لویاتان .

یکی از برنامه های اساسی پیامبران، نزدیک ساختن انسان ها به همدیگر، تألیف قلوب، تعمیق مهرورزی و محبت است؛ یعنی، تشکیل امت واحده و بازگرداندن انسان ها به فطرت و سیرت واقعی خود. در پرتو این اتحاد و همدلی است که انسان ها، یک فرهنگ و آیین واحد را پذیرا بوده و یک هدف و برنامه برای زندگی خواهند داشت. اگر انسان ها در جامعه واحد جهانی گرد هم نیایند و بر تنازع ها و تعارض های فرهنگی و سیاسی و... پافشاری کنند، هیچ برنامه تربیتی و فرهنگی مؤثر نخواهد بود و مشکلات انسان ها همچنان باقی خواهد ماند.

«... لَيُرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافَ»^(۱)؛ «اختلافات و پراکندگی را از ملت ها و ادیان بر می دارد».

آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می کند و بغض و خصومت را برطرف می سازد:

«يُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُّخْتَلِفَةٍ»^(۲)؛ «... بین قلب های گوناگون الفت ایجاد می کند».

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامِلَةُ...»^(۳)؛ «زمانی که قائم قیام می کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود».

۲۱. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت

یکی از انگاره های اهمیت دار در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان ها، فراگیری و شمول آن به همه افراد اجتماع است؛ یعنی، همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه های تربیتی و اخلاقی برخوردار شده و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت آموزی و خردورزی پردازند. اگر بخش هایی از اجتماع _ ولو اندک _ از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی بهره باشند، آن را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه های تربیتی می شوند. مهم تر از آن، افراد

ص: ۱۳۹

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳.

۲- صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۶.

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲، ح ۱۶۵.

هنجار شکن و تباه گر، خود از موانع اصلی تعلیم و تربیت بوده و همواره در صدد انحراف و اغوای دیگران و افساد جوامع بر می آیند. به همین جهت تعلیم و تربیت واقعی، آن است که شامل همه افراد بشر بوده و برای همگان، راه کارهای مناسب اصلاح و بازسازی اخلاقی ارائه دهد.

در روایات آمده است:

«لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا أَمَنَ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صِلَحَ»^(۱)؛ «روی زمین کافری باقی نمی ماند جز اینکه ایمان می آورد و شخص ناشایستی نمی ماند، جز اینکه به صلاح و تقوا می گراید».

۲۲. ارشاد و نصیحت گری

یکی از مؤلفه های مهم و تأثیرگذار در تعلیم و تربیت، بهره وری از نصایح و پند های هشدار دهنده و داشتن کلام نافذ و تأثیرگذار و بیان صریح و مهرورزانه خواسته ها و ایده ها است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در شیوه تربیتی خود، از روش کلامی مستقیم بهره کاملی می برد و با سخنان نورانی و رسای خود، بر روح و روان مخاطبان، تأثیر گذاشته و تا ژرفای وجود آنها نفوذ می کرد. این شیوه، همواره مورد توجه بوده و به خصوص از سوی اساتید اخلاق و مربیان نفوس به کار گرفته می شد. بیان صمیمی و شفاف نکات اخلاقی و تربیتی و آگاهی بخشی درباره خیر و شر، سعادت و ضلالت، نور و ظلمت، راستی و کژی، ارزش ها و ناهنجاری ها و... موجب رشد فکری و اخلاقی انسان شده و او را از غفلت، بی خبری و جهالت خارج می کند.

در روایات آمده است:

«يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ...»^(۲)؛ «او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و ولایت علی بن ابی طالب ... دعوت می کند».

ص: ۱۴۰

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲- محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۴۹.

«... يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»^(۱)؛ «او حق را با کلماتش تأیید می کند و پشت کافران را در هم می شکند».

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه دارد و چون نماز عشا را خواند، فریاد بر می آورد: ای مردم! شما را به ذکر خدا و به ایستادنتان در برابر خدا [در روز قیامت] متذکر می شوم؛ در حالی که حجتش را [در دنیا] بر شما تمام کرده است و پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می دهد که به او شرک نوزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آنچه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و زنده کنید و آنچه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزگاری همکاری نمایید؛ زیرا دنیا، فنا و زوالش فرا رسیده و نفخه وداع سرداده است. من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیا و زنده ساختن سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کنم. آن گاه در میان ۳۱۳ نفر از یارانش ظهور می کند»^(۲).

«... يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا وَيُمِيتُ الْفِتْنَ»^(۳)؛ «خداوند همه بدعت ها را به وسیله او نابود می سازد و همه فتنه ها را به دست او از میان بر می دارد».

«يَذْهَبُ الشَّرُّ وَيَبْقَى الْحَيُّ ... يَذْهَبُ الزَّانَا وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَيَذْهَبُ الرِّبَا»^(۴)؛ «شر از بین می رود و خیر باقی می ماند... زنا و شراب خواری و ربا ریشه کن می شود».

«... يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ»^(۵)؛ «... او به کتاب خدا عمل می کند و زشتی در شما نمی بیند؛ مگر اینکه از آن نهی می کند».

ص: ۱۴۱

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۴، ح ۳۵.

۲- ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۴۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳- کامل سلیمان، يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۰۳.

۴- صافی، منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ح ۴.

۵- کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۹۶، ح ۵۹۷.

«... تَعِيدُمُ الْفِتَنَ وَ الْغَارَاتِ وَ يَكْثُرُ الْخَيْرُ وَ الْبَرَكَاتِ»^(۱)؛ «به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف [، فتنه ها و چپاولگری ها از بین می رود و خیرات و برکات بسیار می شود]».

«بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ زَمَانُ الْكَلْبِ...»^(۲)؛ «خداوند به دست او دروغ گویی را از بین می برد و روزگار سخت را برمی اندازد».

۲۳. اجرای تعالیم و قوانین الهی

پابندی به دستورات و تکالیف دینی (قوانین الهی)، راز پویایی و ماندگاری جوامع و راه درخشان به روزی و رستگاری انسان ها است. عدم اجرای کامل و بهینه آنها، یا به کار بستن ناقص و ضعیف آنها در اجتماع، موجب زوال و فروکاهیدگی آن و زندگی مضطرب، نابسامان و غیر الهی می شود.

«لَا يَبْقَى مَوْضِعٌ قَدَمٍ إِلَّا وَطْئُهُ وَ أَقَامَ فِيهِ الدِّينَ الْوَاجِبَ لِلَّهِ»^(۳)؛ «جای پایی در روی زمین نمی ماند جز اینکه به آنجا گام می نهد و آیینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه می کند».

«... يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَ يُحْيِي السَّنْهَوَ الْفَرَضَ»^(۴)؛ «زمین را مهد [زندگی] می سازد و سنت و واجبات [دینی] را زنده می کند».

«... يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَخْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ»^(۵)؛ «مهدی حدود الهی را اجرا می کند و به حکم خداوندی، حکم می نماید».

ص: ۱۴۲

۱- صافی، منتخب الاثر، ص ۲۰۹، ح ۴۹.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۵.

۳- صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱.

۴- صافی، منتخب الاثر، ص ۲۱۰.

۵- صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵.

فصل هشت: شرایط و نشانه های ظهور

اشاره

ص: ۱۴۳

واژه «مقدمات»، در لغت عبارت است از «اموری که برای شروع در امری لازم هستند»، (۴) و در اصطلاح، «مقدمات ظهور» به اموری گفته می‌شود که وجود آنها پیش از ظهور منجی موعود، حضرت حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام، بایسته است؛ چرا که با فراهم آمدن این مقدمات، مقتضیات ظهور فراهم گشته و موانع آن برطرف می‌گردد.

یکی از مطالب مهمی که در میان آیات نورانی قرآن، بارها، مورد تصریح قرار گرفته، مسئله «قانون‌های حاکم بر جهان هستی و تاریخ و جامعه» است.

طبق آیات فروانی، تاریخ بشر و سرنوشت انسان‌ها در دایره نظام خاصی رقم می‌خورد که در آن، هرگونه دگرگونی و انقلابی، تابع یک سلسله قوانین مشخص و معینی است که به اراده خداوند برای تدبیر جهان به اجرا در آمده است. در تعبیر قرآنی، از آن‌ها، با عنوان «سنت‌های الهی» یاد شده است. (۱۰)

شاید بتوان یکی از این سنت‌ها را «سنت دریافت پاداش به اندازه تلاش و کوشش» نامید. طبق این سنت، بهره‌مندی از نعمت‌های الهی به میزان سعی و تلاش آدمی بستگی دارد و این انسان است که در پرتو اختیار، با عمل خویش، یا جامعه را به پیش می‌برد و تاریخ را تکامل می‌بخشد و یا به خاطر سستی و عدم تلاش، قابلیت دریافت نعمت‌های الهی را از دست می‌دهد و در سرازیری سقوط قرار می‌گیرد. قرآن کریم، در رابطه با این سنت، چنین می‌فرماید: «و ان لیس للانسان الا ما سعی × وان سعیه سوف یری × ثم یجزاه الجزاء الاوفی»

(۱۱)؛ (برای انسان، بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، و تلاش او، به زودی، دیده می شود سپس به او جزای کافی داده خواهد شد).

البته باید در نظر داشت که در کنار این سنت، قانون امداد رسانی و تاییدات غیبی خداوند که در مواقع لزوم برای یاری انسان های پاک و مصلح به اجرا در می آید، تحت الشعاع واقع نمی شود، بلکه هر گاه ایشان به وظایف خویش در قبال تکالیف الهی عمل کنند، آن سنت نیز به اجرا در خواهد آمد. خداوند متعال، در آیه هفتم سوره محمد صلی الله علیه و آله می فرماید: «یا ایها الذین ءامنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یتبث اقدامکم»؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد).

بنابراین، یک انسان مؤمن، در عین حال که معتقد به امدادهای غیبی و یاری رسانی خداوند متعال است، هیچ گاه این مطلب اساسی را فراموش نمی کند که جهان هستی، عالم اسباب و مسببات است و انسان برای رسیدن به مقصود خویش باید کمر همت را ببندد و از طریقی که سنت الهی است، مطلوب خویش را به دست آورد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «ابی الله ان یجری الاشیاء الا باسباب (۱۲)؛ اراده خداوند، چنین تعلق گرفته که هیچ چیزی جز بواسطه اسباب اش محقق نشود.».

این، نکته ای است که امام باقر علیه السلام در بخشی از سخنان خود به بشیر نبال متذکر آن می شوند. بشیر می گوید: هنگامی که به مدینه رسیدم، به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «آنان می گویند: "هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، کارها، به خودی خود، برای او سامان می گیرد و حتی به اندازه حجامتی هم خون نمی ریزد"». حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست! سوگند به آن که جان ام به دست او است! اگر قرار بود کارها برای کسی به خودی خود سامان بگیرد، هر آینه، برای رسول خدا سامان می گرفت، در آن روز که دندان هایش شکست و صورت اش مجروح گشت! نه! قسم به آن که جان ام به دست او است! چنین نخواهد شد تا آن که ما و شما، عرق و خون را از چهره خود پاک کنیم.»، سپس به پیشانی خود دست کشید.

(۱۵)

البته باید توجه داشت که هدف، هر قدر بزرگ تر و با ارزش تر باشد، رسیدن به آن نیز سخت تر و مشکل تر خواهد بود؛ زیرا، پر واضح است که حاکمان جهان خواری که زیر سایه سرپرستی شیطان، در طول تاریخ، ظلم ها و بیدادگری های خود را در پهنه زمین به اجرا در آوردند، در راه پایداری و استمرار تشکیلات شیطانی خویش، از هیچ کوششی دریغ نکردند و در برابر برپا کنندگان حکومت الهی به مخالفت برخوانند خاست و با ایشان به ستیز می پردازند، آن هم در موقعیتی که شبکه بیدادگری متمرکز و مستکبران دنیا، هر چه به زمان قیام امام عصر علیه السلام نزدیک تر می شود، گسترده تر و قوی تر می شود.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام این نکته حایز اهمیت، چنین مورد اشاره قرار گرفته است: ابوحمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «همانا، هنگامی که صاحب این امر [حضرت مهدی علیه السلام] ظهور کند، از جانب مردم؛ با همان چیزی روبه رو می شود که رسول خدا روبه رو شد، بلکه نامایماتی را که او می بیند بیش تر است.» (۱۶)؛

ضرورت زمینه سازی

با اینکه اساسی ترین وظیفه انبیاء و اولیاء و حجت‌های الهی را، هدایت جامعه بشری به سوی کمال مقصود و رهایی از منجلاب پست حیوانی و نجات از چنگال حاکمان ستم پیشه شیطان مدار، باید ارزیابی کرد و یکی از مهمترین راههای رسیدن و پیش رفت در جهت نیل به آن را از طریق به دست گرفتن زمام امور جامعه باید دانست، اما باز هم مشاهده می شود که وقتی برای برخی از امامان معصوم (علیهم السلام) مساله عهده داری حاکمیت ظاهری بر مردم مطرح می شود، ایشان از پذیرش آن سر باز زده و از قبول آن امتناع می کنند؛ با دقت در روایات و بررسی منابع تاریخی، به این نکته می توان پی برد که یکی از اساسی ترین و عمده ترین علت‌های عدم پذیرش حاکمیت و به دست گیری زمام امور جامعه در برهه های خاصی از زمان توسط امامان از اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)، عدم وجود زمینه مناسب بوده

است؛ چرا که اقدام به تشکیل و برپایی حکومت، پیش از فراهم آمدن زمینه های مناسب آن، ثمره ای جز برباد رفتن طرح و نقشه های سری و روبه رو شدن با شکست و ناکامی را در پی نخواهد داشت که به دنبال آن از بین رفتن نخبگان نهضت و قدرت و صلابت و هیبت بیشتر یافتن جبهه ستمگران نمایان می شود.

ایشان در برخی از روایات، اقدام پیش از موعد و بدون ایجاد تمهیدات لازم را، به پرواز کردن جوجه ای نارس که هنوز پر و بال لازم جهت پریدن را پیدا نکرد، تشبیه نموده اند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «مثل خروج القائم منا اهل البيت، كخروج رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، و مثل من خرج منا اهل البيت قبل قيام القائم، مثل فرخ طار فوق من و كره فتلاعبت به الصبيان» (قیام قائم ما اهل بیت، همانند قیام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است [که آن حضرت بعد از انجام مقدمات لازم، از مردم یثرب پیمان بر ایجاد حکومت در مقابل مشرکان را گرفت] و آن کس که از ما خاندان، قبل از قیام قائم، به پا خیزد، بسان جوجه ای می ماند که [بدون داشتن بال پرواز] پرواز کند و از آشیانه خود فرو افتد و در نتیجه دستخوش بازیچه کودکان گردد). (۲۰)

اما در این باره باید توجه داشت که «برپایی یک حکومت جهانی با رنگ الهی، آن هم در تمام زمینه ها، نیازمند چه عوامل و شرایط و اسباب و زمینه هایی است که با حاصل شدن آن ها، پی ریزی و تشکیل چنین حکومتی امکان خواهد داشت؟».

شاید بتوان شرایط ظهور و اسباب برپایی حکومت عدل جهانی را در چهار عامل خلاصه کرد:

۱- قانون مدون و جامع و حکیمانه ای که بتواند منشور اداره جامعه بشری قرار گیرد.

۲- رهبر عادل و مدبر و توان مندی که انقلاب را هدایت کند، به پیروزی برساند و پیرو آن اداره حکومت جهانی را بر عهده گیرد.

۳- آمادگی پذیرش جامعه جهانی و فراهم بودن زمینه های مناسب اجتماعی در جهت پشتیبانی از حکومت.

۴- تعداد کافی فرمانبرداران و یاوران آگاه و کارآمد برای کمک رسانی به رهبری و

تشکیل و اداره هسته مرکزی حکومت.

انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک انقلاب در سطح جهان است و محدود به منطقه یا کشور خاص و یا قومیت و ملیت خاصی نیست و انقلابی فراگیر برای ریشه کن کردن تمام ابعاد ظلم و جور در گستره جهان است. قیام حضرت مثل تمامی انبیاء از طریق و مجاری طبیعی است و معجزه در روند برنامه های اصلاحی حضرت ایشان راهی ندارد یا به ندرت صورت می گیرد. هر انقلاب و ایجاد دگرگونی حتی در ابعاد بسیار کوچکتر برای موفقیت و پیروزی، بستر مناسب و شرایط مساعد و افراد و نیروهای آماده می خواهد، چه رسد به یک انقلاب عظیم.

شرایط ظهور و قیام

یک. قانون و برنامه کامل و جامع

یک انقلاب برای در هم شکستن وضع موجود و برقراری وضع مطلوب به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه ای جامع برای مبارزه با مشکلات و تغییر وضع موجود.

۲. قانون متناسب برای حرکت جامعه به طرف وضعیت مطلوب و براساس نیازهای واقعی جامعه.

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز این شرط لازم را دارد. برنامه انقلاب جهانی آن حضرت مبارزه پیگر و جدی با حکام جور و سردمداران فکری و نظامی جامعه بشری و نابودی کامل فساد و ظلم و کفر است. آن حضرت هم دارای این برنامه و هدف است و هم براساس پیش بینی های قرآنی و روایی موفق و پیروز خواهد بود. برنامه حضرت در قسمت دوم نیز، براساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر است که کامل ترین و بهترین برنامه زندگی انسانی است. این قانون جامع، متناسب با همه نیازهای جامعه و ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «سیره و سنت او، سنت من است مردم را بر دین و آیین من به پا

خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند» (کمال الدین، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶).

دو. رهبری مقتدر و توانمند

شرط دیگر برای پیدایش یک انقلاب وجود رهبر و پیشوایی آگاه، توانمند و دلسوز است تا با آشنایی کامل از اهداف، برنامه ها، زمینه ها و موانع، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت انقلابی را راهبری کند و تا آخرین نفس ادامه دهد. هم چنین بتواند فرمان روایی جهان را در دست گرفته و عدالت را در آن گسترش دهد. انقلاب عظیم مهدوی، به یقین دارای این شرط است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به مقام امامت شان، مسلماً شایستگی چنین منصبی را دارد و می تواند چنین مسئولیتی را بر عهده بگیرد.

سه. یاران ایثارگر و مجربان توانمند

شرط دیگر یک انقلاب وجود یارانی فداکار است که با آشنایی نسبت به برنامه ها و اهداف و اعتقاد به آنها تا آخرین لحظه، از رهبر و انقلاب دست بردارند و آماده هر گونه فداکاری باشند.

قیام جهانی امام مهدی نیز نیاز به یارانی دارد که ضمن آشنایی و اعتقاد به امام و دین تا آخرین لحظه فداکاری کنند. این جمعیت خالص و مخلص که اصحاب حضرت را تشکیل می دهند، نقش جدی و قابل توجهی در رهبری سپاه و فتح کشورها و اداره مناطق و سرزمین ها ایفا خواهند کرد.

امام جواد علیه السلام در این زمینه می فرماید: «اصحاب مهدی به سوی او اجتماع می کنند که سیصد و سیزده نفراند؛ به تعداد اهل بدر از نقاط مختلف زمین... وقتی این عده جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می کند و چون عده کامل شد که ده هزار نفراند، به اذن خدا خروج می کند»^(۱).

چه بسا این شرط هنوز تحقق نیافته و تعداد یاران آن حضرت - به خصوص اصحاب

ص: ۱۴۹

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۷، ح ۲

خاص - کامل نشده است تا قیام نیز صورت گیرد.

چهار. آمادگی عمومی و بالارفتن سطح رشد و فهم مردم

یکی دیگر از شرایط یک انقلاب و تحقق آن، پذیرش مردمی و قابلیت آنان است، اگر مردم آن را نخواستند، و شرایط فکری و روانی فراهم نباشد، آن قیام به سرانجام نمی رسد؛ چنان که نهضت الهی امام حسین علیه السلام به جهت عدم همراهی مردم در ظاهر شکست خورد و آن حضرت به شهادت رسید.

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز این شرط را لازم دارد. مردم باید به حدی از رشد و آگاهی رسیده باشند که پذیرای حرکت اصلاحی و قیام بزرگ منجی عالم بشریت باشند. وجود این آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است؛ چرا که با وجود آن، حرکت اصلاحی حضرت به نتیجه خواهد رسید.

از میان چهار شرط یاد شده، دو شرط فراهم است و آن طرح و برنامه کامل برای اداره جهان و وجود رهبر شایسته و کارآمد است. اما شرط سوم و چهارم نیز لازم است فراهم شود و مردم آمادگی پذیرش انقلاب او را داشته باشند.

براین اساس می توان تفاوت های میان شرایط و علایم ظهور را چنین شمارش کرد:

۱. رابطه ظهور با شرایطش واقعی است. یعنی تا آنها نباشند ظهور هم اتفاقی نمی افتد حال آن که علایم، دلالت بر ظهور می کنند و از امکان و نزدیکی وقوع چنین حادثه عظیمی خبر می دهند.

۲. شرایط ظهور همگی با هم باید در یک زمان محقق باشند حال آنکه علایم ظهور، به طور طبیعی طی ماه ها و سال ها و قرن ها رخ می دهند. و نیز لازم نیست که همه شان رخ بدهند و تنها حدوث علایم حتمی کافی است

۳. شرایط ظهور باید مداومت داشته باشند و شرط بقای ظهورند، حال آنکه نشانه های ظهور در زمانی خاص رخ می دهند و نه لزوم و نه امکان دارد که آن شرایط در مدت زمانی

طولانی واقع شوند و وقوع آنها ادامه یابد.

عوامل مهم زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان انقلاب اسلامی است؛ منتهی در سطح وسیعتر و عمیق تر و از آنجا که این انقلاب تکمیل کننده انقلاب پیامبر اسلام ص است چند عامل مهم در زمینه سازی انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش بسزایی دارند!

۱_ جاذبه قرآن و حقانیت اسلام

همان گونه که در مثلها آمده «سرانجام حقیقت جای خود را باز می کند» تکیه بر حقایق نورانی و استوار و منطقی قرآن و اسلام، این مکتب زنده و غنی و حیاتبخش و سازنده، یکی از عوامل مهم پیروزی است.

۲_ علم و اندیشه و به کار انداختن آن

در این مورد اسلام اکیداً سفارش فرموده است. پیامبر خدا ص فرمود:

هر چیز اساس و پایه ای دارد. پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است و موضع گیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هر گونه فساد، محکمتر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است.

۳_ استقامت و پایداری و شجاعت

در صدر اسلام؛ استقامت و پایداری و شجاعت پر توان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث، از عوامل پیروزی بود. اینک نیز برای پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیاز به صبر و پایداری است.

۴_ زهد و رعایت اخلاق و حقوق

رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی و رعایت حقوق

جانی و مالی و عرضی و... که عالیتین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دلها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است. اخلاق پیامبر ص و امامان علیه السلام و شاگردانشان بسیاری از گردنکشان را به سوی اسلام پر مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید.

۵_ ایمان و توکل به خدا

روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش برنده و زمینه ساز و سوزاننده موانع سر راه است، یک چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به دست می آید که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت کننده چنین ایمان و توکلی است.

۶_ تعاون و همکاری

۷_ برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر

۸_ توجه به طبقه و قشر مستضعف

۹_ اتحاد و انسجام مسلمانان

۱۰_ رهبر شایسته

۱۱_ لزوم برنامه ریزی

گروه «زمینه سازان» در منابع اسلامی

در روایات زیر، گروه زمینه سازان به مناطق فوق منتسب شده اند:

۱. زمینه سازان مشرق

«حاکم» در مستدرک صحیحین از عبدالله بن مسعود نقل کرده است که وی گفت:

ص: ۱۵۲

«[روزی] رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم با شادمانی تمام به سوی ما آمد، به گونه ای که برق شادی در نگاهش می درخشید. هر چه می پرسیدیم، پاسخ می گفت، و هر گاه سکوت می کردیم، خود شروع می فرمود؛ تا آن که گروهی از جوانان بنی هاشم - که امام حسن و امام حسین علیهما السلام - در میانشان بودند، آمدند که از مقابل ما بگذرند. حضرت همین که آنان را دید در آغوششان کشید و اشک از دیدگان مبارکش جاری شد. گفتیم: ای فرستاده خدا! چیست که پیوسته در چهره شما چیزی می بینیم که خوش نداریم. فرمود: ما خاندانی هستیم که خدای تعالی آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده است. پس از من خاندانم رانده و آواره شهرها گردند تا آن که پرچم هایی سیاه در مشرق سربلند کنند. حق را طلبند و بدیشان ندهند، در برهه ای دیگر حق را طلب کنند و بدیشان ندهند، و باز نیز چنین شود، پس آن گاه نبرد کنند و پیروز شوند. [سپس فرمود:] هر که از شما یا فرزندان تان چنین روزی را درک کرد نزد امامی که از خاندانم می باشد حاضر شود - اگرچه جامه به خود پیچد و بر برف گام نهد - زیرا این پرچم ها پرچم های هدایتند که آنها را به مردی از خاندانم تقدیم کنند.» (۱)

ابی خالد کابلی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: «گویا می بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند و بدیشان داده نمی شود، ولیکن از پای نمی نشینند. از این رو سلاح بر می گیرند، در نتیجه آنچه می خواستند بدیشان داده می شود، اما نمی پذیرند تا آن که قیام می کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما [امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف] تحویل نمی دهند. کشته شدگان از آنان، شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می کردم.» (۲)

علامه مجلسی در بحار الانوار روایت کرده است:

ص: ۱۵۳

۱- مستدرک الصحیحین، حاکم نیشابوری، صفحات ۴، ۴۶۴ و ۵۳۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، (دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، لبنان)؛ و نیز غیبت نعمانی، انتشارات صدوق، باب ۱۴، ح ۵۰.

«رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد، لا- تزلهم الرياح العواصف، لا- يملون من الحرب ولا يجبنون وعلى الله يتوكلون والعاقبه للمتقين.»^(۱)

«مردی از اهالی قم مردم را به حق می خواند، گروهی که دل های آنان چون پاره های آهن است گرد او جمع شوند، طوفان های سخت نلرزاندشان، از جنگ خسته نشوند ویمی به خود راه ندهند، بر خدا توکل کنند و عاقبت [نیک] از آن پرهیزگاران است.»

نخستین چیزی که در این قشر جلب نظر می کند، صلابت، نیرومندی و استواری آنان است. بنابراین آنان قوی و زورمندند که زمین را برای ظهور امام علیه السلام آماده می سازند.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روایتی که محمد بن یعقوب کلینی آن را در ذیل آیه «فاذا جاء وعد اولاهما بعثنا علیکم عبدا لنا اولی باس شدید»^(۲) آورده، «بندگان سخت نیرومند» را به همین قشر تفسیر کرده است.

چنان که در روایت، به صفت عجیب «قلوبهم کزبر الحديد، لا تزلهم الرياح العواصف»^(۳) توصیف شده اند. با آن که دارای «دل» هستند و طبیعت دل، نرمی و رافت است، لیکن این دل ها در رویارویی با طاغوت ها و ستمگران به تکه های آهن بدل می شوند که دیگر نرمی و رقت نمی شناسند.

برنامه زمینه سازی

آماده سازی دنیا برای انقلاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه ای گسترده، بزرگ و پیچیده است که این گروه در رویارویی با ستمگران و طاغوت های مستکبر و سردمداران کفر بدان اقدام می کند.

از این رو گروهی که عهده دار آماده سازی جهان برای ظهور امام عصر علیه السلام است به ناچار

ص: ۱۵۴

۱- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶؛ و نیز سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲- سوره اسراء (۱۷) آیه ۵: «پس آن گاه که وعده تحقق نخستین آن دو فرارسد، بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم....»

۳- دل هاشان همچون پاره های آهن است که طوفان ها آنان را نلرزاند.

می باید در رویارویی با این نیروها از همان تشکیلاتی که جبهه استکبار جهانی برخوردار است، برخوردار باشد. بلکه با تربیت ایمانی و جهادی و آگاهی سیاسی از دشمن پیشی گیرد.

بنابراین، طرح زمینه سازی برای قیام امام عصر علیه السلام که گروه زمینه سازان تدارک می بینند، دارای دو جنبه خواهد بود:

جنبه اول

رشد ایمانی، جهادی و آگاهی سیاسی، این، دقیقا همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است.

جنبه دوم

[ایجاد] تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری و اطلاعاتی که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد.

این تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی بدون وجود نظام سیاسی و دولت در جهان محقق نخواهد شد، و این، همان دولت زمینه سازان است که روایات زیادی مژده برپایی آن را داده اند و به ناچار شکل گیری چنین نیرویی در زمین، ظهور امام علیه السلام را نزدیک می گرداند، و بدون آن، عوامل طبیعی ظهور امام فراهم نمی آید. کسب چنین نیرویی نیازمند عمل و حرکت در متن زندگی است و فقط «مترصد» بودن و به «انتظار» نشستن، به معنی منفی آن، دردی را درمان نمی کند.

علایم و نشانه های ظهور امام مهدی علیه السلام

«ظهور» در فرهنگ مهدویت به معنای فرجام پنهان زیستی و آغاز بزرگ ترین تحول تاریخ به دست موعود امت ها و ملت ها و آخرین ذخیره الهی، حضرت مهدی علیه السلام است.

عصر روشن ظهور را می توان به مراحل ذیل تقسیم نمود:

۱. نخست همان مرحله ظهور و آشکار شدن است که به مجرد پاره شدن پرده

غیبت حاصل می شود و پس از آن، حضرت به معرفی خویش، برنامه های الهی و جمع آوری یاران می پردازد که در این فاصله، رخدادهایی به وقوع می پیوندند.

۲. در این مرحله نوبت به قیام و مبارزه با دشمنان می رسد. ایشان هرگز قطره خونی به ناحق بر زمین نخواهد ریخت و اوست که زمین را پر از عدل و قسط خواهد نمود.

پس از سپری شدن این مراحل، نوبت به مرحله پایانی می رسد که آن هم حاکمیت انسان کامل بر جامعه انسانی است که این مژده تمامی سفیران الهی بوده است.

زمان ظهور

در بسیاری از روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام، صلی الله علیه و آله، و امامان معصوم علیهم السلام، نقل شده، این نکته مورد تاکید قرار گرفته که ظهور نیز همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره فرا می رسد و زمان آن را هیچکس جز خداوند حکیم نمی داند. از جمله در روایتی که امام رضا علیه السلام، به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، نقل می کند چنین آمده است: ان النبی، صلی الله علیه و آله، قیل له: یا رسول الله متی یخرج القائم من ذریعتک؟ فقال علیه السلام: مثله مثل الساعه التي «لا یجلیها لوقتها الا هو ثقلت فی السموات و الارض لا یتیکم الا بغته». به پیامبر، صلی الله علیه و آله، عرض شد: ای رسول خدا آن قائم که از نسل شماست چه وقت ظهور می کند؟ آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است. «تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد آشکارش می سازد. فرارسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است. جز به ناگهان بر شما نیاید». این دسته از روایات از یک سو هشدار می دهد که شیعیان در هر لحظه آماده ظهور حجت حق باشند و از سویی دیگر تذکری به همه کسانی که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

از طرفی تعیین وقت برای ظهور جایز نیست و بر اساس روایات معصومین علیهم السلام، ما وظیفه داریم کسانی را که به تعیین وقت برای ظهور می پردازند تکذیب کنیم. امام صادق علیه السلام، در روایتی

خطاب به محمد بن سلم می فرماید: یا محمد، من اخبرک عنا توقیتا فلاتهابن ان تکذبه، فانا لانوقت لاحد وقتا. ای محمد! هر کس برای تو خبری از ما درباره تعیین وقت [ظهر] نقل کرد در تکذیب او درنگ نکن؛ زیرا ما [اهل بیت] برای هیچکس وقت ظهر را تعیین نکرده ایم. همچنین در توقیعی که از ناحیه مقدسه صاحب الزمان علیه السلام، در پاسخ به پرسشهای «اسحاق بن یعقوب» وارد شده چنین می خوانیم: و اما ظهور الفرج فانه الی الله تعالی ذکره، و کذب الوقاتون. اما آشکار شدن فرج، به اراده خداوند است و آنان که [برای ظهر] وقت تعیین می کنند دروغ می گویند.

بررسی نشانه های ظهور

بخش عمده ای از روایاتی که در زمینه مهدویت و انتظار از پیامبر گرامی اسلام، صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام، نقل شده مربوط به نشانه های ظهور است. که این نشانه ها عبارتند از برخی رویدادهای اجتماعی مانند جنگها، شورشها، کشته شدن افرادی خاص، زوال برخی حکومتها و...؛ برخی رویدادهای طبیعی مانند، سیلها، ویرانگر، قحطی، خشکسالی، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی غیر عادی و... و همچنین برخی حوادث غیر عادی مانند برخاستن ندایی در آسمان که نام قائم علیه السلام، را در همه جا طنین انداز می سازد. چنان که در روایات تصریح شده وقوع برخی از نشانه های یاد شده حتمی است و تا آنها واقع نشوند ظهور رخ نخواهد داد. برخی از آنها نیز غیر حتمی بوده و چه بسا که واقع نشوند. این نشانه ها از یک سو هشدار و آماده باشی برای منتظران و از سویی راهی برای شناخت ادعاهای بی اساس و مدعیان دروغین مهدویت و به عبارت دیگر وسیله ای برای حفظ مردم از درافتادن در خطا و اشتباه است. بنابراین همه ما وظیفه داریم که نشانه های ظهور را بر اساس روایات صحیح و قابل اعتماد بشناسیم و از کم و کیف آنها بدرستی آگاه شویم تا هر ادعایی را بدون دلیل نپذیریم.

آخر الزمان، اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ دنیا به چشم می خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت خاص برخوردار است. این اصطلاح معمولاً به روزگار پایانی دنیا و رویدادهایی که ممکن است در این بخش از زندگی جهان به وقوع بپیوندد، گفته می شود. ادیان بزرگ، درباره آخر الزمان پیش گویی هایی کرده اند. برای مثال در «انجیل» چنین آمده است «... و این را بدان که اوقات صعب در زمان آخر خواهد رسید، زیرا که مردم خود دوست و زرپرست و مغرور و متکبر و کفرگو و نافرمان والدین و حق ناشناس و بی دین و بی الفت و بی وفا و خبث کننده و بی پرهیز و بی حلم و با خوبان بی اعتنا و خائن و کم حوصله و عبوس خواهند بود و عیش را برخدا ترجیح می دهند.» (۱)

در معارف ارزشمند اسلامی این اصطلاح در دو معنای کلی به کار رفته است:

۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می یابد. از این رو آن پیامبر الهی را پیامبر آخر الزمان نیز نامیده اند.

۲. مدت زمانی که با ولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز می شود. این گستره زمانی زمان غیبت و ظهور را در بر گرفته، با شروع قیامت به انجام می رسد.

این محدوده زمانی نشانه هایی دارد که اصطلاحاً «علائم آخر الزمان» خوانده می شود. علاوه بر اصطلاح رایج علائم آخر الزمان در فرهنگ مسلمانان، اصطلاح مشابه دیگری به نام «اشراط الساعة» وجود دارد. این اصطلاح که بیش تر نزد اهل سنت رایج است، به نشانه های وقوع قیامت اختصاص دارد، ولی روایاتی که ذیل این عنوان ذکر شده، نشان می دهد بسیاری از نشانه های آن چون نشانه های آخر الزمان است و می توان بسیاری از نشانه های آخر الزمان را نشانه های قیامت دانست.

ص: ۱۵۸

هماگونه که اشاره شد، آخرالزمان به دو بخش متفاوت تقسیم می شود. براساس روایات، بخش اول بسیار دشوار خواهد بود. بخشی از مشخصه های این عصر عبارت است از:

پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ویژگی های انسان های این دوران را این گونه بر شمرده است: زمانی بر مردم خواهد آمد که دینشان درهم هایشان خواهد بود و زنان، قبله هایشان، برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جا می آورند. آن ها همواره در حیرت و مستی خواهند بود. نه بر مذهب مسلمانی اند و نه بر مسلک نصرانی. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زمانی بر امت من می آید که در آن زمان، درون های مردم پلید می شود، ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می گردد.

به آن چه در پیشگاه خداوند است، دل نمی بندند، کارشان ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آن ها را به عذابی فراگیر دچار سازد.

آن ها چون انسانی در حال غرق شدن، خداوند را می خوانند، ولی خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند. (۲)

یکی دیگر از ویژگی های دوران آخرالزمان، امتحاناتی است که انسان ها در این دوران پشت سر می گذارند. با این آزمون ها مردم به دو گروه کاملاً متفاوت تقسیم می شوند: موفق ها و ناموفق ها.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره نجات یافتگان این دوران می فرماید: و آن زمانی است که از فتنه ها نجات نمی یابد، مگر مؤمنی که بی نام و نشان است. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند و اگر غایب گردند، کسی سراغ آن ها را نمی گیرد. آن ها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه ما، چراغ های هدایت و نشانه هایی روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز، نه در پی اشاعه فحشایند و نه مردمی سفیه و لغوگو! اینانند که خداوند درهای

ص: ۱۵۹

۱- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۰۶۵.

رحمتش را به رویشان باز می کند و سختی ها و مشکلات را از آن ها برطرف می سازد. (۱)

نشانه های ظهور

هر مسئله ای که اهمیت و مقبولیت عمومی داشته باشد، مخاطرات و تهدیدها نسبت به آن از ناحیه سودجویان و فرصت طلبان بیشتر خواهد شد؛ از جمله این مسائل که دارای شاخصه های جهانی و همگانی است، ظهور منجی است که به منزله اعتقاد و باور عمومی در همه ادیان مطرح شده است. طبیعی است افرادی که به دنبال منفعت و سودجویی فردی اند با آزمندی بسیار و با ظاهر سازی فریبنده به اغفال مردم می پردازند تا به نیت سوء خود برسند. از اینرو بیان نشانه ها و علایم ظهور، ضروری است و رهبران و بزرگان دین، برای جلوگیری از این انحرافها و کج رویها و برای حفظ باورهای اصیل مردم، باید منجی و مصلح آخر زمان را با تمام شاخصه ها و خصال معرفی نمایند و برای ظهور و قیام او نشانه ها و علایمی را بیان کنند تا مردم در تمیز سره از ناسره در تحیر و تردید نمانند.

از همین رو در روایات و احادیث بسیاری منجی آخر زمان (حضرت مهدی علیه السلام) و کیفیت ظهور او، با تمام علایم و نشانه ها بیان شده است.

در رویکرد کلی و کلان، می توان نشانه ها و علایم ظهور امام زمان علیه السلام را به انواع مختلف تقسیم کرد که به یکایک آنها خواهیم پرداخت:

الف) نشانه های عام و خاص

۱. نشانه های عام

آن دسته از نشانه ها و علایمی که شاخصه های کلی و عمومی دارند یعنی در قالب پدیده خاص، در برهه خاص و در افراد خاصی متصف نشده اند، «علایم عمومی» نامیده می شوند؛

ص: ۱۶۰

نظیر احادیث و روایاتی که از احوال و اوضاع مردمان آخر زمان خیر می دهند و از انحرافات و کج رویهایی که در آن دوره رخ می دهد سخن به میان آورده اند که در واقع، نوعی بیان علایم و نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام است، اما در قالب و معیار کلی و عمومی.

۲. نشانه های خاص

اشاره

بعضی از نشانه ها و علایم ظهور، به صورت خاص و با شاخصهای ویژه در افراد متعین، تبلور می یابد؛ مثلا نشانه هایی نظیر فرو رفتن سفیانی در بیداء، قیام یمانی، خراسانی، سفیانی، دجال، قتل نفس زکیه، نشانه های حتمی و غیر حتمی

۱. نشانه های حتمی

علایم و نشانه هایی که به طور قطع قبل از ظهور حضرت، رخ خواهند داد و در واقع، هیچ گونه قید و شرطی در ایجاد آنها لحاظ نشده است علایم حتمی نامیده می شوند و شاید بتوان گفت که ادعای ظهور قبل از تحقق آنها کذب و دروغ است.

۲. نشانه های غیر حتمی

اشاره

بعضی از نشانه های ظهور قبل از ظهور، بطور مشروط رخ می دهند؛ یعنی اگر مقتضی آنها موجود و موانع مفقود باشد، تحققشان حتمی خواهد بود. در میان نشانه ها و علایم، آنچه حتمی شمرده شده، جزء محتومیات هستند و غیر از آنها که گروه بسیاری از علایم را تشکیل می دهند جزء علایم غیر حتمی شمرده می شوند.

به هر حال از روایات فراوانی که در میان آنها روایت صحیح نیز وجود دارد، حتمی بودن نشانه های پنج گانه ذیل استفاده می شود:

۱. خروج سفیانی

از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود که پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلامی را به تصرف

خود در آورد و پس از اتفاقاتی، در پایان به دست حضرت مهدی علیه السلام، به قتل می رسد.^(۱)

۲. خروج یمانی

یکی دیگر از نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خروج سرداری از اهل یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت می کند. این نشانه در منابع اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است و از پرچم او به عنوان هدایت گرتترین پرچم یاد شده است.^(۲)

۳. خسف به بیداء

خسف به بیداء، به معنای فرو برده شدن در سرزمین بیداست. مقصود از این نشانه آن است که لشکر سفیانی به قصد جنگ با مهدی علیه السلام عازم مکه می شود و در بین مکه و مدینه، در محلی که سرزمین بیدا نامیده می شود، به گونه ای معجزه آسا و به امر خداوند در زمین فرو می روند.^(۳)

۴. قتل نفس زکیه

نفس زکیه، یعنی فرد بی گناه، پاک و کسی که قتلی انجام نداده است. در آستانه قیام حضرت مهدی علیه السلام و در گیرو دار مبارزات زمینه ساز انقلاب مهدی علیه السلام، فردی پاک باخته، مخلصانه در راه امام تلاش می نماید و مظلومانه به شهادت می رسد.^(۴)

۵. ندای آسمانی

یکی دیگر از نشانه های حتمی ظهور، ندای آسمانی است؛ صدایی که در بین زمین و آسمان تولید می شود و به گوش تمامی انسان های روی زمین می رسد.^(۵)

ص: ۱۶۲

۱- ر. ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۴.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۵.

۵- ر. ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

خروج دجال

دجال، از ریشه‌ی «دجل» به معنای «دروغگو و حيله‌گر» است. اصل داستان دجال، در

کتاب‌های مقدس مسیحیان آمده است (رساله یوحنا، باب ۲، آیه‌ی ۱۸ و ۲۲). در انجیل، این واژه، بارها به کار رفته است، و از کسانی که منکر حضرت مسیح و یا «پدر و پسر» را انکار کنند، به عنوان دجال یاد شده است. به همین جهت، در ترجمه‌ی انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی، واژه‌ی آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح، به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته شده است (سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷ تا ۵۱۹؛ سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۱۵؛ صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶ تا ۸۱). اما در کتب روایی شیعه، تنها دو روایت در باره‌ی خروج دجال، به عنوان یکی از علائم ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آمده است (کمال‌الدین، صدوق، ص ۵۲۵، ۵۲۶) که هیچ کدام از این دو روایت، از نظر سند، معتبر و قابل قبول نیست. بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجال یکی از علائم ظهور باشد، وجود ندارد، اما در عین حال، با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنت آمده است، احتمال دارد اصل قضیه دجال، به طور اجمال، صحت داشته باشد، اما بدون تردید بسیاری از ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است، افسانه‌هایی بیش نیست. حال به فرض پذیرش، این سؤال مطرح است که مقصود از دجال چیست؟

دو احتمال اساسی در این زمینه وجود دارد:

۱- با توجه به معنای لغوی دجال، مقصود از آن، نام شخصی معینی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با تمسک به انواع اسباب حيله‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس، دجال‌ها، متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن، سخن از دجال‌های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می‌کند. مانند: «قال رسول

الله: یکون قبل خروج الدجال یتف علی سبعین رجلاً؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال، خروج خواهد کرد.» (کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰). بنابراین احتمال، در حقیقت، قضیه ی دجال، نشانه‌ی این مطلب است که در آستانه‌ی انقلاب امام مهدی (علیه السلام) افراد فریب‌کار و حيله‌گری، برای نگهداشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه‌ی تلاش خود را به کار می‌گیرند و با تزویر و حيله‌گری، مردم را نسبت به اصالت و تحقق انقلاب جهانی منجی، دل‌سرد و یا دو دل می‌کنند.

این که در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجال بر حذر داشته است». خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجال، هر شخص حيله‌گر و دروغگویی است که قبل از خروج حضرت مهدی (علیه السلام) در صدد فریب مردم است.

۲- دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره‌ی فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. استکبار، با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی و صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می‌کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده‌ی خود کند. بر این اساس، این که پیامبران، امت‌های خود را از فتنه‌ی دجال بیم داده‌اند ما بعث الله نبیاً الا و قد انذر قومه الدجال...؛ هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آن که قوم‌اش را از فتنه‌ی دجال بر حذر داشت (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵) به این معنا است که آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه‌ی حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی بر حذر داشته‌اند. پس احتمال می‌رود، منظور از دجال، با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده، همان استکبار جهانی باشد. در اوصاف دجال گفته شده «کوهی از طعام و شهری از آب، به همراه دارد». این، کنایه از امکانات عظیم و گسترده‌ای است که استکبار در اختیار دارد.

برای آگاهی بیش‌تر به چشم به راه مهدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، جمعی از نویسندگان، ص ۲۸۹ و دادگستر جهان، ابراهیم امینی، مراجعه شود.

از نشانه های ظهور، «کسوف در نیمه رمضان» و «خسوف در آخر یا اول همان ماه» است. کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه، طبیعی و عادی است، ولی خورشید گرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اوایل یا آخر آن، ظاهراً امری غیر عادی است و رؤیت آن امکان ندارد. فلسفه این نشانه غیرعادی همانند برخی نشانه های دیگر، می تواند بیدار شدن مردم از خواب غفلت و یقین به امر ظهور باشد. به عبارت دیگر، خداوند در آستانه ظهور، برای اقامه حجت بر مردم و مطمئن ساختن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ظهور آن حضرت، چنین پدیده هایی را برخلاف معمول و به گونه معجزه، محقق می سازد. البته این نشانه، از نشانه های حتمی ظهور نیست و در روایات، به ناگزیر بودن آن اشاره نشده است.

جمع بندی

برخی از علما معتقدند: همان گونه که غیبت دو مرحله ای بود و غیبت صغری برای ایجاد آمادگی مردم برای ورود به غیبت کبری لازم بود، ظهور نیز ممکن است دو مرحله ای باشد و با ظهور صغری که در انقلاب اسلامی ایران تجلی یافته است، مردم با حقیقت قیام امام زمان آشنایی بیشتری پیدا کرده اند و برای ظهور اصلی و قیام جهانی حضرت آماده می شوند.

حرکت عمومی کشورها و جوامع به سمت وحدت و همگرایی و به عبارت دیگر توجه به تشکیلات بین المللی و اتحادیه های منطقه ای و فاصله گرفتن از جزء گرایی، ملت ها را به این نتیجه رسانده که برای آینده ای بهتر، باید مرزها را به حداقل رساند و جهان را دهکده ای کوچک دانست. این رویداد، آمادگی مردم برای پذیرش یک حاکمیت فراگیر، بیشتر کرده است. البته استکبار جهانی ثوری دهکده جهانی را در جهت حفظ منافع خود و تک

قطبی شدن جهان پی گیری می کند اما چه بسا اراده الهی به دست دشمنان خدا نیز انجام گیرد.

اجحاف و تجاوز بیش از حد و روز افزون دولت های استکباری به کشورهای فقیر به شکل های گوناگون از یک سو و لجام گسیختگی فرهنگی و فکری و علمی؛ مانند بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مدنیت از سوی دیگر، باعث هرج و مرج در زندگی بشر شده است.

این گونه مسائل و مباحث این واقعیت را اثبات می کند که آینده روشن فقط در سایه حاکمیت فردی آسمانی است که احتمالاً ظهورش نزدیک است.

ص: ۱۶۶

فصل نهم: حکومت جهانی امام زمان

اشاره

ص: ۱۶۷

رسیدن به منزلت منتظر بودن و یاری قائم آل محمد علیه السلام برترین کمال ها را می طلبد و بایستی در بی بدیل ترین فراز کمال و عشق بود تا به این خلعت عالی مخلع گردید. بدین تشریف هر کسی را مشرف نمی گردانند، باید گوهری پاک داشت و اهل حال بود و ریاضت کش کوی عشق که:

گوهر پاک نباید که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

سیمای حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

سه دوران مشخص در مورد انقلاب بزرگ تاریخ بشر، (قیام حضرت مهدی علیه السلام) وجود دارد:

۱. دوران آمادگی و انتظار و نشانه های ظهور.

۲. دوران تحقق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد.

۳. دوران حکومت جهانی (دولت حق و عدالت)

در اندیشه مهدوی مباحث متعدد و متفاوتی مطرح می شود. یکی از مهم ترین آنها، مسأله «حکومت جهانی مهدوی» است که دامنه گسترده ای هم دارد و به همین جهت تعبیرهای مختلفی از این دولت در ادبیات دینی (به خصوص ادبیات شیعه) شده است که هر کدام از تعبیرها به جنبه ای از جنبه های متعدد حکومت مهدویت اشاره دارد.

برخی از تعبیرهایی که در روایات در مورد دولت و حکومت امام مهدی علیه السلام آمده به شرح زیر است:

۱. «دولت جهانی» که اشاره به قلمرو حکومت دارد؛

۲. «دولت عدالت» که اشاره به بسط عدالت در زمان حاکمیت این دولت دارد؛

۳. «دولت کریمه» که اشاره به محوریت کرامت انسان در این دولت دارد و به طور مشخص بیان شده که کرامت مداری یعنی عزت اسلام و مسلمین از یک سو و ذلتِ نفاق و منافقان از سوی دیگر؛

۴. «دولت صالحان» که اشاره به صالح بودن زمامداران آن است؛

۵. «دولت حق» که اشاره به حق مداری این دولت و نتیجه آن؛ یعنی بسط حق و رفع باطل است؛

۶. «دولت مستضعفان» که اشاره به حاکمیت یافتن کسانی دارد که از سوی صاحبان زر و زور و تزویر به استضعاف کشیده شده اند؛

۷. «دولت امنیت» که اشاره به امنیت فراگیر در آن دولت است؛ امنیتی که هم اجتماعی است و هم ایمانی؛

۸. «دولت رفاه» که اشاره به فراگیری رفاه در پهنه زمین است و...

مهم ترین و اساسی ترین اقدام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پیروزی و سیطره بر سراسر جهان، تشکیل دولت و به دست گرفتن حکومت و فرمانروایی دنیا است. مردم جهان در عین حال که شاهد نابسامانی، جنگ ها، فساد، بی عدالتی، ناامنی و الحادگرایی در جهان بوده اند؛ دولت ها، احزاب و سازمان های بسیاری را نیز دیده اند که مدعی خدمت به جهانیان و ایجاد آرامش، صلح و امنیت و بهبود وضع اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در دنیا بوده اند! اما در عمل چیزی جز تباهی و ستم و جنگ مشاهده نکرده اند؛ با این حال روزگاری فرا می رسد که معنویت و عدالت، به دست توانای مرد الهی و در دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام برقرار می شود و رفاه، امنیت، عدل و یکتاپرستی در همه جای عالم گسترش می یابد. روشن است که این تنها با تشکیل دولت و انسجام در امور، به دست می آید. امام باقر در تفسیر آیه ((الذین ان مکناهم فی الارض...)) می فرماید:

این آیه در حق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او است که خداوند آنها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می کند و بدعت ها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می سازد _ چنان که [قبلاً] سفیهان حق را لگدمال کرده باشند _ تا اینکه از ستم نشانه ای نمی ماند. (۱)

این دولت بهترین، کامل ترین و مردمی ترین دولت ها _ پس از نابودی و پایان فرصت دولت های دیگر _ خواهد بود. در این زمینه روایتی آمده است:

همانا دولت ما آخرین دولت ها است و برای هیچ خاندانی دولتی نیست؛ مگر اینکه قبل از ما حکومت کند؛ تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگوید _ وقتی روش حکومتی ما را دیدند _ اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین رفتار می کردیم. و این گفتار خداوند است که: عاقبت برای تقوا پیشگان است. (۲)

از بررسی اهداف، کارویژه ها و عملکردها، پیامدها، نتایج مثبت، ویژگی ها و شاخص ها و برنامه های دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به دست می آید که پس از قیام و پیروزی بر گروه باطل و نابودی آنها، ظلم و ستم از بین رفته و امنیت برقرار می شود. اما برای تغییر در بینش، روش و منش ناسالم مردم _ که سالیان سال با آن خو گرفته اند _ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ رشد و کمال یابی انسان ها را سرلوحه برنامه های خود قرار داده و بر تزکیه نفوس، تتمیم مکارم اخلاقی، دعوت به خیرات عامه و فضایل (عدالت، راستی، قسط، پاکی و...) اقدام خواهد نمود. و این تنها در سایه تشکیل دولت اخلاقی مبتنی بر ساختار امامت امکان پذیر است؛ یعنی، دولتی که رشد اخلاقی و عقلی مردم را هدف اصلی خود قرار داده و آنها را به کمال مطلوب و واقعی می رساند.

در نتیجه مردم به آن غایت اصلی و بنیادین خود (عبادت و عبودیت) و تقرب به خداوند سوق داده می شوند و در پرتو آن، به زدودن رذایل و آراستن فضایل، موفق خواهند شد. این

ص: ۱۷۰

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷؛ تأویل الآیات، ص ۳۳۹.

۲- کتاب الغیبه، ص ۴۷۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

دولت، سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ را به سمت فضیلت های اخلاقی و خیرات می کشاند و با پیوند میان سیاست و اخلاق، در تعالی و تکامل اخلاقی و عقلی مردم می کوشد. در این راستا، علم، دانش، صنعت و تکنولوژی در مسیر درست خود قرار می گیرد و رابطه مردم با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت تصحیح می شود و قدرت نیز در خدمت آنان قرار می گیرد. در این عصر سرچشمه اخلاق، دین و وحی الهی و شریعت آسمانی است که تکلیف و وظیفه مردم را به شکل مطلوبی تبیین می کند و....

این وعده قطعی و حتمی خداوند، تخلف نمی پذیرد و حقّ با تمام توان و شکوه به پیروزی می رسد. از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین مرحله از مبارزات حقّ در برابر باطل است. او تحقق بخش آرمان ها و خواسته های همه پیامبران و اولیای الهی است. به گفته شهید مطهری: «از آیات قرآن استفاده می شود که ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حقّ و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حقّ منتهی می شود. سهمیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حقّ باشد. آیاتی که بدان ها در روایات استناد شده است، نشان می دهد که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان» (۱).

«در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان تدریجاً بیشتر جنبه عقیدتی و مسلکی پیدا کرده و می کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزش های انسانی، به مراحل کمال خود؛ یعنی به مرحله انسان آرمانی و جامعه آرمانی نزدیک تر می شود تا آنجا که در نهایت امر، حکومت و عدالت؛ یعنی حکومت ارزش های انسانی _ که در تعبیرات اسلامی از آن حکومت مهدی تعبیر شده است _ مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خود

ص: ۱۷۱

خواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد ماند».(۱)

پیروزی حق بر باطل با انقلاب جهانی مهدوی

در روایات به زیبایی، صحنه پیروزی حق بر باطل تصویر تصویر شده است:

- در این هنگام فجر دولت حق می دمدمد و تاریکی باطل را صحنه گیتی برچیده می شود (فَعْنَدَهَا تِيْلَأُوْ صَبِيْحَ الْحَقِّ وَيَنْجَلِي ظِلَامَ الْبَاطِلِ)(۲)؛

- زمانی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می رود (اِذَا اَقَامَ الْقَائِمُ، ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ)(۳)؛

- خداوند حق را به دست آنان، ظاهر می کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می سازد (يُظْهِرُ اللهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَيَخْمَدُ الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ)(۴)؛

- خداوند به دست او، حق را پایدار و پیروز و باطل را نابود می کند (يَحَقِّقُ اللهُ بِهِ الْحَقَّ وَيَزْهَقُ الْبَاطِلَ)(۵)؛

- خداوند آنان (مهدی و یارانش) را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می گرداند و بدعت ها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می سازد (يَمْلِكُهُمُ اللهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللهُ - عَزَّوَجَلَّ - بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ)(۶)؛

- زمین را از دشمنان من پاک و میراث دوستانم می کند (اطْهَرِ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ

ص: ۱۷۲

۱- قیام و انقلاب مهدی، ص ۴۴.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۸.

۳- کتاب الغیبه طوسی، ص ۲۳۹.

۴- امالی طوسی، ص ۳۵۲، ج ۷۲۶.

۵- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰.

۶- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

بر اساس پاره ای از احادیث قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی رخ خواهد داد که سعید و شقی (گروه حق و باطل) به نهایت کار خود رسیده باشند؛ یعنی، هر چه این حرکت تاریخ رو به جلو می رود، هم شقی شقی تر و هم سعید سعیدتر می شود. شیخ صدوق روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می کند بر اینکه: این امر تحقق نمی پذیرد؛ مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد.

پس سخن در این است که گروه «سعدها» و گروه «اشقیاء»، هر کدام به نهایت کار خود برسند، نه اینکه سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند. در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می شوند. به هر حال از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که «قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، پایان بخش عمر گروه باطل و اهل شقاوت است و در این دوران صالحان و حق پویان، به رهبری آن حضرت، اهل نجات و ظفرمندی خواهند بود.

شکل گیری انقلاب جهانی

انقلاب مهدوی ابتدا حالت تهاجمی و جنگی ندارد، بلکه نهضت مقدسی برای رهایی انسان ها و فرو کاهیدن از آلام و رنج بشری و سوق دادن آنان به کمال نهایی و سعادت سرمدی است. پیام واضح و آشکار این انقلاب «معنویت، عدالت و عقلانیت» است که همگان به آن دعوت می شوند.

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «سپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمده اند، به سمت مکه خروج می کند... [آنجا] قیام کرده، می گوید: ای مردم! من فلانی، فرزند فلانی هستم، من پسر رسول خدا هستم. شما را به همان چیزی دعوت می کنم که پیامبر خدا، شما را

ص: ۱۷۳

به آن فراخوانده است»^(۱) از امام صادق علیه السلام نیز نقل است که فرمود: «... به نزد مقام ابراهیم می آید و مردم را به حق فرا می خواند»^(۲) صاحبان زور و تزویر و طرفداران باطل (جبهه کفر و نفاق و فساد)، هجومی گسترده علیه انقلاب جهانی آغاز می کنند و خواهان نابودی آن هستند. اما وقتی امام دعوت عمومی خویش را شروع می کند، مردم رنج دیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح گر جهان برایش مجهز می شود. در روایتی آمده است: «[یاران قائم] شرق و غرب جهان را می گیرند و تمامی موجودات جهان را مسخر می کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخوردند، آنها را پاره می کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از قیام نمی کشند»^(۳).

امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه ((وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها)) می فرماید: «این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید...»^(۴).

امام رضا علیه السلام می فرماید: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد»^(۵) حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «گویا قائم را می بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می دارد»^(۶) و نیز «مهدی علیه السلام، یاران خود را برای گرفتن

ص: ۱۷۴

-
- ۱- امالی صدوق، ص ۵۸۲، ح ۷۷۱.
 - ۲- امالی صدوق، ص ۵۸۳، ح ۷۷۹.
 - ۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.
 - ۴- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۹.
 - ۵- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴، ح ۴۱۵.
 - ۶- ارشاد مفید، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

بیعت، به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگران را نابود می کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می گشاید» (۱).

با وحدت و انسجامی که در صفوف انقلابیون به وجود می آید و رهبری بی بدیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروز و موفقیت کامل نصیب حق طلبان می شود و صالحان و شایستگان جانشین مجموعه قبلی می شوند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مرحله آغازین پیروزی، همه حکام جور و ستم را بر کنار می کند و صالحان حق طلب و عدالت گستر را به جای آنها منصوب می نماید: «... ليعزلنَّ عنكم امراء الجور وليطهرنَّ الارض من كلِّ غاش»؛ (۲) «... حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می سازد». امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که امام قائم قیام می کند، دولت باطل بر چیده می شود (اذا قام القائم ذهب دوله الباطل)» (۳) و «همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ما است (ان زوال ملك الجابره و الظلمه على يد القائم منّا)» (۴). به این ترتیب همه شهرها و کشورهای جهان را یک به یک از دست حکام فسادگر و ظالم خارج می کند و انقلاب جهانی خود را به همه جای عالم گسترش می دهد. این خیزش و جنبشی است که حق طلبان و مستضعفان عالم را در خود جای می دهد و در نتیجه اتحاد فراگیر و کنش جمعی و همگانی، به پیروزی می رسد. آنچه در این قیام نمود بیشتری دارد، شمول نجات بخشی و حق گستری آن، به همه طبقات و گروه های جامعه و به تمامی کشورها و مناطق عالم است. این نشانگر گسترده بودن وضعیت انقلابی و در نتیجه حتمی بودن انتقال قدرت است.

ص: ۱۷۵

- ۱- ملاحم، ابن طاووس، ص ۶۴.
- ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.
- ۳- منتخب الاثر، ص ۵۸۷، ح ۴۰۳.
- ۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۵۱.

از نتایج درخشان انقلاب مهدوی، به وجود آمدن وحدت و انسجام پایدار در جهان است. در روایتی درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «هو الذی یجمع الکلم و یتّم النعم»^(۱)؛ «او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می کند و نعمت را کامل می سازد».

ویژگی های حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

بعضی از مؤلفه ها و ویژگی های حکومت جهانی را می توان چنین برشمرد:

۱. جهان شمولی

حکومت حضرت مهدی جهان شمول و فراگیر بوده و جامع و شامل تمامی افراد بشر _ در شرق و غرب زمین _ است. هیچ یک از طبقات و گروه های انسانی از گستره آن خارج نبوده و هیچ بعدی از ابعاد زندگی (فرهنگ، سیاست، اجتماع، اقتصاد و ...) مورد غفلت قرار نگرفته است. در حالی که در سایر نظریه ها چنین نبوده و تنها طبقه و گروه خاصی مورد نظر بوده است؛ برای مارکس، «طبقه کارگر و پرولتاریا»، برای هگل، «نژاد برتر آلمانی»، برای یهود، «قوم برگزیده بنی اسرائیل»، برای فوکویاما، «جهان غرب» و ... واجد اهمیت است.

در روایات فراوانی درباره عصر ظهور آمده است: «زمین با نور پروردگارش منور می شود، سلطنت او، شرق و غرب جهان را در برمی گیرد»^(۲).

۲. عدالت گرایی

عدالت؛ یعنی، برقراری مساوات و برابری؛ تقسیم عادلانه ثروت و نعمت؛ رفع ظلم و ستم و برپایی آیین دادگری و حق گرایی؛ ایجاد تعادل در همه امور (به خصوص رفتارها و پندارهای انسان ها) و قرار دادن هر چیز و هر کس در جای مناسب خود. «عدالت»، امری

ص: ۱۷۶

۱- یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۶۳.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.

جامع و کامل است و منحصر در قسط و دادگری نیست، به همین جهت در سیاست، حقوق، اقتصاد _ و به خصوص اخلاق _ جایگاه ویژه ای دارد و تأمین فراگیر آن، وجه ممیزه یک نظریه و آموزه برتر و موفق است.

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان عدالتی در جامعه برپا می کند که زندگان آرزو می کنند کاش مردگانشان زنده می بودند و از عدالت او بهره مند می شدند»^(۱) و نیز: «چون قیام کند، به عدالت داوری می کند و در زمان او ستم ریشه کن می شود و ...»^(۲).

۳. معنویت گرایی و کمال بخشی

تفسیر و تصویر راهبردی از عرصه های اساسی حیات بشر و نگرش جامع و کامل به امور، ایجاب می کند که ریشه و بنیاد تمامی مشکلات بشر، شناسایی و برای آن راه حل ارائه شود. با توجه به آموزه های وحیانی و روایی و تجربه های زندگی بشری، انسان ها، بیش از آنکه از بی عدالتی، ناامنی، فقر، تبعیض و ... سختی بینند؛ از فساد اخلاق و تباهی فکر رنج برده اند! ریشه تمامی جنگ ها، ظلم ها، بیدادگری ها، بت پرستی ها، حق کشی ها، طغیان ها و ناراحتی ها، عدم تزکیه و تربیت واقعی انسان ها و نداشتن رشد فکری و اخلاقی بوده است! اگر انسان به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی برسد و به کرامت و ارزش واقعی خود و دیگران پی ببرد؛ به هیچ عنوان در صدد استثمار و بهره کشی، ظلم و تبعیض، جنگ و خون ریزی و فساد و طغیان گری برنخواهد آمد و به حقوق دیگران تجاوز نخواهد کرد. در این صورت او به استغنای روحی و جسمی خواهد رسید و در اندیشه تکامل و تعالی همه جانبه خواهد بود.

از طرفی بر اساس آموزه های دینی بشر به دنبال کمال نهایی خود (تقرّب به خدا) است و این تنها در صورتی ممکن است که معنویت گرایی و رشد فکری و اخلاقی انسان ها و تزکیه

ص: ۱۷۷

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۳۹.

۲- ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

و تهذیب و تعلیم آنان، در اولویت نخست باشد. بر این اساس زیربنایی ترین و بایسته ترین برنامه ها و ایده ها در حکومت جهانی توجّه به ابعاد معنوی و روحی انسان ها و کمال بخشی او است؛ چنان که در روایت زیبایی آمده است: «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می رساند» (۱).

برای تحقّق این ایده، حضرت به سیرت و باطن انسان ها توجّه می کند و کیمیای وجود آنان را نورانی و اخلاق و رفتار و پندارشان را الهی می سازد.

۴. حق گرای (وریشه کنی نمودهای باطل)

حیات سیاسی _ اجتماعی انسان ها، همواره شاهد نزاع و ستیزش پیوسته حق و باطل همواره پیامبران و پیروانشان، مخالفت خود را با کفر و ستمگری سردمداران زر و زور و فساد، اعلام کرده و منافع نامشروع و باطل آنها را به چالش کشیده اند. دعوت آنان به یکتاپرستی، حق گرای و دادگری بوده که با منافع فراوان باطل گرایان تعارض داشته است. اما سرانجام تاریخ _ طبق سنّت الهی _ از آن حق و حق طلبان است تا تمامی موانع کمال و تعالی انسان برطرف گردد و حاکمیت خط توحید، بر تمامی قلوب و نفوس تحقّق یابد.

((جاء الحق و ذهب الباطل)) و چیرگی مهدی موعود، عصر حاکمیت حق است. بر این اساس در «آموزه مهدویت» حق گرای و باطل ستیزی، محور قرار می گیرد و جبهه توحید و ایمان، تقویت می شود. کفر و الحاد، شرک و بت پرستی، افساد و طغیان گری و تزویر و زرمرداری، مهم ترین نمودهای «باطل گرای» است که بر اساس این دکترین، ریشه کن شده و شریران از بین می روند؛ چنان که امام هادی علیه السلام می فرماید: «خداوند حق را به دست او تحقّق می بخشد و باطل را نابود می کند». آن گاه حضرت آیه ((بقیه الله خیر لکم)) را قرائت کرد و

ص: ۱۷۸

فرمود: «به خدا سوگند! بقیه الله او است».(۱)

۵. تحقق عبودیت و یکتاپرستی

تاریخ بشر، به جای اینکه آکنده از خداپرستی، عبادت و بندگی باشد، شاهد استکبار، عصیان گری و عبادت ستیزی بوده است! پرچمدار و نماد کامل این گمراهی و نافرمانی، شیطان و اعوان او هستند. شیطنت و گمراه گرای ابلیس، باعث دوری انسان ها از مسیر واقعی تاریخ و ابتلای آنان به انواع انحراف ها و فسادها است. او برای پیشبرد مقاصد خود، در هر دورانی، از حربه ها و شیوه های مختلف بهره برده و در عصر حاضر شیطنت و عبادت ستیزی را به حد اعلای خود رسانده است! برای رسیدن انسان ها به قله های کمال و تقرّب و تحقق عبودیت و بندگی آنان، باید این مانع برداشته شود و آیین یکتاپرستی و پرستش گری، حاکم گردد. بر اساس «اندیشه مهدویت»، جامعه باید از آسیب ها و موانع نزدیکی انسان به خدا پیراسته و زمینه ها و بسترهای عبادت و عبودیت او فراهم شود. با نابودی شیطان در عصر ظهور و حاکمیت کامل توحید و خدا محوری، این امر محقق خواهد شد.

در روایات آمده است: «مهدی، دل های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می کند»(۲) و «همه مردم بر عبادت خدا گراییده، به اجرای احکام شریعت و دیانت روی می آورند»(۳) و نیز: «زمانی که قائم قیام می کند، جز خدا را عبادت نمی کنند»(۴) و «زمینی باقی نمی ماند، مگر آنکه گل بانگ توحید در آن بلند می گردد»(۵).

ص: ۱۷۹

۱- یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۶۳.

۲- کتاب الغیبه، ص ۱۷۹.

۳- منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ح ۴.

۴- تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۶۹.

۵- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۶. خشونت ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و ...)

یکی از مشکلات زندگی بشری، جنگ ها، ناامنی ها، بیدادگری ها و ظلم ها است. تاکنون هیچ مکتب و اندیشه ای نتوانسته این معضل و دشواری را از مقابل انسان ها بردارد و جهان را به ساحل ثبات و صلح برساند. پس از جنگ های دهشتناک اول و دوم جهانی، بیشتر کشورها با تشکیل جامعه ملل و سازمان ملل متحد، امید به آرامش و صلح جهانی داشتند! اما همین سازمان ها، خود تبدیل به حربه اشغال گری و جنگ شدند و بر بیشتر نزاع های جهانی و منطقه ای مهر تأیید نهادند (مثل اشغال عراق) و یا از حل کوچک ترین منازعات، ناتوان ماندند.

در رویکرد صحیح و جامع، هم باید ریشه آن (استکبار، شهوت، مقام پرستی و جنایت گری) خشکانده شود و هم تمامی عاملان آن از بین بروند. تربیت و تعلیم مردم نیز باید طوری باشد که از تجاوزگری و خون آشامی روی گردان بوده و خود عامل ایجاد صلح و دوستی باشند. این نگره، تنها در پرتو «آموزه مهدویت» قابل ارائه و دستیابی است و از وجوه ویژه آن نیز، ایجاد صلح دائمی و جهانی است: «کینه ها از دل مردم بیرون می رود و دژندگان و چهارپایان در صلح زندگی می کنند»^(۱) و نیز: «در آن روز اختلاف های میان ملت ها و دین ها رفع می شود».^(۲)

تمامی منازعات و ستیزش های مستمرّ به خصوص میان گروه حق و باطل _ با قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پایان خواهد رسید و پیروزی از آن حق گرایان و صلح طلبان خواهد بود.

۷. تأمین رضامندی و خشنودی مردم

در حکومت جهانی مهدوی توجّه به خواسته های واقعی مردم و جلب رضایت آنان، در

ص: ۱۸۰

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۹۲.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲.

اولویت قرار دارد و برنامه‌ها و ایده‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن، در راستای تأمین همه نیازهای مادی و معنوی مردم و رفع تمامی مشکلات و کاستی‌ها است.

در واقع مردم در طول حیات دیرین خود، بر روی زمین، هیچ وقت شاهد رفع تمامی مشکل‌ها و تهیه نیازمندی‌های خود نبوده‌اند؛ اما این امر در «عصر ظهور» محقق شده و موجبات خشنودی و شادی همگان فراهم خواهد شد.

گفتنی است بنا به ادعای فوکویاما، لیبرال - دموکراسی، مترقی‌ترین و آخرین نظام مطلوب بوده و این فرجام (خوش) تاریخ است! در حالی که نهایت هنر آن، تأمین منافع طبقه خاصی در جامعه و جلب رضایت (مادی و ظاهری) اکثریت بوده است. اقلیت در این نظام، از بسیاری از امکانات و ابزار رفاه و رضامندی محروم بوده و آوازه عدالت برای آنان بیگانه است! در صورتی که در «آموزه مهدویت»، تمامی اقشار و گروه‌ها و همه خواسته‌های مشروع و به حق، مورد توجه بوده و برنامه‌های بسیاری برای خدمت‌رسانی به مردم و جلب رضامندی آنان، اجرا خواهد شد.

در روایات آمده است: «در خلافت و رهبری مهدی، ساکنان زمین، آسمان و پرندگان در هوا، راضی و خشنودند»^(۱) و «اهل آسمان و زمین، (به وجود او) شادمانند»^(۲) و نیز: «همه از او خشنود و راضی می‌شوند»^(۳).

۸. شایسته‌سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان)

«شایسته‌سالاری» یکی از شاخصه‌های مهم حکومت جهانی و ویژگی برجسته حکومت گران و سیاست‌ورزان است. تا زمانی که عرصه سیاست، جولانگاه فرومایگان،

ص: ۱۸۱

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۵۰.

۳- کتاب الغیبه، ص ۱۷۸.

زورمندان، تزویرگران و ... باشد _ که تاکنون نیز چنین بوده است _ هیچ مشکلی از جامعه برطرف نخواهد شد و آتیه جهان، تیره و تار خواهد بود! اما آموزه مهدویت این نوید را می دهد که «یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردانی اند که خدا را _ آن چنان که شایسته است _ شناخته اند» (۱) و «آنان در طریق عبودیت، اوّل جدیت و تلاش اند» (۲) و نیز «آنان خوبان امت اند...» (۳).

و در تفسیر آیه ((أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ)) آمده است: «منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند، مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او هستند» (۴).

۹. دگرگونی های مثبت و سازنده

تاریخ زندگی بشر، شاهد تحولات و دگرگونی های بسیاری بوده و مراحل مختلفی را پشت سر نهاده است. معمولاً در هر مرحله ای، امور جدیدی حادث شده و تحوّل شگرفی رخ داده است. مهم ترین ویژگی این تحولات _ به خصوص در عصر حاضر _ دگرگونی های مادی و پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیکی است. حال ممکن است این پرسش رخ نماید که نتیجه این تحولات چیست و نقطه پایانی و اوج آن کجا است؟ و آیا این نوسازی، همیشه تأثیر های مثبت و سازنده ای بر زندگی انسان ها داشته است، یا نقاط منفی و چالش برانگیزی نیز در آنها وجود دارد؟

در پاسخ گفتنی است که این تغییرات هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. در وجه مثبت آن، زندگی مادی انسان ها بهبود یافته و آنان از مزایای بهداشت، سوادآموزی، صنعت و ... بهره مند شده اند. حتّی فرهنگ و هنجارهای جوامع تغییر یافته و الگوهای هم سان و یک پارچه، ترویج شده است. اما وجوه منفی این تحولات _ به خصوص ابعاد دین ستیزانه،

ص: ۱۸۲

۱- منتخب الاثر، ص ۶۱۱.

۲- یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۳- یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۴- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

تبعیض آمیز، حق گریزانه و فسادگرایانه آن _ کام بشر را تلخ کرده و سطح رضامندی او را پایین آورده است.

امروزه مدرنیسم، به عنوان نماد کامل تجدد و تحوّل، دچار چالش های اساسی و بحران های فراوانی (از قبیل بحران معنویت، هویت، مشارکت و ...) شده است و سرنوشت پسندیده ای برای آن متصوّر نمی شود.

از طرفی فساد و ناکارآمدی در ساختارهای مختلف قدرت، نفوذ کرده و موجب بی ثباتی و از هم گسیختگی سیاست، اقتصاد و فرهنگ شده و مناسبات ناعادلانه ای به وجود آورده است. و «آموزه مهدویت» عهده دار ترسیم مناسبات صحیح و انسانی و تحوّل و دگرگونی گسترده در همه ساحت ها و عرصه ها است.

۱۰. ایجاد انسجام و همدلی

یکی از وجوه بایسته حکومت جهانی، تحقّق هماهنگی، هم سانی و انسجام در جامعه بشری و میان آحاد مردم است. در این رویکرد، اختلاف ها، تمایزات، تکثرات، تبعیضات و... از بین می رود و انسجام، وحدت، یکرنگی و هم دلی کامل ایجاد می شود.

برنامه های حکومت

حکومت جهان اسلام به رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای روح و ماهیت ویژه ای است که دیگر حکومتها از آن بی بهره اند. ماهیت حکومت اسلام، آموزه های وحیانی است که به او تعلیم می دهد که خدای او یکی است و فقط باید در برابر او عبادت و کرنش کند و در رفتار و کردارش از دایره بندگی خدا بیرون نرود زیرا فرمود: «یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً» این حکومت پیامی دارد که در بستر عمل به ارزشهای وحیانی، دنیای بهتری را به وی ارزانی بدارد و متأسفانه آنچه در حکومت امروز بشری کمتر یا اصلاً به چشم نمی خورد خداست و عدم پای بندی به وحی و اخلاق و ارزشهای معنوی است.

اساساً تاروپود حکومت مادی بر سرمایه اندوزی، مال پرستی و سود بیشتر از هر طریق و ترفندی بناگذاری شده است. و این تاروپود جای عشق به خوبی ها، ارزشها، ایثار و مجاهدت ها و بالأخره زیباییهای زندگی را اشغال کرده به طوری که جامعه انسانی را از گردونه خوبی ها حذف نموده.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می نویسد: «فکر خدا و زندگی اخروی را باید کنار گذاشت... باید رأفت و رقت قلب را دور انداخت، رأفت از عجز است. فروتنی و فرمانبرداری از فرومایگی است. حلم و حوصله، عفو و اغماض، از بی همّتی و مستی است. مردانگی باید اختیار کرد. بشر باید به مرحله مرد برتر برسد، عزم و اراده داشته باشد این است روح حکومت مادی غرب که از باب نمونه به آن اشاره کردیم.»

آنان که به اصلاح جوامع بشری می اندیشند، و برای رفع عوامل بی عدالتی، ظلم، فساد و تباهی برنامه ریزی می کنند، به خوبی می دانند که سیمای ارائه شده در قرآن و احادیث اسلامی از وضعیت دوران پس از ظهور، الگویی کامل و عملی برای همه انسان های دوره غیبت است، که می توانند ساختار زندگی فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن سامان بخشند و علی رغم، همه محدودیت ها، سمت و سوی حرکت اصلاحی خود و جامعه را، در جهت اصلاحات عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار دهند.

با نگاهی گذرا به آیات و روایات عصر حکومت امام زمان علیه السلام به دو ویژگی مهم و اساسی اصلاحات امام مهدی علیه السلام پی می بریم:

اول، این که اصلاحات و سامان بخشی های حکومتی امام زمان علیه السلام، جهانی است و در بردارنده سعادت، امنیت و آرامش برای همه انسان ها، در جای جای این کره خاکی خواهد بود.

دوم، آن که، اصلاحات مهدی علیه السلام مطابق با فطرت و ذات خداجوی انسان هاست و در قوانین آن، هیچ گونه تبعیض و برتری نژادی وجود ندارند و تمامی جامعه بشری، در برابر آن، یکسان اند.

به طور کلی، اصلاحات عصر ظهور را به سه بخش عمده می توان تقسیم کرد:

الف. اصلاحات اقتصادی

یکی از برنامه ها و اقدامات مهم مهدی علیه السلام اصلاحات اقتصادی و معیشتی و پدید آوردن رفاه در جامعه بشری است. آیات و احادیث مربوط به عصر ظهور، حاکی از آن است که در سراسر زمین، جامعه ای یکپارچه و منسجم تشکیل می شود که همه افرادش مثل یک خانواده با هم و در کنار هم در کمال صمیمیت، زندگی می کنند.

تردیدی نیست که بدترین اسارت برای بشر، فقر و گرسنگی است که لحظه ای آسایش و آرامش برای وی باقی نمی گذارد و زمینه های رشد و تکامل علمی و معنوی او را نابود می سازد، و همواره انسان را در اندیشه سیر کردن شکم و پوشاندن بدن و دستیابی به سایبان و بهبودی از درد و بیماری، گرفتار می کند و فرصتی باقی نمی گذارد تا انسان به نیازهای روحی و معنوی بیندیشد و برای رشد علمی خویش اقدامی انجام دهد. با اصلاحات اقتصادی حضرت مهدی علیه السلام، بشر، از این اسارت جانسوز فقر و تبعیض رهایی می یابد.

طبق احادیثی که از پیشوایان دینی درباره حکومت امام زمان به ما رسیده است، تأمین زندگی و رفاه در عصر ظهور به حدی می رسد که مردم، زکات مالشان را در کیسه ها می گذارند و کنار کوچه قرار می دهند، ولی کسی پیدا نمی شود که آنها را بردارد و استفاده کند. ثروت های غصب شده نیز از غاصبان گرفته می شوند و مهدی، حق هر حقداری را می گیرد و به او می دهد، حتی اگر زیر دندان غاصبان باشد.^۱

به طور کلی، اصلاحات اقتصادی امام مهدی علیه السلام را می توان در سه محور اصلی خلاصه نمود:

۱. به استخدام گرفتن ثروت های زمین و بهره برداری از آنها به نفع فرد فرد جامعه جهانی.
۲. باز پس گیری ثروت های غصب شده و اموال بادآورده و استفاده از آنها برای ارتقای سطح زندگی انسان های زمین.

۳. برقراری عدالت اجتماعی و مساوات، همراه با برنامه ریزی درست و صحیح برای آسایش و آرامش انسان ها.

ب. اصلاحات دینی و فرهنگی

اشاره

برای تشکیل جامعه واحد جهانی، وحدت دینی مردم جهان، یکی از ضروریات است. زیرا دین و جهان بینی، زیربنای تفکر و روابط اجتماعی انسان است. بر همین اساس، اصلاحات دینی و فرهنگی امام مهدی علیه السلام در راستای تشکیل حکومت واحد جهانی، بر سه اصل، استوار است:

۱. اصلاح انحراف های فکری

یکی از مهم ترین بخش های اصلاحات دینی و فرهنگی امام مهدی علیه السلام، مقابله با انحرافات، کج روی ها و بدعت های دینی (بویژه در جوامع اسلامی) است.

۲. اصلاحات دینی

بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و مبارزه ایشان با انحرافات فکری و عقیدتی (از طریق روشنگری و استدلال و تسخیر قلب ها و گستردن عدالت و محبت) و نیز نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا نمودن او به مهدی علیه السلام در بیت المقدس، تقریباً تمامی مسیحیان و بسیاری از پیروان دیگر ادیان، به اسلام مهدی، ایمان می آورند^۳ و در زمانی اندک، دین واحدی بر جهان، حاکم خواهد گشت و پرچم اسلام در تمامی نقاط جهان به اهتزاز در خواهد آمد.

مهدی علیه السلام با حاکم کردن توحید و فرهنگ اسلامی بر جامعه جهانی و از بین بردن زمینه های ظلم و فساد و فقر، در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیقی بزرگ و بی مانند، دست می یابد.

۳. اصلاحات علمی فکری

یکی از زیباترین مراحل اصلاحات دینی و فرهنگی حکومت مهدی، رشد عقلی انسان ها و تکامل علم و دانش است. انسان در بعد عقلی و رشد فرهنگی، سیری طولانی داشته و زحمات

زیادی در این راه، متحمل شده و دستاوردهایی نیز حاصل نموده است؛ ولی کوشش انسان در مسیر تکامل و رشد، بیشتر به بُعد مادی جهان و زندگی انسان، معطوف بوده و در مسائل ماورای طبیعی، پیشرفت چندانی نداشته و همچنان مجهولات بی شماری پیش روی وی قرار دارد.

بدون شک، این مهم در زمان ظهور مهدی علیه السلام تحقق می یابد و بشر به محضر استاد و معلّمی راه پیدا می کند که اولاً به خاطر اتصال به منبع علم، هیچ مجهولی در عالم برایش وجود ندارد و ثانیاً هدف او پرده برداری از مجهولات و ارتقای انسان ها تا اوج تکامل علمی و عقلی است.

ج. اصلاحات اجتماعی

بدیهی است حکومتی که بر اساس احادیث اسلامی، در مدتی کوتاه، بر دشواری ها چیره می گردد و نا به سامانی ها را از بین می برد و بذر امید در دل ها می کارد، از پشتیبانی همه جانبه مردمی برخوردار خواهد شد. نظامی که آتش ظلم و ستیز را خاموش کند و آسایش و امنیت و صلح و مهرورزی را چنان به جامعه بازگرداند که حیوانات نیز از آن، بهره مند شوند، این چنین حکومتی، اصلاحات اجتماعی وسیعی خواهد داشت.

مدیریت و اداره جامعه منتظر، در صورتی کارآمد و مقبول خواهد بود که براساس الگوی مهدوی صورت گیرد. روایات و احادیث به روشنی مؤلفه ها و ویژگی های مدیریت مهدوی را بیان کرده اند

۱. ایجاد وفاق بین امت

دولت مردان وظیفه دارند با الگو گرفتن از حضرت مهدی علیه السلام درصدد ایجاد وفاق ملی و اتحاد اسلامی باشند همان گونه که روش حکومت حضرت مهدی علیه السلام این چنین است.

از امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... يظهر الله عزوجل الحق و العدل في البلاد و يحسن حال عامه العباد و يجمع الله الكلمه و يولف بين قلوب مختلفه»؛^(۱) «خداوند عزوجل به واسطه او حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می دهد و حال عموم مردم را بهبود می بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلب های گوناگون اُلفت ایجاد می کند.»

در دعای ندبه نیز آمده است: «این جامع الكلمه على التقوى»؛^(۲) «کجاست آن کسی که سخن ها را بر تقوا جمع می کند.»

و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فوالله يا مفضل ليرفع عن الملل و الاديان الاختلاف و يكون الدين كله واحداً»؛^(۳) «به خدا سوگند! ای مفضل به طور حتم از ملت ها و دین ها اختلاف را برمی دارد و تمام دین یکی خواهد شد.»

ص: ۱۹۰

۱- کمال الدین، ص ۶۴۷، ح ۷؛ بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۲۸، ح ۲۰.

۲- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۰۹.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴.

۲. پناه مردم بودن

مسئولان کشور اسلامی باید در شدايد و مشکلات پناهگاه مردم باشند.

در روایتی آمده است: «يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتِهِ كَمَا يَأْوِي النَّحْلَةُ إِلَى يَعْسُوبِهَا...»؛^(۱) «اُمّت مهدی به او پناه می برند، همان گونه که زنبور به دور ملکه خود می گردد.»

و نیز در روایتی نقل شده است: «يُخْرِجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي، يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ»؛^(۲) «از میان اُمّت من مهدی _ علیه السلام _ قیام می کند، خداوند او را برای فریادرسی مردمان بر می انگیزاند.»

۳. جاذبه داشتن

مسئولان باید سعی کنند برای مردم و حتی غیر مسلمانان جاذبه داشته و با سخنان و عملکرد خود مردم را به اسلام جذب نمایند همان گونه که عملکرد حضرت مهدی علیه السلام چنین خواهد بود.

در روایتی آمده است: «فَإِذَا نَظَرْتَ إِلَيْهِ الْيَهُودُ اسْلَمْتَ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ»؛^(۳) «چون یهود بر او نظر کنند به جز اندکی، _ همه _ اسلام خواهند آورد.»

۴. سبقت گرفتن در کارهای نیک

دولت مردان اگر بخواهند جامعه مهدوی گردد و زمینه ساز عملی حکومت او باشند، باید به آن حضرت و اصحابش اقتدا کرده و در خوبی ها از دیگران سبقت بگیرند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا...)^(۴) «در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوئید، هر جا باشید...» فرمود:

ص: ۱۹۱

۱- الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۷۷.

۲- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳- البرهان، ص ۱۵۷.

۴- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

«نزلت في القائم و اصحابه»؛(۱) «این آیه در شان حضرت قائم _ علیه السلام _ و اصحاب او نازل شده است.»

۵. کوشش برای گسترش عدالت

دولت مردان باید نهایت سعی و کوشش خود را در گسترش عدل که یکی از اهداف حضرت مهدی علیه السلام است، به کار گیرند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که در باره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... يملأ قلوب عباده عباده و يسعهم عدله»؛(۲) «... دل های بندگان را پر از عدالت کرده و عدلش فراگیر می شود.»

در حدیثی آمده است: «اما والله! ليدخلنَّ عليهم جوف بيوتهم كما يدخل الحرّ و القمّ»؛(۳) «آگاه باشید به خدا سوگند! به طور حتم عدالت او داخل خانه های آنان خواهد رفت همان گونه که گرما و سرما چنین خواهد کرد.»

۶. بی نیاز کردن مردم با معنویات

مسئولان باید سعی کنند تا مردم را با معنویات و نورانیت دل بی نیاز کنند. در روایتی می خوانیم: «انّ قائمنا اذا قام اشرفت الأرض بنور ربّها و استغنى الناس»؛(۴) «چون قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و مردم همگی طلب بی نیازی می کنند.»

۷. جلب رضایت مردم

کسانی که به حکومت و یا پست و مقامی رسیدند باید در حدّ امکان رضایت ارباب رجوع را به دست آورده و آنان را خشنود سازند.

ص: ۱۹۲

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۴۱، ح ۳۷.

۲- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۴، الغیبه، طوسی، ص ۱۷۹، ح ۱۳۷.

۳- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱، الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷.

۴- الغیبه، طوسی، ص ۴۶۸، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ح ۵۲.

درباره حکومت حضرت مهدی علیه السلام می خوانیم: «یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطیر فی الجوّ»؛(۱) «در ایام خلافتش اهل زمین و آسمان و پرندگان هوا راضی خواهند شد.»

و در روایتی دیگر آمده است: «یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض»؛(۲) «از او ساکنان آسمان و زمین راضی گردند.»

و نیز آمده است: «یحبه ساکن السماء و ساکن الارض... یتمنی الحیاء الاموات لیروا العدل و الطمانینه...»؛(۳) «اهالی آسمان و زمین او را دوست می دارند... و زنده ها آرزو می کنند که ای کاش مرده ها زنده بودند تا عدالت و آرامش را به چشم خود می دیدند.»

۸. حفظ ارتباط مردمی

مسئولان و دولت مردان گرچه به جهت مسایل امنیتی و اشتغالات زیادی که دارند نمی توانند زیاد با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند ولی وظیفه دارند تا ارتباط مردمی را حفظ کرده و از درد دل آنان آگاهی پیدا کنند، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغری ارتباط خود را با مردم از راه و کلا- و سفیران حفظ نمود، ولی چون از این راه سوءاستفاده ها شد و مدعیان سفارت پدید آمدند و برای مردم و امام مشکل ساز شدند، لذا نظام سفارت و وکالت برچیده شد و بعد از آن، خود حضرت در مواقع ضروری به فریاد شیعیان رسیده و رفع گرفتاری نمودند.

امام مهدی علیه السلام در توقیع خود به شیخ مفید می فرماید: «إنا غیر مهملین لمراعاتکم، و لا ناسین لذکرکم، و لولا ذلک لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الأعداء»؛(۴) «ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواری ها و

ص: ۱۹۳

۱- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۹، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۰.

۲- کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۷۱.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴- احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الخرائج و الجرائج، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می نمودند.»

۹. معیار اخلاص در انتخاب وزیران

رئیس دولت اسلامی وظیفه دارد در انتخاب وزیران دو صفت را معیار قرار دهد، یکی اخلاص در عمل و دیگری برتری در علم. در حدیثی از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمود: «... فاذا اجتمعت له هذه العده من اهل الاخلاص اظهر الله امره...»؛^(۱) «... چون برای حضرت این تعداد از مخلصین فراهم شود، خداوند امر او را ظاهر خواهد نمود...».

۱۰. دستور به عمران و نیکی

رئیس دولت اسلامی باید به وزیران خود دستور دهد تا به مردم نیکی کرده و شهرها را آباد نمایند. در حدیثی درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «يفرزق المهدي اصحابه في جميع البلدان و يأمرهم بالعدل و الاحسان و يجعلهم حكاما في الأقاليم و يأمرهم بعمران المدن»؛^(۲) «... حضرت مهدی _ علیه السلام _ اصحاب خود را به تمام شهرها می فرستد و آنان را به عدل و نیکی فرمان داده و حاکمان در کشورهای اسلامی قرار می نماید و فرمان می دهد تا شهرها را آباد سازند.»

۱۱. انتخاب افراد نجیب

در انتخاب وزرا باید نجیبان را برگزید، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام در انتخاب وزیران چنین می نمایند.

امام صادق علیه السلام در روایتی اصحاب حضرت مهدی علیه السلام را این چنین تعریف می کند: «... و هم النجباء...»؛^(۳) «... آنان افرادی نجیب می باشند...».

ص: ۱۹۴

۱- کمال الدین، ص ۳۷۸، ح ۲، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳، ح ۱۰.

۲- یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۵.

۳- دلائل الامامه، ص ۵۵۵.

۱۲. سخت گیری بر وزیران و کارگزاران

رئیس دولت اسلامی وظیفه دارد که بر وزیران خود سخت گیر بوده و از آنان حساب بکشد. در حدیثی آمده است: «المهدی... رحیم بالمساکین، شدید علی العَمَّال»؛^(۱) «... مهدی _ علیه السلام _ بر مساکین رحیم و بر مدیران کشور سخت گیر است.»

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... يأخذ الوالی من غیرها عمَّالها علی مساوی أعمالها و تخرج له الأرض افالید کبدها...»؛^(۲) «... فرمانروایی که از این طایفه _ امویان _ نیست، عاملان حکومت را به جرم کردار زشتشان بگیرد _ و عذری از آنان نپذیرد _ زمین گنجینه های خود را برون آورد.»

و نیز درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده: «... لیعزلنَّ عنکم امراء الجور»؛^(۳) «... از بین شما فرماندهان و امیران ظالم را عزل خواهد کرد.»

۱۳. عدالت در تقسیم بودجه

وظیفه دولت اسلامی است که بودجه کشور را علی السویه بین تمام استان ها و نقاط کشور و بین افراد گوناگون تقسیم نماید. همانگونه که حضرت مهدی چنین خواهد کرد.

در حدیثی آمده است: «فیبعث الله عزوجل عند ذلک مهدینا... ارحمهم بالرعیه و اعدلهم بالسویّه»؛^(۴) «خدای عزوجل در آن هنگام مهدی ما را می فرستند... او که از همه بیشتر به رعیت خود رحیم بوده و از همه بیشتر به طور مساوات عدالت را اجرا می کند.»

و در حدیثی دیگر آمده است: «اذا قام قائم اهل البیت قَسَم بالسویّه و عدل فی الرعیه...»؛ «چون قائم اهل بیت قیام کند به طور مساوی بودجه را تقسیم کرده و در بین مردم به عدالت

ص: ۱۹۵

۱- بشاره المصطفی، ص ۳۱۸، ح ۳۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰، ح ۲۵.

۳- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۴- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، باب ۴۱.

رفتار خواهد نمود...».

۱۴. ایجاد اشتغال

دولت مردان وظیفه دارند تا برای مردم شغل فراهم ساخته و آنان را به کار و کسب مشغول سازند تا از این راه زندگی آبرومندانه ای را برای خود فراهم نمایند.

در حدیثی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است: «... یظهر صاحب الرایه... یمهد الأرض...»؛ (۱) «... صاحب پرچم _ مهدی علیه السلام _ ظهور می کند... و زمین را [برای کار کردن بر روی آن] آماده می سازد...».

۱۵. خدمت بی منت

مسئولان و دولت مردان در نظام اسلامی نباید در خدمتگذاری به مردم بر آنان منت گذارند. درباره حضرت مهدی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: «یکون عند انقطاع من الزمان و ظهور الفتن رجل یقال له المهدی، عطاؤه هنیئا»؛ (۲) «هنگام گذشت بخشی از زمان و ظهور فتنه ها مردی خواهد آمد که به او مهدی می گویند، عطاهای او گواراست.»

گوارا بودن عطای حضرت مهدی علیه السلام ممکن است کنایه از بی منت بودن آن باشد زیرا که اگر کسی چیزی را با منت به شخصی دهد برای او گوارا نخواهد بود.

۱۶. ساده زیستی

مسئولان و دولت مردان نظام اسلامی باید ساده زیست بوده و رعایت حال مستضعفان جامعه را بنمایند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام _ اگر چه جهان را فتح می کند و تمام امکانات جهان به دست او می رسد _ خودش ساده زیست است.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فوالله ما لباسه الا الغلیظ ولا طعامه الا

ص: ۱۹۶

۱- منتخب الأثر، ص ۲۱۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۲ و ۸۲.

الجشِب»؛ (۱) «به خدا سوگند! که لباس حضرت غلیظ و غذایش خشک است.»

۱۷. دل نبستن به غیر خدا

دولت مردان باید مشغول خدمت به خلق خدا باشند و بر پست و مقام و هیچ چیز دیگری جز خدا دل نبندند، زیرا که همه چیز به دست باکفایت اوست.

از امام علی علیه السلام نقل شده که درباره اصحاب و کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... و لا یفرحون بأحد...»؛ (۲) «... به کسی _ جز خدا _ دل نمی بندد.»

۱۸. اطاعت از دستورات رهبر

مسئولان نظام اسلامی باید گوش به فرمان رهبر بوده و مطیع دستورات او باشند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «کأنی أنظر الی القائم و اصحابه فی نجف الکوفه، کانّ علی رؤوسهم الطیر»؛ (۳) «گویا به قائم و اصحاب او در نجف کوفه نظر می کنم، گویا [از شدت توجه به امام خود] بر سرهایشان پرنده نشسته است.»

و نیز در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «یتمسّحون بسرج الامام علیه السلام یطلبون بذلک البرکة و یحفّون به، یقونه بأنفسهم فی الحروب، و یکفونه ما یرید فیهم»؛ (۴) «به زین امام علیه السلام دست می کشند و از آن طلب برکت می نمایند و دور او می چرخند، و با جان های خود از او در جنگ حفاظت می کنند و آنچه را که از آنان می خواهد خودشان به تنهایی انجام می دهند.»

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «یکون لصاحب هذا الامر غیبه فی بعض هذه الشعاب. ثم أوماً بیده الی ناحیه ذی طوی، حتی اذا کان قبل خروجه بلیتین انتهى المولی الذی یکون بین

ص: ۱۹۷

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۹.

۲- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۴.

۳- اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۸۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶.

یدیه حتی یلقى بعض أصحابه فيقول: كم انتم هاهنا؟ فيقولون نحن من اربعين رجلاً، فيقول: كيف انتم لو قد رأيتم صاحبكم؟ فيقولون: والله! لو يأوى بنا الجبال لأويناها معه، ثم يأتيهم...»؛^(۱) «برای صاحب این امر غیبتی است در برخی از درّه ها. آنگاه به دستش به ناحیه ای از ذی طوی اشاره نمود. و چون دو شب قبل از خروج او می شود یکی از موالیان امام برخی از اصحاب حضرت علیه السلام را ملاقات می کند به او می گوید: شما چند نفرید در اینجا؟ می گویند: حدود چهل نفر. او می گوید: اگر صاحب خود را ببینید چه حالی دارید؟ می گویند: به خدا سوگند! اگر ما را بخواهد به کوه ها ببرد ما همراه او خواهیم بود، در آن هنگام است که حضرت به سراغ آن ها می آید...».

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «له... رجال كانّ قلوبهم زبر الحديد... هم أطوع له من الأمة لسيدّها»؛^(۲) «برای حضرت مهدی علیه السلام... مردانی است که قلب های آن ها گویا پاره های آهن است، آنان نسبت به امامشان از کنیز نسبت به مولایش مطیع ترند.»

۱۹. انتخاب کارگزاران بانگیزه

حاکم اسلامی باید به دنبال نیروهای بانگیزه و با اخلاص باشد هر چند تعداد آنان کم باشد چرا که این گونه نیروها می توانند اثرگذاری بیشتری داشته باشند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام حکومت جهانی را با ۳۱۳ نفر از یاران بانگیزه شروع خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «... و قد وافاه ثلاثمائة و بضعة عشر رجلا فيبايعونه...»؛^(۳) «... سیصد و سیزده نفر خدمت او رسیده و با او بیعت می کنند...».

ص: ۱۹۸

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۲۰. توجیه مردم در کارها

مسئولان باید قبل از شروع در هر کاری مردم را در مورد آن کارها توجیه نمایند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد نمود.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام در خطبه ای هنگام ظهورش می فرماید: «... اذکرکم الله ایها الناس و مقامکم بین ربکم، و قد اکد المحججه و بعث الانبیاء و انزل الكتاب، یامرکم ان لا تشرکوا به شیئا و ان تحافظوا علی طاعته و طاعه رسوله صلی الله علیه و آله و سلم، و ان تحیاوا ما احیا القرآن و تمیتوا ما امات، و تکنونوا اعوانا علی الهدی و وزراء علی التقوی»؛^(۱) «... ای مردم! شما را به یاد خدا می اندازم و به جایگاه شما نزد پروردگارتان یادآوری می کنم، او بر حجت تاکید کرده و انبیا را مبعوث نموده و قرآن را نازل کرده است. شما را دستور می دهد که به او هیچ گونه شرک نورزید و بر اطاعت او و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم محافظت داشته باشید، و آنچه را که قرآن احیا کرده، زنده کنید، و آنچه را از بین برده زنده نکنید و کمک کار مردم بر هدایت و تاکید کننده بر تقوا باشید.»

۲۱. عمل به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حکومت داری

مسئولان باید سعی و کوشش خود را به کار برده تا با الگوگیری از حضرت مهدی علیه السلام در پیروی از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم احیاگر سیره آن حضرت باشند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که درباره حکومت حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... ثم تکون خلافة علی منهاج النبوه...»؛^(۲) «... سپس خلافتی خواهد بود که بر روش نبوت و سیری نبوی است...».

ص: ۱۹۹

۱- الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷، باب ۳۰.

۲- مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۳.

۲۲. عقب نشینی از مواضع اصولی ممنوع

وظیفه هر شخصیت سیاسی و دینی آن است که بر مواضع اصولی خود پافشاری کرده و هرگز از آن ها عدول ننماید مگر در جایی که مصحلت اهمی در میان باشد.

از امام علی علیه السلام نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام در کنار کوه صفا با اصحاب خود چنین عهد می بندد: «انا معکم علی ان لا تولّوا...»؛^(۱) «من با شما همراهم در صورتی که از مواضع خود برنگیرد...».

۲۳. ارتباط دائم با وزیران

حاکم اسلامی در صورتی که افراد تحت امر خود را مطیع یافت باید با آنان ارتباط ویژه برقرار کرده و اجازه دهد تا هر وقت که خواستند به ملاقاتش بیایند.

از امام علی علیه السلام نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام بعد از پیمان هایی که با کارگزاران خود می بندد می فرماید: «... فاذا فعلتم ذلك فعلى ان لا اتخذ حاجباً»؛^(۲) «... چون چنین نمودید بر من است که برای خود دربان و پاسداری قرار ندهم [تا هر وقت که خواستید با من ملاقات داشته باشید].»

۲۴. رحمت، قبل از خشونت

حاکم اسلامی وظیفه دارد تا با الگوگیری از حضرت مهدی علیه السلام، قبل از دست زدن به هر گونه اقدام عملی، افراد شرور را دعوت به بازگشت و توبه از کارهای زشت نماید و در صورتی که این طریق جواب نداد دست به اقدام عملی بزند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که امام زمان علیه السلام قبل از ظهورش کسی را به سوی اهالی مکه می فرستد و به او دستور می دهد که به مردم بگو: «یا اهل مکه! انا رسول فلان الیکم و هو

ص: ۲۰۰

۱- منتخب الأثر، ص ۱۵۴.

۲- منتخب الأثر، ص ۱۵۴.

يقول لكم: أنا اهل بيت الرحمه و معدن الرساله و الخلافه...»؛^(۱) «ای اهالی مکه! من فرستاده فلان شخص [حضرت مهدی علیه السلام] به سوی شمایم و پیام او به شما این است که ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافتیم...».

۲۵. استحکام حکومت با بر طرف کردن ظلم

وظیفه دولت مردان اسلامی در جامعه مهدوی نابودی ظلم و تعدی و تجاوز و عدالت محوری است و این که سعی کنند تا با ظالم برخورد کرده و ریشه او را بخشکانند، از این طریق است که اهالی کشورها با میل و رغبت به او تمایل خواهند نمود، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام با ریشه کردن ظلم و اهلش، کشورها را تصرف خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... و یبعث المهدی جنوده الی الآفاق و یمیت الجور و اهله و تستقیم له البلدان...»؛^(۲) «... مهدی لشکرش را به اطراف می فرستد و ظلم و اهلش را نابود کرده و [اهالی] کشورها مطیع او می گردند...».

مسئولان قضایی نظام اسلامی و قضات باید چنان عدالت گستر باشند که کسی جرأت ظلم و تعدی به افراد را نداشته باشد.

از امام رضا علیه السلام نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... و هو صاحب الغیبه قبل خروجه، فاذا خرج أشرق الأرض بنوره، و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احدٌ احدًا...»؛^(۳) «... و او قبل از خروجش غائب گردد، و چون ظهور نماید زمین را به نورش پرتوافکنی نماید، و ترازوی عدل را بین مردم قرار دهد تا مردم به یکدیگر ظلم نکنند...».

ص: ۲۰۱

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۱.

۳- اکمال الدین، ص ۳۷۱، باب ۳۵.

۲۶. تشویق کارگزاران مخلص

دولت مردان اسلامی وظیفه دارند تا با الگوگیری از حضرت مهدی علیه السلام کارگزاران مخلص و متعهد را تشویق و تمجید نمایند.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در توقیعی به شیخ مفید (رحمه الله) فرمود: «لأخ السدید، و الولی الرشید، الشیخ المفید، أبی عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان، أدام الله اعزازه... أما بعد: سلام علیک أیها الولی المخلص فی الدین، المخصوص فینا بالیقین...»؛^(۱) «به برادری که مورد تأیید بوده و دوست رشید ما، ابوعبدالله محمّد بن نعمان که خداوند عزّتش را مستدام گرداند... اما بعد، سلام بر تو ای دوست دینی مخلص ما و کسی که در راه ما به یقین مخصوص رسیده ای...».

همچنین در ادامه نامه آمده است: «... و نُعَلِّمُکَ _ أدام الله توفیقک لنصره الحق و أجزل مثوبتک علی نطقک عنّا بالصدق _ أنه قد أذن لنا فی تشریفک بالمکاتبه، و تکلیفک ما تؤدّیه عنّا إلی موالینا قبلك...»؛^(۲) «... به تو اعلام می دارم _ خداوند توفیقت را برای یاری حق مستدام گردانیده و به جهت صداقت در گفتارت تو را جزای خیر دهد _، به ما اجازه داده شده تا شما را مشرف به نوشتن نامه نماییم و در آن تو را مکلف به ادای وظایفی کرده ایم که باید به شیعیانمان برسانی...».

۲۷. خبر گرفتن از احوال مردم

مسئولان بلندپایه نظام اسلامی گرچه به جهت وظایف سنگینی که بر عهده دارند و نیز به جهت مسایل امنیتی که در نظر می گیرند نمی توانند با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند ولی وظیفه دارند تا اطلاعات دقیقی از وضعیت و مشکلات مردم داشته و از آن ها آگاه باشند.

ص: ۲۰۲

۱- احتجاج، ص ۴۹۵.

۲- احتجاج، ص ۴۹۵.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در توقیعی به شیخ مفید (رحمه الله) فرمود: «نحن و ان کنا نائین بمکاننا النائی عن مساکن الظالمین، حَسِبَ الذی اراناه الله تعالی لنا من الصلاح و لشیعتنا المؤمنین فی ذلک ما دامت دوله الدنیا للفساقین، فَاَنَا نَحِیْطُ عَلَماً بِأَنْبَاءِکُمْ، و لا یعزب عَنَّا شَیْءٌ من اخبَارکم و معرفتِنَا بِالذَّلِّ الذی اصابکم...»؛^(۱) «... ما گرچه به جهت دور ماندن از مکان های ظالمین از شما دوریم به جهت مصلحتی که خداوند متعال برای ما تدارک دیده است، ولی اطلاع کامل از احوال شما داشته و هرگز چیزی از اخبار شما و مصیبت هایی که بر شما وارد می شود بر ما مخفی نخواهد بود...».

۲۸. اهل کوشش و تلاش

مسئولان نظام اسلامی باید همیشه آماده خدمت و تلاش بوده و هرگز در این راه از خود سستی نشان ندهند همان گونه که کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام این گونه می باشند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عده اهل بدر... کدآدون، مجدّون فی طاعته»؛^(۲) «خداوند برای او از دورترین کشورها به تعداد اهل بدر [سید و سیزده نفر] جمع می کند، که همگی اهل کوشش و جدّیت در راه اطاعت او هستند.»

۲۹. گسترش علم

مسئولان نظام اسلامی باید برای گسترش علوم مختلف سرمایه گذاری کرده و بودجه خاصی را برای آن در نظر گیرند همان گونه که یکی از کارهای مهم امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، گسترش علم است.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... یملاً الله عزّوجلّ به

ص: ۲۰۳

۱- احتجاج، ص ۴۹۵.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۲۴، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها؛^(۱) «... خدای عزوجلّ به واسطه او زمین را بعد از تاریکی پر از نور کرده و پس از ظلم پر از عدل نموده و پس از جهل پر از علم نماید.»

۳۰. فروتنی نسبت به برادران دینی

مسئولان در نظام اسلامی باید در مقابل ملت متواضع بوده ولی در مقابل دشمنان ایستادگی نموده و تسلیم خواسته های نامشروع آن ها نشوند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که درباره اوصاف حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «اذلّه علی المؤمنین، اعزّه علی الکافرین»؛^(۲) «در برابر مؤمنان ذلیل و در مقابل کافران با عزّت است.»

۳۱. امانت داری

حاکمان اسلامی و عموم مردم باید امانت دار باشند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام چنین خواهد بود.

درباره آن حضرت آمده است: «... القائد العادل الحافظ لما استودع»؛^(۳) «... رهبری عادل که نگه دار آن چیزی است که نزد او به امانت گذاشته شده است.»

۳۲. قوت قلب

دولت مردان نظام اسلامی باید در مقابل مشکلات و دشمنان استقامت داشته و با قوت قلب به مقابله با آن ها بپردازند.

از امام صادق علیه السلام درباره کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که فرمود: «له... رجال کأنّ

ص: ۲۰۴

۱- کمال الدین، ص ۲۶۰، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۲، باب ۴۱.

۲- غیبت، نعمانی، ص ۳۱۶، باب ۲۱، ح ۱۳.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، ح ۱۵۸.

قلوبهم زير الحديد...»؛^(۱) «برای حضرت... مردانی است که قلب هایشان همانند قطعه های آهن است...».

۳۳. روحیه شهادت طلبی

حاکم اسلامی باید افرادی را به عنوان وزیر و کاگزار انتخاب کند که روحیه جانفشانی برای اسلام و ملت داشته و با این حالت در صدد خدمت به مردم باشند.

از امام صادق علیه السلام درباره اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که فرمود: «و هم من خشیه الله مشفقون، یدعون بالشهادة، یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله، شعارهم یالثارات الحسین علیه السلام، اذا ساروا یرعب الرعب امامهم مسیره شهر»؛^(۲) «و آنان از خشیت خداوند ترسانند، دعوت به شهادت می نمایند، و آرزو دارند که در راه خدا به شهادت برسند، شعار آنان "یالثارات الحسین علیه السلام" است، و چون حرکت کنند تا مسیر یک ماه، رعب و وحشت جلو آن ها حرکت خواهد کرد.»

ص: ۲۰۵

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد. فرهنگ دینی نیز گاهی به آفتهایی گرفتار می شود که حرکت رو به کمال آن را کند می کند و بحث «آسیب شناسی دینی» عهده دار شناختن آن آفت ها و شیوه مقابله با آنهاست.

آسیب های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد مردم و به ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام و یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار است و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه های منحرف می گردد. بنابراین آشنایی با این آسیب ها، منتظران آن امام بزرگ را از کجروی در اعتقاد و عمل حفظ خواهد کرد.

به عنوان نمونه این امر در طول تاریخ، دچار آسیب هایی، از جمله مدعیان دروغین شده است. همین امر، دستاویزی برای برخی شده، تا اصل مهدویت و اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیر سؤال برند.

در اهمیت این مسئله همین بس که مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می فرماید: «المصیبه بالدين اعظم المصائب؛ بزرگترین مصیبت، آفت در دین است» (۲). آری وقتی دینداری فرد دچار آفت شود، این بزرگترین مصیبت است.

شود که فرمود:

من لم يعرف مضره الشی لم يقدر علی الامتناع منه

هر کس آفت چیزی را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.

ما در اینجا مهمترین آسیب های فرهنگ مهدویت را در عنوان هایی جدا از یکدیگر مورد بحث قرار می دهیم:

۱. برداشت های غلط

از آسیب های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت های نادرست از موضوعات

ص: ۲۰۸

این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات به دریافت غیر صحیح می انجامد که چند نمونه از آن را بیان می کنیم.

۱-۱. برداشت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصر علیه السلام خواهد بود ما در برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی علیه السلام باید برای ترویج بدی ها و زشتی ها در جامعه اقدام کنیم!! این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می داند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله در نقد این دیدگاه فرموده اند:

ما اگر دستمان می رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم ها و جورها را از عالم برداریم تکلیف شرعی ماست. منتهی ما نمی توانیم. این که هست این است که حضرت [امام مهدی علیه السلام] عالم را پر می کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید. (۱)

همچنین در ادامه بیانات خود فرموده اند:

[آیا] ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟! (۲)

لازم به ذکر است که ما در ابتدای بحث «انتظار» درباره معنی صحیح انتظار سخن گفتیم.

۱-۲. یکی دیگر از برداشت های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره خشونت آمیز از امام مهدی علیه السلام است.

بر خلاف تصوّر بعضی افراد که می اندیشند امام مهدی علیه السلام با شمشیر عدالت، دریایی

ص: ۲۰۹

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

از خون به راه می اندازد و بسیاری را از دم تیغ عبور می دهد؛ امام عصر علیه السلام مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله ابتدا همگان را با بیان روشن و دلائل آشکار به اسلام و قرآن می خواند و اکثر مردم دعوت آن حضرت را پاسخ می دهند و به او می پیوندند. بنابراین امام علیه السلام تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می زنند و جز زبان شمشیر نمی فهمند با سلاح برخورد می کند.

۲. استعجال ظهور

یکی دیگر از آسیب های جدی در فرهنگ مهدویت، استعجال ظهور است. استعجال به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه های لازم برای آنست. انسان های عجول به خاطر ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسئله انتظار امام غایب، انسان منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می کند ولی هرگز عجله نمی کند و هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود. باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی دهد بلکه علیرغم شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می دهد و برای تحقق همه زمینه های لازم برای ظهور می کوشد و بردباری می کند.

عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انظارش هستیم کی واقع می شود؟ امام فرمود: ای مهرم دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شدگان. (۱)

ص: ۲۱۰

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن جهت است که به دنبال این پدیده، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر، پیدا می شود؛ آرامش و صبوری را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می گردد.

۳. تعیین زمان ظهور

از آسیب های فرهنگ مهدویت آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند. در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است و در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت گذاران دروغگو شمرده شده اند.

از امام باقر علیه السلام سؤال شد، آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟

فرمود:

آنها که برای ظهور تعیین وقت می کنند دروغ می گویند. (و سه بار این جمله را تکرار کرد.)^(۱)

با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می کنند که کمترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده اند ولی خلاف آن را مشاهده کرده اند.

۴. تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص

در روایات فراوان نشانه هایی برای ظهور امام مهدی علیه السلام بیان شده است اما کیفیت دقیق و خصوصیات آنها روشن نیست و این بستری برای تحلیل ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی گردیده است. هر چند گاهی بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده های موجود بر می آیند و بدینوسیله خبر از نزدیکی ظهور و احتمال قریب الوقوع بودن آن می دهند.

این جریان نیز از آسیب های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می انجامد. برای مثال وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاص که در فلان منطقه است تفسیر

ص: ۲۱۱

شود و درباره دجال، تحلیل های بی دلیل مطرح گردد و به دنبال آن بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک، به همگان داده شود و پس از طی شدن سالیانی، امام علیه السلام ظهور نکند، عده ای به انحراف و اشتباه گرفتار می شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می گردند.

۵. طرح مباحث غیر ضروری

در فرهنگ ناب مهدوی معارف فراوانی است که پرداختن به آنها یک ضرورت شمرده می شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت بسیار مهم است.

گاهی افراد و مجموعه ها در قالب گفتار و مقاله ها و نشریات و حتی کنفرانس ها به بحث هایی روی می آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آنها احساس نمی شود و بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می گردد.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و یا وجود فرزند برای آن بزرگوار و یا محل زندگی حضرت و مانند آن از نمونه های بحث های غیر ضروری است که بجاست جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار در مسیر زندگی منتظران بدهد.

۶. مدعیان دروغین

یکی دیگر از آسیب های معارف مهدویت، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدّس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی علیه السلام افرادی به دروغ ادعا کرده اند که با آن حضرت، ارتباط خاص دارند و یا از سوی آن بزرگوار، به مقام نیابت خاص رسیده اند. در این باره در صفحات بعدی به تفصیل بحث خواهد شد.

۷. ملاقات گرایی

برخی تمام هم خویش را در دیدار امام خلاصه کرده اند. اینان به دیگران نیز این گونه

القاء می کنند، گویا هیچ وظیفه ای جز دیدار امام ندارند. غافل از این که آنچه مهم است؛ توجه و عنایت امام است. خیلی ها امام زمان خویش را دیدند و بر امام شمشیر کشیدند. تذکر دیگر این که گرچه عده ای زیادی در طول تاریخ خدمت امام رسیده اند. ولی فراموش نکنیم دوران، دوران غیبت است و قرار نیست همه به خدمت امام برسند. بنابراین تأکید زیاد بر دیدار و ملاک محبوبیت و معنویت را دیدار امام قرار دادن، باعث یأس و ناامیدی (در اثر عدم دیدار) و تکذیب باور مهدویت است.

دیدار امر مطلوبی است: اما آنچه مهم است و ویژگی منتظران امام است، انجام وظایفی است که برای او رقم زده اند.

مدعیان دروغین مهدویت، نیابت خاصه و عامه

همیشه کسانی بوده اند که در مقابل گوهر ناب، بدل آن را ارائه داده اند. در مقابل پیامبران، مدعیان دروغین پیامبری، قد علم کرده اند. در بحث مهدویت نیز همیشه چنین بوده است. مخصوصاً با دست و حمایت دسیسه بازان و سیاست بازان، فرقه های متفاوتی چون بهائیت و... رخ نشان داده اند و مردمان بی بصیرت را به وادی گمراهی کشانده اند. مدعیان نیابت خاصه؛ ارتباط ویژه با امام، وکالت، پیام آوردن از امام و پیام نزد امام بردن، نیز به دلایل سیاسی یا هوی و هوس.

بر اساس واقعیت تاریخی، پس از رحلت پیامبر اسلام، صلی الله علیه و آله، و بویژه پس از شهادت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام، اسلام از مسیر اصلی و مستقیم خود خارج شد و تعصبات نژادی و اشرافیت ایرانی و رومی، دربار خلفای مسلمان را فراگرفت و روز به روز جامعه اسلامی از شعائر اسلامی فاصله گرفت و عدالت اجتماعی رخت برپست و تفاخرات قومی و مذهبی به دنبال آن تبعیض های اجتماعی، سراسر جامعه اسلامی را فراگرفت.

رهایی از ظلم و جور حکام ستمگر بظاهر مسلمان و بازگشت به دوران بی آلایش و

معنوی و مساوات اسلامی صدر اسلام، آرمان همه دردمندان مسلمان از عالم و عامی بود.

برخی از آگاهان با اطلاع از نارضایی عمومی جامعه و اعتقاد عموم شیعیان به ظهور امام زمان علیه السلام، ادعای مهدویت نمودند تا با بسیج عمومی و غلیان احساسات پیروان خود، بساط ظلم و ستم را برچینند. برخی نیز اعتقادات و احساسات پاک مردم را ابزاری برای کسب قدرت خود نمودند.

در سال ۶۶۵ ق. قیام بزرگ مردم فارس، تحت رهبری شیخ شرف الدین - که خود را مهدی خوانده بود - به وقوع پیوست که بشدت سرکوب شد. (۱) در سال ۸۴۵ ق. نیز قیام مشابهی در خوزستان ایجاد شد که در راس آن سید محمد مشعشع که از شیعیان افراطی (غالی) بود، قرار داشت. وی خود را «مقدمه» ظهور امام غایب می خواند و پیشگویی می کرد که وی بزودی ظهور خواهد کرد. (۲)

گذشته از شیعیان امامیه (اثنی عشریه) و سرزمین ایران، نهضت های سیاسی - اجتماعی متعددی توسط شیعیان غیر امامیه و نیز اهل سنت، بر ضد دولتهای وقت به وقوع پیوست که رهبران آنها، داعیه مهدویت داشته اند که غالباً از پایگاه اجتماعی نیرومند و حمایت های وسیع مردمی برخوردار شدند که به اختصار به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. عبدالله بن میمون (م. ۲۵۱ ق.)، از اعراب خوزستان بود. وی به مقام «داعی» اسماعیلی نایل شد و از طرف امام مستور (امام زمان)، در خوزستان دعوت و تبلیغ می کرد. او ناگزیر پنهان شد و نخست در بصره پناهگاهی جست و سپس به سلامیه (در سوریه) گریخت و در آنجا به تبلیغ پرداخت و مبلغانی به اطراف گسیل کرد. آنان به مردم می گفتند که بزودی امام مستور (صاحب الزمان)، مهدی موعود، ظهور خواهد کرد.

۲. در فاصله قرنهای سوم و چهارم هجری در سوریه (شامات)، داعیان اسماعیلی شایعاتی

ص: ۲۱۴

۱- همو، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۷۳.

۲- همو، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۸۰ و ۳۸۱.

منتشر کردند که مهدی علیه السلام، ظهور کرده و همان عییدالله، امام اسماعیلی است که نامش تا آن اواخر مستور بوده است.

۳- عباس فاطمی که در اواخر سده هفتم هجری در مغرب ظهور کرد و خود را مهدی نامید و هواداران زیادی دور خود جمع کرد و کارش بالا گرفت و شهر مانس را تصرف کرد و بازار شهر را سوزاند و عاملان خود را به اطراف و اکناف فرستاد لکن پیش از آنکه دولتی تشکیل دهد کشته شد و دعوی او پایان یافت. (۱)

۴- محمد مهدی سنوسی که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم هجری در مغرب ادعای مهدویت کرد. اصل او از جبل سوس بود. پدرش شیخ محمد در ناحیه جغبوب (جربوب)، نزدیک واخه سیوا اقامت داشت و علاوه بر آنجا - که مقر اصلی او بود - نزدیک به ۳۰۰ زاویه در بلاد مغرب دایر کرده بود که به نشر تعالیم او می پرداختند. وی پیش از وفات خود اشاره کرده بود که مهدی منتظر بزودی ظهور خواهد کرد. و شاید پسرش باشد و ظهور او در آخر قرن سیزدهم خواهد بود. مهدی، مردی خردمند، مقتدر و سخت کوش بود و از کرامات مشهور او خیمه ای جادویی بود که در جنگها همراه می برد و پیروانش معتقد بودند که آن خیمه، هیچگاه از ذخایر و آذوقه تهی نمی شود.

۵- محمد احمد سودانی، معروف به مهدی سودانی (۱۸۴۸ - ۱۸۸۵ م. / ۱۲۶۴ - ۱۲۹۲ ق). از مهمترین و معروفترین مدعیان مهدویت بود. وی از قبیله دناقله بود و در سودان به دنیا آمد. پدرش عبدالله نام داشت و به قایق سازی مشغول بود. محمد احمد به تعلیم علوم دینی پرداخت و در ضمن مراتب طریقت را نیز گذراند و با نرمخویی، تیزهوشی و سخنوری خود و از همه مهمتر زهد و تقوای خویش که زبانزد همگان بود، مردم را به خود جذب کرد. او به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و مردم را به رعایت موازین شرعی دعوت نمود و

ص: ۲۱۵

۱- همو، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۸۰ و ۳۸۱.

در سال ۱۸۸۱ م. / ۱۲۹۷ ق. که زمینه دعوت خود را مهیا دید ادعای مهدویت کرد و خود را همان مهدی منتظر علیه السلام، نامید. آنچه موجب دعوی محمد احمد گردید به طور عمده به این شرح است:

(الف) انتظار اکثر مسلمانان و از آن جمله مردم سودان برای ظهور مهدی علیه السلام؛

(ب) اعتقاد شیوخ قبایل و فقهای سودان بر اینکه مهدی علیه السلام، از میان آنان ظهور خواهد کرد و این عقیده خود را به روایاتی از ائمه حدیث (اهل سنت) مستند می کردند؛

(ج) دریافت مالیات سنگین از مردم سودان که همراه با فشار، آزار و توهین به مالیات دهندگان بود. حتی از زنان و کودکان سودانی، مالیات گرفته می شد.

(د) خرید و فروش مردم سودان به عنوان «برده»، تجارت پردرآمدی برای تجار سودانی بود.

مهدی سودانی چند بار با نیروهای مصری - انگلیسی جنگید و آنان را شکست داد و شهر خارطوم را به تصرف خود درآورد و دولت مستقلی تشکیل داد.

۶- و بالاخره در ایران نیز در سال ۱۲۶۲ ق. یکی از شاگردان سید کاظم رشتی به نام سید علی محمد شیرازی خود را نماینده (باب) امام زمان علیه السلام، دانست و پس از اینکه گروهی به او گرویدند، دعوی مهدویت کرد. علما با ادعای پوچ او مخالفت نمودند. و با فشار آنها در جلسه مناظره شرکت کرد اما از پاسخهای اولیه در ماند و پس از آنکه چوب مفصلی خورد توبه کرد و آزاد شد اما بار دیگر دعوتش را ادامه داد و سپس دستگیر و در قلعه چهریق زندانی گردید. پیروانش با حمایت سفرای روسیه و انگلستان در گوشه و کنار کشور شورش ضد دولتی به راه انداختند. اما این شورشها با هوشیاری و مقاومت مردم و همکاری قشون دولتی سرکوب گردید و باب نیز اعدام شد.^(۱) هر چند این حرکت خطرناک با مذهب بهائیت به نوع دیگری ادامه یافت.

ص: ۲۱۶

۱- برای اطلاع از دعاوی باب، رجوع شود به فتنه باب، نوشته اعتضاد السلطنه که کمی پس از رفع آن فتنه نوشته است.

فصل دوازدهم: مهدویت و غرب

اشاره

ص: ۲۱۷

موضوع مهدویت، بعنوان یکی از انقلابی ترین اعتقادات اسلامی، جهان غرب را در مورد آینده، به وحشت انداخته است. این وحشت ناشی از عمق بحران هایی است که غرب، آن را با تمام وجود احساس می کند و البته با یگانه هنر خود که «ظاهر آرای» است، تلاش می کند نه تنها چهره یک ورشکسته را به خود نگیرد، بلکه در هیات یک جهاندار غالب ظاهر شود و افراد ساده اندیش و سطحی نگر را بفریبد. فروپاشی نظام خانواده و بحران اخلاقی - اجتماعی ناشی از آن، بروز بحران زیست محیطی، بحران اقتصادی که در شکل تبعیض های وحشتناک خود را نشان می دهد، سیطره ظالمانه رسانه ها و... بحران های امروز غرب است و اندیشمندان نظام سلطه گر غرب، بخوبی می دانند که اگر این وضع استمرار یابد، قطعاً آینده از آن اندیشه ای خواهد بود که خلاً معنویت جهان را پر کند و اسلام و تشیع با اعتقاد بزرگ خود به مهدویت، قطعاً یگانه مکتبی خواهد بود که بزودی بیر کاغذی غرب را در ساحت اندیشه و تفکر میچاله خواهد کرد و خود چونان موهبتی آسمانی بر دل و جان مردم حاکم خواهد شد.

این خطری است که اندیشمندان غربی آن را احساس کرده اند و راه گریز از این سرنوشت محتوم را در مقابله با اسلام و تشیع و بویژه مقابله با اعتقاد به مهدویت دیده اند، مقابله ای که هرگز با پاسخ درخوری از سوی مسلمانان همراه نشده است.

تبلیغات غرب علیه مهدویت

غرب به استناد احساس خطری که از ناحیه مهدویت کرده، مدتهاست که تبلیغات دامنه داری را در مقابله با آن آغاز نموده است. این تبلیغات با بهره برداری از آخرین تکنولوژی های

روز که در اختیار غرب قرار دارد، انجام می شود. «دکتر سعیدی»، جامعه شناس، در این مورد به نکاتی جالب توجه اشاره می کند: «امروزه مدرن ترین ابزار تبلیغاتی غرب، هالیوود است. ابزاری مدرن، کارآ و نفوذکننده که یکسره در خدمت اندیشه های تمامیت طلب غربی است. فیلم های جدید هالیوود که در آنها، بطور غیرمستقیم علیه مهدویت شیعی تبلیغ می شود، بسیار است. فیلم های ژانر علمی-تخیلی، در این مقوله می گنجند. فیلم هایی پیش بینی آینده جهان را دستمایه سناریو خود قرار داده و غرب را قبله نجات مردم از سرسام تکنولوژی آینده تبلیغ می کنند، متأسفانه بدون دقت، از سوی برخی از کشورهای اسلامی دوبله شده و بنمایش درمی آیند. بعضی دیگر از فیلم های هالیوود، بطور مستقیم به مقابله با مهدویت می پردازند که یکی از معروف ترین آنها، فیلم «نوستراداموس» است که با تبلیغات شدید، بارها در جهان بنمایش درآمده و میلیونها سی دی از آن در حال حاضر در دنیا توزیع شده است.»

اما تبلیغات غرب علیه مهدویت، صرفاً در عرصه فیلم سازی خلاصه نمی شود. در همه عرصه های تبلیغاتی غرب، می توان رگه هایی از تبلیغ علیه مهدویت را مشاهده کرد. در واقع نظریه پردازان غربی با تهیه خوراکی تبلیغاتی برای سینما، کتاب، سخنرانی، تئاتر، تلویزیون و همه عرصه های هنری و فرهنگی، زمینه های تبلیغ علیه مهدویت را فراهم می آورند. در حال حاضر سایت های کامپیوتری زیادی وجود دارند که تبلیغات ضد مهدویت را بعهدہ دارند و ذهن پاک جوانان را از این رهگذر، تحت تأثیر قرار می دهند. در میان این امواج توفنده تبلیغات سوء، ما مسلمانان برای تبلیغ مهدویت در جهان امروز چه کنیم؟

متأسفانه فقر تکنولوژیک مسلمانان، بسیاری از امکانات بالقوه را در این مقوله، سلب کرده اما موضوع این است که ما حتی از داشته های خود هم در این راه بدرستی استفاده نمی کنیم و اگر به وظایف منتظران در عصر غیبت که تلاش در جهت آماده سازی زمینه برای ظهور حضرت صاحب الامر است، دقت کنیم، در خواهیم یافت که بخاطر این رخوتها در راه تبلیغ برای فرهنگ مهدویت، هریک به فراخور امکاناتی که در اختیار داریم، ضامن خواهیم

بود و قطعاً مورد سؤال قرار خواهیم گرفت. بی اطلاعی و کم اطلاعی جوانان جامعه ما از مقوله مهدویت، گناهی است که بخش عمده آن بردوش اندیشمندان، صاحب امکانات و مسئولان و دست اندرکاران جامعه ما سنگینی خواهد کرد. امروزه، جلوه های مظلومیت را می توان در موضوع مهدویت بخوبی مشاهده کرد.

غرب، سینما و آخرالزمان

این روزها «آخرالزمان»^(۱) ترکیب سهل و ممتنعی است که در بسیاری از محافل دینی، هنری، تاریخی و سیاسی، به کرات مورد استفاده قرار می گیرد و این واژگان حتی در ادبیات شفاهی و فرهنگ فولکلوریک برخی اقوام و ملل جهت بیان یک حس مشترک بشری از پایان تاریخ به کار می رود. اکنون سؤال این است که در ورای این ترکیب کلی و تعریف مشترک، چه کلید واژه های مشخصی را می توان سراغ گرفت.

طبعاً پیش از ورود به این بحث لازم است تعریفی کلی و اجمالی از مفهوم «آخرالزمان» عرضه داریم و طبیعتاً محصول این تعریف، یک گزاره جامع و مانع یا به بیان دیگر یک «تعریف علمی» نخواهد بود. براساس این رویکرد، «آخرالزمان» یک باور مشترک بشری در خصوص فرجام کار عالم ناسوت است که عالم ماده را در نگاهی بُرداری و زمان مند، دارای نقاط ابتدا و انتهای می داند. طبق این تعریف، عالم ماده ازلی و ابدی نیست و همان گونه که در زمان معینی ایجاد شده، در وقت مشخصی نیز به پایان خواهد رسید. حال اگر عالم ماده را به یک کتاب قطور و سالهای عمر این عالم را به صفحات آن کتاب تشبیه کنیم، «آخرالزمان» آخرین فصل از کتاب ناسوت خواهد بود. از آنجا که خالق گیتی، کتاب خلقت عالم را بی غایت و بی هدف قلم نزده، لاجرم چکیده عمر عالم و همه مقصود از آفرینش، در واپسین فصل این کتاب ظهور خواهد کرد و همه قصه های ناتمام این کتاب، در آخرین فصل آن،

ص: ۲۲۰

طبق آنچه گفته آمد، «آخرالزمان» پاسخ تمام سؤالهای ناتمام عالم هستی است و آنچه در آخرین فصل این کتاب به وقوع خواهد پیوست، هدف از خلقت عالم و آفرینش انسان را محقق و آشکار خواهد ساخت. به بیان دیگر، آخرالزمان، برهه ای از تاریخ است که طی آن عالم ناسوت، هویت لاهوتی خویش را باز خواهد یافت و در واپسین چالش میان حق و باطل، شناسنامه توحیدی عالم ماده دوباره پیدا و پدیدار خواهد شد.

باورمندی نسبت به مقوله «آخرالزمان» و شرایط آن، در میان همه ادیان و اقوام، به حدی عمیق و مشترک است که جز پذیرش فطری بودن این باور، راه دیگری باقی نمی گذارد. یعنی همان پدیده ای که «کارل گوستاو یونگ» (۱) آن را به عنوان قسمتی از «ضمیر ناخودآگاه مشترک» (۲) آدمی به رسمیت می شناسد و از آن با عنوان «کهن الگو» (۳) یاد می کند. در حقیقت «آخرالزمان» یک کهن الگوی عام و مشترک بشری است که آدمیان را صرف نظر از سرزمین و رنگ و نژاد، حول محور یک باور مشترک در خصوص پایان عمر دنیا گرد هم می آورد. براساس این باور، آخرالزمان به عنوان آخرین فصل کتاب عالم، به نوبه خود به سه مقطع زمانی قابل تقسیم است: مرحله اول، موعد آزمونهای سخت و فتنه های آخرالزمانی است. طی این مرحله که به «عصر عسرت» (۴) موسوم است، فتنه های آخرالزمانی یکی از پی دیگری آشکار می شوند و انسان را در ورطه ای از بلایای مافوق تصور غرق می کنند. مرحله دوم، مقطع «آشکار شدن منجی» (۵) و باز شدن دریچه امید است. در این مرحله جدال میان حق و

ص: ۲۲۱

۱- Capl.G Jung .

۲- Collective Uncoscious .

۳- Archetype .

۴- Tribulation Age .

۵- Revelation Age .

باطل به اوج می رسد و «نبرد نهایی» (۱) آغاز می شود. مرحله سوم، در پی غلبه حق بر باطل و هزیمت اهریمن از گیتی آغاز می شود و به «عصر طلایی» (۲) موسوم است. در این مرحله انسان به نهایت رشد و کمال نایل می شود و تمام ظرفیتهای نهفته عالم هستی بروز می کنند.

براساس یک الگوی آخرالزمانی مشترک، در تمامی ادیان الهی و بسیاری از اساطیر کهن اقوام و ملل، تقریباً همین روایت سه مرحله ای را می توان یافت و در اکثر این روایات یک ضد منجی یا «آنتاگونیست» (۳) مهم ترین مانع پیش روی منجی (۴) و یاران اوست که تمام تاریکیها و نیروهای اهریمنی در پشت سر او قرار گرفته اند. براساس اکثر روایات، نبرد نهایی میان خیر و شر، نبردی سهمگین و خونبار است که طی آن منجی و یارانش به امداد الهی بر لشکر اهریمن پیروز خواهند شد و بقیه السیف این نبرد، ظهور عصر طلایی یا آرمان شهر (۵) آخرالزمانی را شاهد خواهند بود.

آنچه بیان شد در حقیقت خویش به فطرت آدمی برمی گردد و همین الگوی فطری به دلیل برخورداری از ساختار اولیه درام (جدال خیر و شر و روایت فرازمانی) دستمایه بسیاری از رمانهای مشهور و فیلمنامه های سینمایی قرار گرفته است. حتی داستانها و فیلمهای کودکان نیز از این سوژه جذاب بی نصیب نمانده اند و همذات پنداری کودک با شخصیت منجی به عنوان مهم ترین عامل جذابیت این قبیل آثار برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است.

طبعاً نظام تصویری هالیوود (۶) نیز به عنوان بزرگ ترین امپراتوری سینمایی جهان، به دلایل عدیده این سوژه جذاب و جهانی را محور بسیاری از محصولات تصویری خویش قرار داده

ص: ۲۲۲

۱- Final Conflict

۲- Golden Age

۳- Antagonist

۴- Savior-Saviour

۵- Utopia

۶- Hollywood

است؛ تا جایی که هم اکنون در سینمای آمریکا، انواع مختلفی از آخرالزمان را می توان مشاهده نمود و به همان میزان منجیان آخرالزمانی نیز متکثر و متنوع اند. این گونه های آخرالزمانی در یک طبقه بندی ساده عبارتند از: آخرالزمان تکنولوژیک (۱)، آخرالزمان طبیعی (۲)، آخرالزمان دینی (۳)، آخرالزمان علمی _ تخیلی (۴) و آخرالزمان اسطوره ای (۵) که هر یک واجد شرایط و قهرمانان مختص خویش هستند.

در «آخرالزمان تکنولوژیک» آدمی با آفریده های تکنولوژیک خویش در جدال است و این مصنوع شوریده بر صانع، شرایط آخرالزمانی را برای انسان پدید می آورد. جرقه های آغازین این گونه را در آثاری مانند: «دکتر فرانکنشتاین» (۶) و تداوم آن را در «ترمیناتور ۲» (۷) و «ماتریکس» (۸) می توان دید. در اکثر این آثار انسان در مقابل مصنوع و مخلوق خویش کم آورده و دچار بحران هویت است. منجی این قبیل آثار معمولاً یک انسان دانا و شجاع است که با درآمیختن دانش و شهامت در ضمیر خویش، پیروان اندک خود را هدایت و رهبری می کند. در پایان نیز این تکنیسین اخلاق گرا، آنتاگونیست تکنولوژیک را شکست می دهد و بر نیروهای دشمن غلبه می کند.

در «آخرالزمان طبیعی» طبیعت صبور و مقهور انسان، به دلایل عمده (از جمله تخریب طبیعت به دست آدمی) بر علیه نسل بشر عصیان می کند و وقایعی مانند: گردباد، سیل، زلزله، آتشفشان و برخورد شهاب سنگهای عظیم به کره زمین، شرایط آخرالزمانی را پدید می آورند.

ص: ۲۲۳

۱- Technological Apocalypse .

۲- Natural Apocalypse .

۳- Religious Apocalypse .

۴- Sciencefictional Apocalypse .

۵- Mithological Apocalypse .

۶- Dr. Frankenstein .

۷- Terminator-۲ .

۸- Matrix .

گاهی نیز به دلیل دخالت‌های نابجای انسان در پروسه های طبیعی و دستکاریهای ژنتیک، هیولاهای ناشناخته ای از دل طبیعت پدیدار می شوند و حیات بشر را به مخاطره می افکنند. فیلمهایی نظیر: «برخورد عمیق»^(۱)، «آرماگدون»^(۲)، «قله دانت»^(۳)، «دنیای آب»^(۴)، «گودزیلا»^(۵) و «پارک ژوراسیک»^(۶) هر یک به سهم خود، مصادیقی از آخرالزمان طبیعی محسوب می شوند.

«آخرالزمان دینی» مهم ترین و قابل بحث ترین رویکرد سینمای هالیوود به بحث آخرالزمان است که به دو شیوه: پرداخت مستقیم یا رویکرد نمادین و استعاری، شرایط آخرالزمانی را به تصویر می کشد. در این رویکرد آنتاگونیست در قالب یک ضد ارزش دینی (مثلاً: شیطان^(۷)، ضد مسیح^(۸) یا دجال) در یک زمان خاص از زندان خود رها می شود و حیات بشر را بر روی کره زمین مورد تهدید قرار می دهد. طبعاً در این قبیل آثار، منجی یک شخصیت متدین (مثلاً یک کشیش^(۹) یا یک قدیس)^(۱۰) است که با تلفیقی از ایمان و شهامت و ایثار، آنتاگونیست را شکست می دهد و سحر شیطان را باطل می کند. در این قبیل آثار گاهی مسیح^(۱۱) و گاهی پیروان او محور مقابله با شرارت اند و در پروسه ای تقدیری و حساب شده،

ص: ۲۲۴

-
- ۱- Deep Impact .
 - ۲- Aramageddon .
 - ۳- Dantes peak .
 - ۴- Water world .
 - ۵- Godzilla .
 - ۶- Jurassic park .
 - ۷- Satan-devil .
 - ۸- Antichrist .
 - ۹- Priest .
 - ۱۰- Saint .
 - ۱۱- Jesus Christ-Nazarin .

شیطان را مقهور و منکوب می کنند. فیلمهایی نظیر، «جن گیر او ۱» (۱)، «طالع نحس ۳» (۲) و «پایان روزگار» (۳) مصادیق این گونه آخرالزمانی به شمار می روند.

«آخرالزمان علمی _ تخیلی» سوژه گروه دیگری از آثار هالیوودی است که طی آن تلفیقی از خیال و واقعیت یک خط آخرالزمانی را پدید می آورند. در این الگوی روایی، آنتاگونیستها در قالب موجودات فضایی، از آن سوی کهکشان و از اعماق تاریک فضا، پدیدار می شوند و حیات انسان را بر روی زمین مورد تهدید قرار می دهند. منجی این قبیل آثار با ترکیبی از دانش و مسائل ماوراءالطبیعه به جنگ بیگانگان می رود و در نبردی سخت و خونین، مهاجمان فضایی را از سر راه برمی دارد. فیلمهایی نظیر: مجموعه ۴ قسمتی «بیگانه» (۴)، «روز استقلال» (۵)، «عنصر پنجم» (۶) و مجموعه «جنگ ستارگان» (۷) از جمله این قبیل آثارند.

«آخرالزمان اسطوره ای» دستمایه گونه ای دیگر از آثار هالیوودی است که طی آن، آنتاگونیست از آن سوی مرز واقعیت و رؤیا و از دنیای رمزآلود افسانه و اسطوره های کهن سر برمی دارد و به دنیای امروز پا می گذارد و پارادوکس ماهوی آنتاگونیست با دنیای مدرن امروز، شرایط آخرالزمانی را پدید می آورد. در این گونه آثار، منجی و یاران او هیچ چاره ای جز سفر به دنیای اسرارآمیز اسطوره و خیال ندارند؛ زیرا هیچ سلاح و شیوه مدرنی بر آنتاگونیست ما قبل تاریخی کارگر نیست و صرفاً او را با تمهیدات اسرارآمیزی از جنس خود او می توان از میان برداشت. سرانجام با کشف یک طلسم یا ابزاری سحرآمیز، قدرت جادویی آنتاگونیست

ص: ۲۲۵

۱- ۱۲-The exporcist.

۲- The Omen .

۳- End of days .

۴- Alien .

۵- Independence day .

۶- The fifth element .

۷- Starwars .

باطل می شود و بحران فرو می نشیند. از مصادیق تصویری این گونه آخرالزمانی می توان به فیلمهای: «مومیایی» (۱)، «بازگشت مومیایی» (۲)، «عقرب شاه» (۳) و «ارباب حلقه ها» (۴) اشاره نمود.

علاوه بر آنچه ذکر شد، در سایر گونه های سینمایی نیز ردپایی از سوژه آخرالزمان و منجیان آخرالزمانی می توان مشاهده نمود. به بیان دیگر موضوع آخرالزمان، امروزه به چاشنی و مکمل برخی از گونه های دیگر سینمایی تبدیل شده که توضیح در این مقوله نیازمند مقاله جداگانه ای است.

اهداف غرب

در یک جمع بندی کلی به نظر می رسد که سیاست گذاران امپراتوری تصویری آمریکا و اعضای اتاق فکر هالیوود، با کشف جاذبه کم نظیر سوژه های آخرالزمانی و براساس چند هدف مشخص، تولید آثار سینمایی سالیان اخیر را در دستور کار خویش قرار داده اند: هدف اول، سوء استفاده از احساس نیاز فطری و کنجکاوی طبیعی انسان امروز در خصوص آخرالزمان در مسیر جلب سرمایه و کسب ثروت بیشتر است. به هر حال سوژه هایی از این دست در زمره پر فروش ترین محصولات سینمایی تاریخ سینما محسوب می شوند و این اقبال بیش از حد بینندگان طبعاً از چشمان تیزبین ارباب سینما به دور نمانده است.

هدف دوم، ترویج نگاه آخرالزمانی مطلوب هالیوود و تعریف مفاهیمی نظیر: منجی، دجال و علائم پایان دنیا براساس آموزه های توراتی و انجیلی است. در این گونه آثار موضوعاتی از قبیل: شیطان، ضد مسیح، بهشت (۵) و دوزخ (۶) و نبرد نهایی خیر و شر همگی بر

ص: ۲۲۶

۱- The mummy .

۲- The mummy returns .

۳- King scorpion .

۴- Wishmaster .

۵- Heaven .

۶- Hell .

مدار توصیفات کتاب مقدس مطرح می شوند و همین امر به ترویج آموزه های بعضا تحریف شده کتاب مقدس منجر می گردد.

هدف سوم، از پرداختن به موضوع آخرالزمان ترسیم مغرضانه مختصات پیروان شیطان و نسبت دادن شر و پلیدی به بلاد مشرق زمین و کشورهای اسلامی است. در اکثر این آثار، شیطان یا آنتاگونیست ریشه و منشأ شرقی دارد و بعضا از یک کشور اسلامی برمی خیزد و نیمه غربی عالم را عرصه تاخت و تاز خود و یارانش قرار می دهد. جالب این که حتی موجودات فضایی چهره های شرقی دارند و گاهی هم با مردم مشرق زمین ارتباط یا نسبتی برقرار کرده اند! طبعاً در این قبیل آثار سینمایی، اتاق فکر هالیوود به صورت نمادین، خطوط اصلی نبرد آینده خود را با دنیای اسلام ترسیم می کند.

هدف چهارم، از تولید این قبیل محصولات تصویری و قریب الوقوع نشان دادن آخرالزمان، سعی در اخذ بیعت خوف و به بیان دیگر کسب اختیار ویژه، در مدیریت سیاسی، نظامی عالم است. نکته جالب این است که فیلمهای هالیوود با بزرگ نمایی فجایع آخرالزمانی و توصیف دقیق ابعاد هراس انگیز آن، بینندگان خود را به گونه ای شرطی و فاقد اختیار می سازند که با تمامی ایده ها و راه حل های سازندگان فیلم در خصوص مقابله با خطرات آخرالزمانی موافقت نموده و هر عملی را به شرط دافع خطر بودن، تأیید خواهند کرد.

اصولاً با مرور فیلمهای آخرالزمانی سالیان اخیر هالیوود، به نظر می رسد که این قبیل آثار از حد چند محصول سرگرم کننده سینمایی فراتر رفته و به پروتکل نبرد آینده دنیای مدرن غرب با دنیای اسرارآمیز مشرق زمین و فرهنگ غنی اسلامی تبدیل شده اند. بینندگان میلیونی این قبیل آثار حتی اگر خود از ساکنان نیمه شرقی عالم یا از پیروان آیین اسلام باشند، با مشاهده مکرر محصولات تصویری هالیوود، از فرهنگ بومی و قومی خویش دلزده شده و اقتضائات دنیای مدرن را به عنوان تنها راه مقابله با مشکلات و فتنه های آخرالزمانی به رسمیت خواهند شناخت. براساس این تحلیل هدف غایی سازندگان این قبیل آثار آن است تا

افکار عمومی مردم جهان، آمریکا را به عنوان رهبر دنیای جدید و سر سلسله نیروهای خیر عالم قلمداد نموده و در قبال تصمیمات تجاوزگرانه و دیکتاتوری نظامی دولتمردان امروز آمریکا، از خود تساهل و تسامح بیشتری نشان دهند. طبعاً در نبرد نهایی میان خیر و شر، مختصری خونریزی و خشونت (خصوصاً اگر از جانب سر سلسله نیروهای خیر اعمال شده باشد) قابل اغماض و چشم پوشی خواهد بود! و این همان اختیار تامی است که سینمای هالیوود (به نیابت از دولت آمریکا) تلویحاً در صدد کسب آن است.

کلام آخر آن که امروز نظام تصویری هالیوود، مشخصاً به عنوان بازوی تصویری سیاستمداران آمریکایی در صدد است تا با مصادره به مطلوب مفاهیم خیر و شر و روایت مغرضانه معجونی از اسطوره و تاریخ، مقدمات رویارویی نهایی غرب را با دنیای اسلام فراهم آورد و در این میان مدیریت فرصت طلبانه «احساس قریب الوقوع بودن آخرالزمان» در عالم و موج سواری سیاسی در اقیانوس فطرت انسانها را وجهه همت خویش قرار داده است. ولی فارغ از تمام این معادلات شیطانی، گردونه علام بر مدار رحمانی خویش می گردد و آخرالزمان حقیقی و منجی آخرالزمان (نه آن گونه که یاران شیطان می پسندند) در آستانه بروز و ظهورند و پایان این ماجرا را دست اراده الهی رقم خواهد زد.

غرب، یهود و مسیحیت صهیونیستی

شوق آتشین باز آمدن یا آمدن منجی موعود، قرن ها است بشر وامانده از عدالت، معنویت و آزادی را بی قرار ساخته است. هرچند افق نگاه مردمان، گونه های مختلفی به انتظار بخشیده است (۱)، اما این واژه در معنای عام خود یکی از مشترکات بشر و انسان معاصر به حساب می آید. در این میان، ادیان ابراهیمی به این مسأله اهمیتی ویژه می دهند؛ چرا که ظهور موعود در هر یک از این ادیان به مفهوم تشکیل حکومت و سروری بر دیگران است. با توجه به

ص: ۲۲۸

شرایط کنونی، آنچه دغدغه این نوشتار را فراهم ساخته است، نگاهی کوتاه به بازخوانی اندیشه موعود در جهان مسیحیت است. این مسأله از آنجا مهم و درخور اعتنا است که هم اینک بخشی از جهان مسیحیت با تکیه بر وعده های توراتی – انجیلی و فن آوری موجود در دنیای غرب به گونه ای خاص به تأویل و تفسیر آخرالزمان و اندیشه انتظار می پردازد و با ارائه نگاهی جنگ طلبانه، تمامی اهرم های خود را برای تحمیل نظریه خویش به کار می برد. از این رو، با گذری کوتاه بر اندیشه بازگشت مسیح، تلاش خواهیم نمود تا از زاویه ای دیگر به این ماجرا بنگریم.

مسیحیان و بازگشت مسیح

اندیشه بازگشت عیسی علیه السلام یکی از باورهای غالب جامعه مسیحیت است. این شوق و انتظار، در بخش های قدیمی تر عهد جدید مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان به خوبی منعکس گشته است. اما در رساله های بعدی مانند رساله های پولس به تیموتاؤس و تیتوس، همچنین رساله های پطرس به بعد اجتماعی مسیحیت توجه شده است. این مسأله از آنجا ناشی می شد که عیسویان با گذشت زمان پی بردند که بازگشت مسیح علیه السلام برخلاف تصور آنان نزدیک نیست. (۱) هرچند اقلیتی از آنان بر این عقیده باقی ماندند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزارساله خود را تشکیل خواهد داد؛ حاکمیتی که به روز داوری پایان خواهد یافت. از همین رو، از دیر باز گروه های کوچکی به نام هزاره گرا در مسیحیت پدید آمده اند که تمام سعی و تلاش خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره عیسی در آخرالزمان می کنند. (۲) البته، وجود آیاتی در انجیل این حالت انتظار را تشدید می کند و با اشاره به عدم تعیین وقت ظهور، آن را ناگهانی معرفی می کنند. به عنوان مثال، در انجیل متا از زبان عیسی

ص: ۲۲۹

-
- ۱- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، چ اول، تهران، طه، سمت، مرکز جهانی علوم اسلامی، ص ۱۷۰.
 - ۲- ر.ک به: حسین توفیقی، هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، مجله موعود، شماره ۱۷، ص ۱۴-۲۰.

این گونه نقل شده است: «شما نمی توانید زمان و موقع آمدن مرا بدانید؛ زیرا این فقط در ید قدرت خداست. هیچ بشری از آن لحظه (زمان ظهور) آگاهی ندارد حتی فرشتگان، تنها خدا آگاه است.»^(۱) یا آن که در انجیل لوقا به نقل از مسیح چنین آمده است: «همیشه آماده باشید؛ زیرا که من زمانی می آیم که شما گمان نمی برید.»^(۲)

روشن نگه داشتن چراغ انتظار در لایه لای انجیل به چشم می خورد: «کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را فروخته بدارید، باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند. تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ در را برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامانی که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که شما گمان نمی برید پسر انسان می آید.»^(۳)

مسیحیت ضمن تأکید بر غیرمنتظره بودن بازگشت عیسی، هدف از این بازگشت را ایجاد حکومتی الهی در راستای حکومت الهی آسمان ها ارزیابی می کند.^(۴) علاوه بر این، ظهور مسیح یگانه راه حل برای ادامه حیات و زندگانی برشمرده می شود^(۵) و عیسی منجی انسان ها و پادشاه پادشاهان معرفی می گردد.^(۶) وی براساس سخنان دانیال نبی، نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و مذهبی جهان را عوض خواهد کرد و جهانی بر مبنای راه و روش خدا بنا می کند.^(۷) مسیحیان همچنین علاماتی برای ظهور عیسی بن مریم قایل می باشند: «عنقریب بعد از آن آزمایش سخت، روزگاران خورشید تیره و تار می گردد و ماه نور خود را از دست خواهد داد

ص: ۲۳۰

۱- انجیل متا، باب ۲۴: ۳۶.

۲- لوقا، باب ۱۲: ۴۰

۳- لوقا، باب ۱۲: ۳۵-۴۰

۴- انجیل متا، باب ۱۰: ۶

۵- انجیل متا، باب ۲: ۲۴

۶- مکاشفه، باب ۱۷: ۱۴ و باب ۱۹: ۱۶

۷- دانیال، باب ۲: ۴۴-۴۵

و ستارگان افول خواهند کرد و قدرت های آسمانی نیز به لرزه درخواهند آمد و سپس آثار و علایم ظهور آن مرد آسمانی آشکار خواهد شد و سپس تمامی قبایل زمین نگران و غمگین می گردند و آن گاه عیسی از ابرهای آسمان با جلال و شکوه و قدرت فرو خواهد آمد.»(۱)

در انجیل مرقس نیز ضمن تأکید بر همین مضامین، به جمع آوری یاران توسط مسیح اشاره شده است: «سپس عیسی با شکوه و جلال و قدرت خواهد آمد و فرشتگان تحت امر خود را به اطراف و اکناف عالم روانه خواهد کرد و منتخبان خود را از چهار گوشه جهان از بالاترین نقطه آسمان تا پایین ترین نقطه زمین جمع خواهد کرد.»(۲) روایات اسلامی نیز بر آمدن مسیح علیه السلام صحه می گذارند. از جمله آن که، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سوگند به آن که جانم به دست او است، به طور یقین عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و پیشوایی دادگر در میان شما فرود خواهد آمد.»(۳)

این مسأله به خودی خود می تواند زمینه های گفت و گو و هم اندیشی بین انتظار اسلامی و مسیحی را فراهم آورد. ناگفته نماند که حتی در برخی از انجیل های مورد پذیرش گروهی از پروتستان ها، به روشنی از ظهور نجات دهنده ای صحبت به میان می آید که از فرزندان پیامبر عربی است: مسیح در وصایای خود به شمعون پطرس می فرماید: «ای شمعون! خدای من فرمود، تو را وصیت می کنم به سید انبیا، که بزرگ فرزندان آدم و پیغمبران امی عربی است. او بیاید، ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند.»(۴)

ص: ۲۳۱

۱- انجیل متا، باب ۲۴: ۲۹-۳۰.

۲- مرقس، باب ۱۳: ۲۴-۲۷، همچنین متا، باب ۲۴: ۳۱.

۳- علی کورانی عاملی، عصر ظهور، ص ۳۴۱ به نقل از ابن حماد، الفتن (خطی)، ص ۱۶۲

۴- همشهری، ۲۶/۱۰/۷۴، به نقل از مصلح جهانی به نقل از: آرمان شهر در ادیان، محمدعلی بزنونی، پگاه، ش ۲۴، ص ۲.

«مسیحیت صهیونیستی» جریانی «فرهنگی، سیاسی» است که با تکیه بر آموزه های توراتی، تمایلات سیاسی صهیونیستی و امکانات نظامی آمریکا سعی در کسب سلطه کامل بر جغرافیای فرهنگی و خاکی مسلمین (از نیل تا فرات) دارد.

این جریان موضوع زمینه سازی ظهور مقدس را بهانه حضور در خاورمیانه، حمایت از اسرائیل، تسلط بر عراق و... ساخته است.

این جریان «ظهور حضرت عیسی علیه السلام» را مشروط به تشکیل اسرائیل بزرگ، انهدام بیت المقدس، بنای هیکل سلیمان و بالاخره واقعه «آرماگدون» می شناسند و حذف عوامل مزاحم تحقق این استراتژی، مقابله با مسلمین و روحیه جهادی شیعیان، سلطه کامل بر ایران اسلامی و قتل عام مخالفان سلطه صهیونیسم بر سرزمینهای اسلامی را مقدمه لازم به شمار می آورد.

غرب در دهه های آخر قرن بیستم (به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) دریافت که ایده «مهدوی» و فرهنگ ولایی اصیل که توسط شیعیان مطرح می شود از استعداد بالقوه و شگرفی برای تهدید فرهنگ و تمدن الحادی و سیاست استکباری غرب برخوردار است و به عنوان طرحی جایگزین «فرهنگ لیبرالیستی» می تواند جاذب عموم مردم سرخورده جهان امروز شود؛ از اینرو مخدوش ساختن چهره این فرهنگ، القاء این معنا که آینده از آن فرهنگ لیبرالیستی است و بیهوده جلوه دادن هرگونه تلاش برای تغییر وضع موجود در دستور کار گردانندگان نظام سلطه در بخشهای فرهنگی و سیاسی غربی قرار گرفته است.

متمسک شدن به موضوع «قریب الوقوع بودن ظهور حضرت مسیح علیه السلام» برای محتوم جلوه دادن سلطه یهودیت و مسیحیت بر کل جهان در هیأت حکومت جهانی، حکایت از طرحی زیرکانه، مُحرّف و سلطه جویانه دارد که عدم بازشناسی صبغه فرهنگی و سیاسی آن و همچنین مخفی ماندن زوایای این امر برای مخاطبان مسلمان موجب بروز انحراف فرهنگی

جوانان و تأثیرپذیری آنها از آموزه های منحرف غرب مسیحی و یهودی خواهد شد.

مسیحیت صهیونیستی با توسل و تمسک به این حيله و با استفاده از همه قوا سعی در حفظ قدرت غرب و استمرار حاکمیتش بر سرتاسر جهان دارد. به طوری که از اولین سالهای پیروزی انقلاب اسلامی شاهد ورود فیلمهایی چون «نوستر آداموس» و صدها فیلم دیگر از این دست بودیم که سعی در مخدوش ساختن چهره مقدس منجی آخرالزمان و موعود مسلمانان کرده است.

بازشناسی این جریان محرف، نقد و رد عملکرد تبلیغاتی، سیاسی و نظامی آن در جهان و به ویژه سرزمینهای اسلامی مقدمه ای است برای مصونیت بخشیدن به جوانان، بیداری گردانندگان و حاکمان سرزمینهای اسلامی و متذکر شدن محققان و مبلغان برای نقد و مقابله جدی فرهنگی با این خطر بزرگ.

منتظران هارمجدون (آرماگدون)

منتظران هارمجدون (آرماگدون) (۱)

یکی از موضوعاتی که همواره در اندیشه انتظار مسیحیت و اسلام به عنوان چالش مطرح بوده، نبرد آخرالزمان است. با نگاهی به تاریخ اروپا و امریکا در مقاطعی حساس، رهبران آنان با اشاراتی کوتاه و بسیار مبهم مطالبی را بیان می داشتند که بیان گر اندیشه های درونی حاکم بر آنان بوده است. ناپلئون وقتی به دشت جرزال میان جلیله و سامریه در حوالی کرانه غربی رود اردن رسید، گفت: «این، میدان بزرگ ترین نبرد جهان است.» (۲) وی این مطلب را براساس آموزه های انجیلی ابراز داشت. اما به نظر نمی رسد هیچ پژوهشگر مسلمانی این گفتار وی را، که در تاریخ ثبت شده است، مورد توجه، تجزیه و تحلیل قرار داده باشد. بیش از صد

ص: ۲۳۳

۱- ر.ک: آیا واقعه آرماگدون پایان جهان است؟، جرولدانست، فاطمه شفیعی سروسستانی و فرشاد زاهد، موعود، ش ۳۲، ص ۲۰.

۲- تدارک جنگ بزرگ، گریس هال سل، ترجمه خسرو اسدی، ص ۵۰.

سال بعد، هنگامی که فرانسه توانست با سوء استفاده از ضعف امپراطوری عثمانی، سوریه و لبنان را اشغال کند، ژنرال گورو فرمانده فرانسوی و فاتح دمشق، در حالی که پای خود را با تنفر و تکبر تمام بر مزار صلاح الدین ایوبی گذاشته بود، اظهار داشت: «هان ای صلاح الدین ما بازگشتیم!» این رفتار متفرعانه مخصوص این فرمانده فرانسوی نبود. آلن بی، ژنرال انگلیسی نیز که خود در جنگی دیگر در زمان جنگ جهانی اول در هارمجدون پیروزی ارزشمندی را به دست آورده بود، هنگام ورود به قدس، سرمست از پیروزی خویش در برابر کنیسه قیامت ابراز داشت: «امروز جنگ های صلیبی به پایان رسید.» این حادثه برای یهودیان از چنان اهمیتی برخوردار بود که اسرائیل زانگوئیل آن را «جنگ هشتم صلیبی» نامید. (۱)

در ادامه، خط سیر این اندیشه را در رفتار جنگ جویانه آیزنهاور رئیس جمهور امریکا، در دهه پنجاه پی می گیریم. وی اعلام کرد: «بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم، جنگی است برای تسخیر افکار انسان ها.» (۲) اما وی ابراز نداشت که سخن وی در واقع روشی برای تحقق نظریه حمبس برونهام، در کتاب «مبارزه برای جهان» است که نوشته بود: «هدف ما ایجاد دولت جهانی امریکایی است، به گونه ای که با دولت های جهان به رقابت برخیزد.» (۳)

در پی این اظهارات تند و مهار گسیخته در دهه هشتاد با جنگ ستارگان ریگان، تفکر مذهبی وی در رابطه با مشیت الهی، جنگ برای نابودی دشمنان خدا و حکومت هزارساله مسیح (۴) روبه رو می گردیم. پس از ریگان، بوش - پدر - با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظریه نظم نوین جهانی را مطرح می سازد و فرزندش پس از حوادث یازده سپتامبر بار دیگر با نبش قبر اندیشه ها و انگیزه های مدفون مذهبی، سخن از جنگ های صلیبی به میان می آورد و

ص: ۲۳۴

-
- ۱- نک: نقد و نگرش بر تلمود، ظفرالاسلام خان، محمدرضا رحمتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۷۱.
 - ۲- احمد رزاقی، تبلیغات دینی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۰ و ۲۱
 - ۳- احمد رزاقی، تبلیغات دینی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۰ و ۲۱
 - ۴- گریس هال سل، پیشین، ص ۷۴.

کشورهای ایران، عراق و کره شمالی را محور شرارت می نامد. نگاه تفوق جویانه و نامداری غرب نسبت به مسلمانان، با فراز و نشیب هایی مصلحتی در طول چند قرن اخیر به خوبی روشن است.

حال، این پرسش مطرح می شود که آیا همه این اظهارنظرها اتفاقی است و از نگرش لیبرالیستی غرب ناشی می شود یا برآیندی است از ناگفته های ذهنی و عقیدتی غربیان، که با بیان های گوناگون ابراز می شود؟ از سوی دیگر، آیا این نگاه خصمانه در اندیشه انتظار منجی آخرالزمان نیز ردپایی از خود برجای گذاشته است یا خیر؟ گریس هال سل در جست و جوی پاسخ این پرسش ها، کتاب «تدارک جنگ بزرگ» را به رشته تحریر درآورده است. این نویسنده مسیحی - امریکایی به ریشه یابی دشمنی های غرب پرداخته، با دلایل گوناگون و مستند این نظریه را اثبات می کند که برخی موضع گیری ها و رفتارهای خصمانه یا دوستانه برخی از سردمداران کشورهای قدرتمند مسیحی، ناشی از یک عامل عقیدتی است؛ عاملی که از سوی حرکت های راست افراطی مسیحی به شدت در جامعه مسیحی تبلیغ می گردد و تاکنون با اقبال خوبی روبه رو بوده است. این عامل چیزی جز «نبرد آخرالزمان» نیست؛ نبردی که در دره مجدون رخ خواهد داد. براساس این روایت عهد عتیق، پیکاری بزرگ بین ارتش دویست میلیونی شرق از یک سو، و ارتش یهودی مسیحی از سوی دیگر، به وقوع خواهد پیوست.

نبردهای مجدون همزمان با بازگشت مسیح روی خواهد داد. براساس تأویل های گروهی از کشیشیان پروتستان، در این جنگ از سلاح های هسته ای استفاده خواهد شد: (۱) «ای پسر انسان نظر خود را بر جوج، که از زمین مأجوج و رئیس روش و ماشک و توبال است، بدار و بر او نبوت نما و بگو خداوند «یهوه» چنین می فرماید «اینک من ای جوج رئیس روش و

ص: ۲۳۵

ماشک و توبال بر ضد تو هستم و تو را برگرانیده قلاب خود بر چانه ات می گذارم و تو را با تمامی لشکرت بیرون می آورم. اسبان و سواران، که جمیع ایشان با اسلحه تمام آراسته، جمعیت عظیمی با پسرها و مجنّ ها و همگی این ها شمشیر به دست گرفته. فارس و کوش و فوط با ایشان و جمیع ایشان با سپر و خود، جو مرو تمامی افواجش و خاندان تو جرّمه از اطراف شمال با تمامی افواجش و قوم های بسیاری همراه تو. پس مستعد شو و تو تمامی جمعیت که نزد تو جمع شده اند، خویشان را مهیا سازید و تو مستحفظ ایشان باشد. پس از روزهای بسیار از تو تفقد خواهد شد و در سال های آخر به زمینی، که از شمشیر استرداد شده است، خواهی آمد که از میان قوم های بسیار بر کوه های اسرائیل، که به خرابه های دائمی تسلیم شده بود، جمع شده است و آن از میان قوم ها بیرون آورده شده و تمامی اهلش به امنیت ساکن می باشند.» (۱) علاوه بر این آیات، که به چگونگی تشکیل سپاهیان مهاجم و پایان خوش جنگ می پردازد، برخی دیگر جنبه های دهشت بار نبرد را روشن می سازند: «خداوند یهوه می گوید: در آن روز، یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل برمی آید، همانا حدّت خشم من به بینیم خواهد برآمد... هر آینه در آن روز تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می خزند و همه مردمانی که بر روی جهانند و به حضور من خواهند لرزید و کوه ها سرنگون خواهد شد و صخره ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید.» (۲) در کتاب زکریای نبی، به چگونگی کشته شدن جنگاوران مهاجم اشاره شده است: «گوشت ایشان در حالتی که بر پای های خود ایستاده اند، کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.» (۳) شدت حادثه و تعداد

ص: ۲۳۶

- ۱- عهد عتیق، حزقیال نبی، باب ۳۸، آیات ۲-۸.
- ۲- عهد عتیق، حزقیال نبی، باب ۳۸، آیات ۱۸-۲۰.
- ۳- کتاب زکریا، باب ۱۴، آیه ۱۲.

کشتگان در این نبرد عظیم، چنان زیاد است که در مکاشفه یوحنا از آن به عنوان ضیافت خداوند برای پرندگان یاد می شود: «و دیدم فرشته ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده، می گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبان و سواران آنها و گوشت همگان را چه آزاد، چه غلام و چه صغیر و چه کبیر.»^(۱)

این روایات عهد عتیق و انجیل، شباهت بسیاری با واقعه و نبرد قرقیسیا^(۲) در روایات شیعی دارد. برای مثال، از امام صادق علیه السلام در همین زمینه نقل شده است: «ان لله مائده بقرقیسیا یطلع مطلع من الماء...»^(۳) «همانا برای خداوند در قرقیسیا سفره ای است که سروش آسمانی از آن خبر می دهد، پس ندا می دهد ای پرندگان و ای درندگان زمین! برای سیر گشتن از گوشت ستمکاران شتاب کنید.» امام باقر علیه السلام نیز ضمن تأکید بر شدت واقعه می فرماید: «همانا واقعه ای برای فرزندان عباس و مروانی در قرقیسیا روی خواهد داد که نوجوان را پیر می کند و خداوند هرگونه یاری را از آنان دریغ داشته، به پرندگان آسمان و درندگان زمین الهام می کند تا از گوشت ستمگران سیر شوند.»^(۴) براساس تحلیل های معتقدان نبرد آخرالزمان، ۳۲ جمعیت جهان طی وقایع و حوادث ظهور از بین خواهند رفت. «خداوند می گوید: "در تمامی زمین دو حصه منقطع شده، خواهند مُرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل مصفا ساختن طلا ایشان را مصفا خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت

ص: ۲۳۷

۱- مکاشفه یوحنا، باب ۱۹: ۱۷-۱۸.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.

۳- محمد بن ابراهیم النعمانی، الغیبه، تهران بی نا، ۱۳۹۷ ه. ق، ج ۶۴ ص ۲۷۸.

۴- النعمانی، همان، ص ۳۰۳، ح ۱۲.

نموده، خواهم گفت: ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما می باشد." (۱) این نگاه نیز با روایات اسلامی مطابقت دارد؛ چرا که از امیرمؤمنان علیه السلام در این باره نقل شده است: «لا یخرج المهدی حتی یقتل ثلث و یموت ثلث و یبقی ثلث.»؛ مهدی زمانی خروج خواهد نمود که ۳۱ کشته می شوند، ۳۱ می میرند و ۳۱ باقی می مانند. (۲) روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نیز بر همین مضامین تأکید دارد. (۳)

مجموع این روایات توراتی و انجیلی، دستاویزی قابل اعتنا به دست هزاره گرایان مسیحی و پیروان تندرو مشیت الهی داده است. البته، لازم به یادآوری است که پیروان این نظریه حتی به متحدان یهودی خود نیز رحم نمی کنند و ضمن آن که معتقدند میلیون ها نفر از یهودیان در این جنگ کشته می شوند. آینده عده باقی مانده را نیز چنین ترسیم می کنند: «پس از نبردهای مجددون، تنها صد و چهل و چهار هزار نفر یهودی زنده خواهند ماند؛ و همه آنان اعم از مرد، زن و کودک، در برابر مسیح سجده خواهند کرد و به عنوان مسیحیان نوآیین، خود به تبلیغ کلام مسیح خواهند پرداخت.» (۴) با وجود اصرار معتقدان به نبرد آخرالزمان بر واژه های مجددون، این کلمه تنها یک بار در انجیل مطرح شده است. (۵) با این حال، این تفسیر جنگ طلبانه در جوامع مسیحی به شدت بازتاب یافته است، به گونه ای که در سال ۱۹۸۵ م. این گونه تفسیرها، که در قالب برنامه های تلویزیونی ارائه می شد، تنها در امریکا حدود شصت میلیون مخاطب را به خود جذب نموده بود. همچنین فروش کتاب، «مرحوم سیاره بزرگ زمین» که در همین رابطه نوشته شده بود، به مرز هجده میلیون نسخه رسید و در سراسر دهه

ص: ۲۳۸

۱- زکریا، باب ۱۳: ۸-۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۵ به نقل از کنز العمال.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۵ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

۴- تدارک جنگ بزرگ، ص ۵۴.

۵- مکاشفه یوحنا، باب ۱۶: ۱۶.

هفتاد پرفروش ترین کتاب پس از انجیل به شمار می رفت. (۱) هم اکنون امریکاییان به بیش از هزار و چهارصد ایستگاه رادیویی، که برنامه های مذهبی پخش می کنند، گوش فرا می دهند. (۲) و هشتاد هزار کشیش بنیادگرای پروتستان روزانه از چهارصد ایستگاه رادیویی به تبلیغ مرام و مکتب خویش می پردازند. اکثریت آنها را هواخواهان مشیت الهی (نبرد پیروزمند مسیحیان در آخرالزمان) تشکیل می دهند. (۳) این مبلغان جنگ، که بیش تر درباره حمایت خداوند از مسیحیان و عظمت و آینده درخشان ایشان سخن می گویند، با استفاده از شبکه های تلویزیونی خویش هم اکنون حدود شصت کشور را تحت پوشش برنامه های خود قرار داده اند.

لازم به یادآوری است که یکی از ایستگاه های تلویزیونی مروج این نوع دیدگاه در جنوب لبنان حضور فعال دارد. یکی دیگر از فعالیت های درخور توجه این گروه تربیت یک صد هزار کشیش متعصب و مدافع مسیحیت جنگ طلب می باشد، که عمده فعالیت خود را در امریکا متمرکز نموده اند. جالب است بدانیم مفسران و نظریه پردازان این نظریه تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی واژگانی همچون روش، ماشک، توبال، فارس، جومر و توجرمه را، که به زعم اینان حریفان اصلی نبرد مجددون را تشکیل می دهند، به ترتیب بر روسیه، مسکو، توبولسک (یکی از شهرهای شوروی سابق)، ایران، شمال افریقا یا کشورهای اروپای شرقی و قزاق های جنوب روسیه تطبیق می کردند. (۴) این گروه نسبتاً قدرتمند علاوه بر آن که، روابط خویش را با اسرائیل مستحکم می سازند و تشکیل رژیم صهیونیستی را مقدمه ظهور مسیح ارزیابی می کنند، در عین حال با توجه به اعتقادات خویش، با جریان صلح یا سازش خاورمیانه مخالفت می کنند. جری فال ول، که یکی از کشیشان معروف و از رهبران

ص: ۲۳۹

۱- تدارک جنگ بزرگ، ص ۱۹.

۲- ر.ک به: زندگی در عیش، مردن در خوشی، نیل پستمن، ترجمه دکتر صادق طباطبایی، فصل هفتم، ص ۲۱۹.

۳- تدارک جنگ بزرگ، پیشین، ص ۲۶.

۴- تدارک جنگ بزرگ، پیشین، ص ۲۶.

این گروه های افراطی می باشد، درباره روند صلح خاورمیانه و پیمان کمپ دیوید می گوید: «به رغم انتظارهای خوش بینانه و دور از واقع بینی دولت ما، این قرارداد پیمان پایداری نخواهد بود. ما از صمیم قلب برای صلح در اورشلیم دعا می کنیم، ما به یقین بالاترین احترام ها را برای نخست وزیر اسرائیل و ریاست جمهوری مصر قایل هستیم... اما شما و ما می دانیم تا روزی که خداوندگار ما عیسی بر روی تخت داوود در اورشلیم (قدس) جلوس نکنند، صلحی در خاورمیانه برقرار نخواهد شد.»^(۱)

متأسفانه باید اظهار داشت این دیدگاه افراطی تنها به پژوهشگران راست مسیحی و برخی کشیشان محدود نمی شود، بلکه رسوبات این طرز تلقی در یکی از مهم ترین نظریات سیاسی _ راهبردی، یعنی نظریه جنگ تمدن ها و در پیوند با اهداف درازمدت قدرت های بزرگ به خوبی قابل مشاهده است. نظریه جنگ تمدن ها، که استخوان بندی سیاست خارجی و دفاعی امریکا را شکل داده است، در رابطه با آینده جوامع بشری به ویژه دو تمدن اسلام و غرب، نگاهی نزدیک به مشیت طلبان مسیحی داشته و ابراز می دارد: «تقابل اصلی جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است.»^(۲)

حاصل سخن

با جمع بندی آنچه گذشت، می توان این حقیقت را دریافت که در صحنه انتظار موعود رقبایی سرسخت و پرکار حضور دارند؛ اندیشه هایی که با ارائه تفاسیر خویش در تلاش هستند تا موجودیت سایر نگرش ها را به خطر اندازند. این مسأله زمانی جدی تلقی می شود که بدانیم هویت شیعه پیوندی حیاتی با اندیشه انتظار داشته و در ارتباط با این مفهوم قوام می یابد. از این رو، می توان با اطمینان اظهار داشت که بار گران تبیین اندیشه مهدویت بیش از هر جا بر دوش شیعه دوازده امامی سنگینی می کند. حال، اگر این واقعیت را با وقوع انقلاب

ص: ۲۴۰

۱- تدارک جنگ بزرگ، پیشین، ص ۵۹.

۲- هویت، ص ۲۶.

اسلامی و داعیه داری زمینه سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ملاحظه نماییم، عمق مسأله بیش از پیش آشکار خواهد شد. بی گمان فرا رسیدن هزاره سوم فرصتی کم نظیر و طلایی را فراروی مبلغان واقعی منجی آخرالزمان قرار داده است. استفاده هدفدار و روشمند از این موقعیت ممتاز با توجه به غنا و گیرایی اندیشه انتظار در شیعه، می تواند راه را بر اندیشه های رقیب بسته یا دست کم آنان را بی رقیب رها نکند. در برابر بی توجهی به فرصت های پیش آمده راه نفوذ و هجوم دیگری را برای دشمنان فراهم خواهد ساخت؛ دشمنانی که با اندیشه انتظار نیز برخوردی ابزاری خواهند داشت.

غربی در پیگیری مسأله «آخر الزمان» به مراتب فعال تر از همه هستند. بازخوانی پرونده «میشل نوستر آداموس» از سوی اورسن ولز در فیلم «مردی که آینده را دید»، تنها یکی از حلقه های مشهور این تلاش است که اخیراً برخی جامعه شناسان و کارشناسان امور ارتباطی کشورمان هم بر آن تفتن یافته اند. حال آنکه این زنجیره حلقه های دیگری هم دارد که برخی به پیش از ساخت این فیلم - در دهه هشتاد - و بعضی دیگر به حوادث قریب الوقوع ماه های آینده مربوط می شود. طراحی «جنگ ستارگان» از سوی دولت ریگان نیز از جمله حلقات مشهود این تئوری است که پس از روی کار آمدن دولت بوش پسر، دوباره در دستور کار مقامات کاخ سفید قرار گرفته است. در مقاله ای که چهار سال پیش ترجمه کردم (۱) و تا کنون بدون اطلاع این نویسنده در چندین و چند جا به چاپ مجدد رسیده است، به این موضوع اشاره شده که مؤسسات دینی راستگرایان مسیحی از سال های دهه ۸۰ میلادی، مردم کشورهای غربی را به ایمان جمعی به وقوع حادثه ای بزرگ در سرزمین شام توجه داده اند. بنا به پیش بینی این گروه از مفسران که از جمله مشاوران عالی کاخ سفید محسوب می شوند، در آینده لشکری از به اصطلاح دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن از میلیون ها نظامی تشکیل یافته، از عراق حرکت می کند و پس از گذشتن از رود خشک فرات به سوی قدس رهسپار می شود؛ اما نیروهای مؤمن به مسیح راه این لشکر را سد کرده، همگی در دره ای به نام

آرماگدون (یا همان هرمجدون) با همدیگر برخورد خواهند کرد. به پیشگویی و بلکه برنامه ریزی نظامی این دول و به منظور تسریع در روند ظهور مسیح یهودی، وقوع نبردی هسته ای در این منطقه اجتناب ناپذیر است. جنگی جهانی که به مرگ میلیون ها نفر غیر یهودی و غیر مسیحی بینجامد. چیزی شبیه اعتقاد غلط برخی افراد در کشور خود ما که تسریع ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دامن زدن به فساد و تباهی منوط می دانند.

صهیونیسم یهودی و مسیحی از یک سو با معرفی چند سال آینده به عنوان دوران ظهور، سیستم سیاسی حاکم بر ایالات متحده را به عنوان یگانه منجی بشریت تبلیغ می کند و از سوی دیگر با تراشیدن موعودهای دروغین، اذهان خام ساده اندیشان را به سوی دست نشاندهگان مزدور خود متوجه می سازد. تقابل بن لادن با ایالات متحده بی تردید یک بازی سیاسی است که نمونه نازل آن را در پیروزی موقت اعراب در صحرای سینا شاهد بودیم. پیروزی ظاهری و موقتی که نتیجه باطنی آن حاکمیت چند ساله انور سادات رئیس جمهور معدوم مصر و امضای قرارداد صلح کمپ دیوید بود. قرارداد صلحی که پیروزی صوری اعراب در جنگ با اسرائیل مقدمه الجیش آن و عامل خواب خرگوشی مسلمانان محسوب می شد. همین بازی در اثنای جنگ کویت تکرار شد و ساده اندیشی تحلیل گران ناآگاه که صدام و بوش پدر را در برابر هم می دیدند، به استقرار نیروهای نظامی غرب در کل منطقه خلیج و ترکیه انجامید....

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

